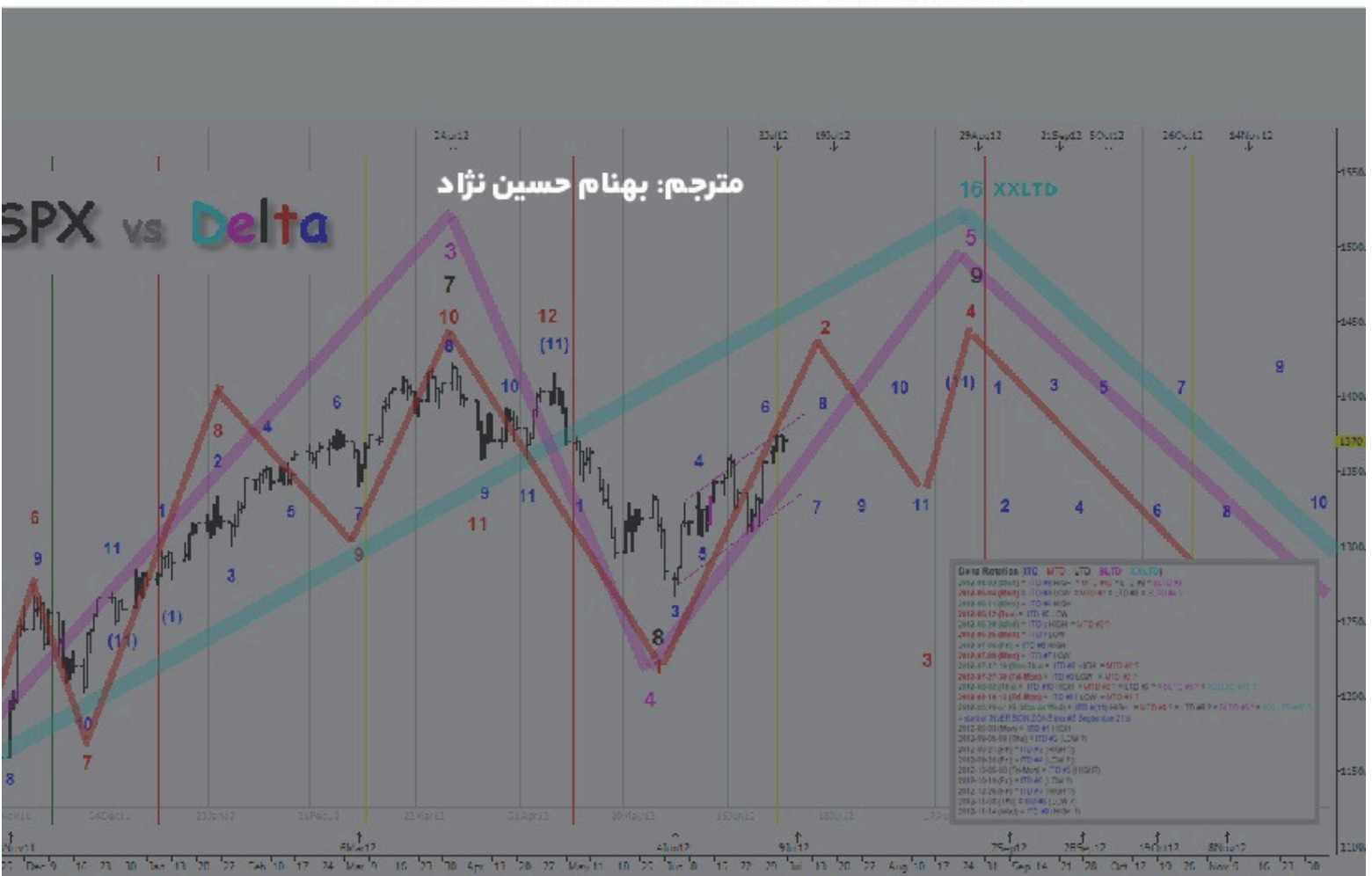




پدیده دلتا

یا نظم پنهان در تمامی بازارها

Delta Phenomenon OR
Hidden Order in All Markets



شناسنامه

سرشناسه: وایلدِر، ج. ولز. Wilder, J. Welles
عنوان و نام پدیدآور: پدیده دلتا یا نظم پنهان در تمامی بازارها/ [ج. ولز وایلدِر؛ مترجم بهنام حسین نژاد.
مشخصات نشر: اردبیل: باغ اندیشه، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری: ۱۹۴ ص. : نمودار؛ ۵/۱۴×۲۱/۵ س.م.
شابک: ۲۰۰۰۰۰ ریال : ۶-۴۸-۸۶۱۲-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: عنوان اصلی: c1991, The Delta phenomenon, or, The hidden order in all markets.
موضوع: بازار معاملات آتی - آینده نگری
Futures market - Forecasting
موضوع: بازار - آینده نگری
Markets - Forecasting
موضوع: سفته بازی و بورس بازی
Speculation
شناسه افزوده: حسین نژاد، بهنام، ۱۳۶۴ -
رده بندی کنگره: ۳۳۲/۶۴۵ / HG ۶۰۲۴ / و ۲۰۳۴
رده بندی دیویی: ۳۳۲/۶۴۵
شماره کتابشناسی ملی: ۴۹۰۹۴۵۹

نام کتاب: پدیده دلتا یا نظم پنهان در تمامی بازارها
مؤلف: وایلدِر، ج. ولز مترجم: بهنام حسین نژاد
صفحه آرای: یاسر امامی
تیراژ:

قطع: رقعی
تعداد صفحه: ۱۹۴ صفحه
ناشر: باغ اندیشه
نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۶
قیمت: ۲۰۰۰۰۰ ریال
شابک: ۶-۴۸-۸۶۱۲-۹۶۴-۹۷۸

**در صورت تمایل و به منظور حمایت از اثر و تشویق مترجم
می توانید مبلغ دلخواه خود را به شماره حساب زیر
بنام بهنام حسین نژاد واریز نمایید.**

۸۷۰۵-۱۹۰-۰۳۳۷۹-۶۱۰۴ (بانک ملت)



فهرست

۷	فصل اول: پدیده دلتا یا نظم پنهان در تمامی بازارها
۲۷	فصل دوم: جلوه‌ای از حقیقت
۵۱	فصل سوم: تایم فریم میان مدت دلتا (ITD)
۷۵	فصل چهارم: گروه‌های هم خانواده
۸۳	فصل پنجم: تایم فریم متوسطه دلتا یا (MTD)
۹۷	فصل ششم: تایم فریم دراز مدت دلتا یا (LTD)
۱۲۹	فصل هفتم: تایم فریم خیلی دراز مدت دلتا یا (SLTD)
۱۴۷	فصل هشتم: تایم فریم کوتاه مدت دلتا یا (STD)
۱۷۷	فصل نهم: معامله با نقاط چرخش دلتا





abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



بازار نشر:

پیشگفتار

من حتی در رویاهای جاه طلبانه‌ام هرگز فکر نمی‌کردم که چنین کتابی را خواهم نوشت، البته خیلی کم‌تر از چاپ کردنش به نوشتن آن فکر می‌کردم. با این حال، یک آگهی تبلیغاتی بی ارزش در یکی از روزنامه‌های محلی و در تابستان سال ۱۹۹۰ با اتفاقات زنجیره‌ای آغاز شد که منجر به انتشار این کتاب شد. در روز چاپ آگهی در این روزنامه محلی، دو تن از مدیران دلتا (از اقصی نقاط دنیا) با من درباره آگهی یادشده تماس گرفتند. آنها نگران این بودند که راز دلتا که هرکدام برای آن ۳۵۰۰۰ دلار پرداخت کرده بودند، در اختیار سایرین قرار گرفته است. یکی از آنها، آگهی را به من فاکس کرد و باید اعتراف کنم که از آنچه دیدم شوکه شدم و ترسیدم. فردی به هویت Gary Mackhan اعلام کرده بود که کتابی را برای فروش در اختیار دارد که راز «مهمترین کشف در مورد بازارها» را نشان می‌دهد. آگهی تبلیغاتی و



کلمات به کار رفته در آن تقریباً شبیه تبلیغات من بود که در سالهای ۱۹۸۶ تا ۱۹۸۶ در روزنامه‌ها و مجلات سراسر دنیا پیرامون جامعه بین‌المللی دلتا منتشر شده بود.

تصویری از نمودار George Marachal و خطاری که نقاط چرخش در هر دو تایم فریم می‌توانستند رفتار بازار را تا ده سال آینده و یا بیشتر پیش بینی کنند، حتی درجه بندی دقت (با کمی تغییر) همه شان مانند آگهی قبلی من بودند. بلافاصله دانستم که چیز خاصی در این آگهی وجود ندارد اما می‌توان ادعا کرد که در این آگهی به پدیده دلتا اشاره شده است. از این که کسی کتابی درباره پدیده دلتا منتشر کرده است، تعجب کردم، بعلاوه خیلی غم انگیز بود که ناشر قلابی از تبلیغات من استفاده کرده و سعی داشت آنرا بفروشد. ابتدا سعی کردم که یک کپی از این کتاب را پیدا کنم، اما ناشر به من گفت که کتاب تا سه یا چهار هفته آینده آماده نخواهد بود. بعد سعی کردم با Gary Mackhan تماس بگیرم، اما ناموفق بود. پس با وکیلیم جلسه اضطراری گذاشتم و یک دادخواست تنظیم کردیم. ما به آقای Gary Mackhan دادخواست را فرستادیم که بلافاصله پس از این دادخواست، انتشار آگهی‌های تبلیغاتی متوقف شد و موجب ترس ما شد که نامبرده به صورت آگاهانه در یک طرح غیرقانونی دخالت داشت.

واضح بود که یکی از مدیران دلتا قراردادش را نادیده گرفته است و این راز را فاش کرده است. باید اعتراف کنم که از این اتفاقات خیلی ناراحت شدم و پس از آن تصمیم گرفتم تا کتاب کاملی از همه چیزهایی که به مدیران دلتا در جلسه گرینزبرو به آنان یاد دادم را بنویسم.



فصل اول

پدیده دلتا

یا نظم پنهان در تمامی بازارها



آنچه در این کتاب درباره آن می‌خوانید خیلی شگفت‌انگیز است. این راز هزاران سال است که پنهان مانده است. من کاملاً مطمئنم و بر این باورم که وقتی شما این کتاب را خواندید، با من موافق خواهید بود که هیچ‌کس تاکنون آن را کشف نکرده است. تا حدی که، برای شما غیرقابل باور کردن خواهد بود که این پدیده توانسته هزاران سال از دید همه‌کسانی که در پی آن بوده‌اند پنهان بماند زیرا این پدیده بسیار ساده است. از سویی دیگر، عجیب‌تر از همه این‌ها، این است که چگونه هیچ‌کس نتوانسته برای کشف آن اقدام کرده و به این پدیده را پی ببرد.

وقتی که من جزوه اصلی دلتا را نوشتم، فکر کردم که جرج مارشال یکی از تایم فریم‌های دلتا را کشف کرده است. به هر حال پس از گفتگو با یکی از افرادی که با او کار می‌کرد، متقاعد شدم که مارشال چیزی راجع به پدیده



دلتا نمی‌داند. ظاهراً آنچه او در پیش‌بینی‌های معروف خود استفاده می‌کرد یک فرآیند پیچیده ریاضی بود، همچنین محاسبات پیچیده ریاضی وی تنها در یک تایم فریم کار می‌کرد. مگر نه این که بیشتر اکتشافات بزرگ به صورت تصادفی کشف شده است. به این معنا که، در حین جستجو برای یک نتیجه نهایی خاص، چیزی را پیدا می‌کند که ناشناخته است و این چیز ناشناخته یک نتیجه کاملاً متفاوت تولید می‌کند. با این حال، یکی از جالب‌توجه‌ترین نکات درباره پدیده دلتا راه کشف آن بود. یک مرد، که در سال ۱۹۸۳ در شهر شیکاگو به تنهایی کار می‌کرد از خود سؤالی پرسید، «آیا در بازار نظمی وجود دارد» سپس، با استفاده از شکل فوق‌العاده‌ای از توانایی ذهنی، او به صورت تصادفی راه حل مسئله را یافت. راه حل مسئله پدیده دلتا بود، پدیده دلتا اساسی‌ترین چیز در حرکت بازار است. پدیده دلتا اساسی‌ترین جنبه از حوزه مطالعات شناخته شده به عنوان تحلیل تکنیکال است. تحلیل تکنیکال مطالعه حرکت بازار است بطوریکه در یک نمودار دوبعدی شرح داده می‌شود که توسط دو محور X و Y تعریف شده است. ورودی اول یا X قیمت است و ورودی دوم Y حجم است و در مورد آینده تعداد کل مشتقات هستند. اما اصولاً تحلیل تکنیکال مطالعه حرکت بازار است.

حجم‌ها با راه‌های مختلف و روش‌های متفاوتی که کشف شده (اختراع شده) برای استفاده در ورودی قیمت نسبت به زمان و برای پیش‌بینی حرکت بازار نوشته شده است. بسیاری بر این باورند که حرکت بازار به هیچ‌وجه به سادگی قابل پیش‌بینی نیست. من معتقدم که این



کتاب یک بار برای همیشه این مشاجره را حل و فصل خواهد کرد. اگر در بازار نظمی وجود دارد، پس بازارها باید قابل پیش بینی باشند. این نظم یا پدیده دلتا اساس تمام حرکت بازار نسبت به زمان است. این نظم پایه و اساس تمام تحلیل های تکنیکال است. این نظم اساسی ترین موضوع درباره بازار است. این نظم نقطه شروع تحلیل تکنیکال است. تمامی روش های دیگر در تحلیل تکنیکال در مقایسه با این حقیقت که یک نظم کامل در بازارها وجود دارد رنگ می بازد. همان طوری که شما نیز خواهید آموخت که، نظم دلتا کامل است. نظم دلتا همیشه از نظم تعریف شده ای که بر آن مسلط است پیروی می کند. من پدیده دلتا را برای بسیاری از بازارهای مختلف با اطلاعات صدها سال پیش بکار برده ام و هرگز عملکرد نامناسبی از این نظم را ندیده ام. این نظم، کامل است. به هر حال، این بدان معنا نیست که نقاط حداکثر و حداقل دلتا نسبت به زمان کاملاً دقیق هستند. نقاط یادشده دقیق نیستند. با این حال به اندازه کافی به تاریخ پیش بینی شده نزدیک هستند که هنگام مشاهده رفتار بازار از منظر دلتا، نظم دلتا در آن نقاط مشهود است. زمانی که یک نفر برای اولین بار این نظم را ببینید هرگز نمی تواند بازارها را با همان روش مشابه قبلی درک کند. من پدیده دلتا را یک صدبار به یک صد نفر آموخته ام. هر یک از این افراد یک چک تضمینی ۳۵ هزار دلاری به من داده و گفته اند: «الان آن چیزی که برایش این همه پول پرداخت کرده ام را به من نشان بده» اگر کسی هست که از پرداخت این همه پول ناامید شود من از آن خبر ندارم. در مقابل بسیاری از آن ها اعلام کردند چیزی را که به دست آوردند بیشتر



از ارزش پولشان است.

هم‌اکنون قصد دارم آن را به شما یاد دهم، به همان روشی که آن را صدها بار برای صدها نفر تدریس کرده‌ام. من فرض می‌کنم که شما دو بروشور دلتا را که در ابتدای این کتاب ارائه شده است، خوانده‌اید. من از زمانی که اولین بار نظم دلتا را دیدم، شروع می‌کنم و آن چیزی که یادگرفته‌ام و از آن زمان تاکنون در آن پیشرفت کرده‌ام را به شما یاد می‌دهم. در صفحات ذیل پانزده نمودار اصلی را که جیم اسلومان در پاییز سال ۱۹۸۳ در شیکاگو به من نشان داد را مشاهده خواهید کرد. شما آن چیزی که من در بروشور توضیح داده‌ام را تجربه خواهید کرد:

«من به نمودار نگاه کردم، نمودار با خطوط رنگی و اعداد تزئین شده بود. تنها ۵ ثانیه زمان می‌برد تا کل نمودار را نگاه کنم و آنچه را که دیده‌ام را درک کنم. نمی‌توانستم به سادگی باور کنم که پاسخ این سؤال خیلی ساده است. ناگهان از ته دل ترسیدم...»

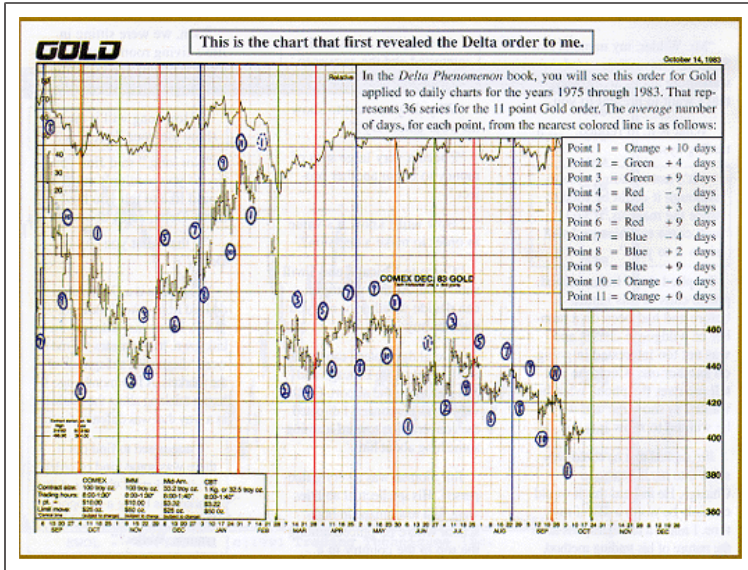
هم‌اینک راز دلتا چنین است،

نمودار ذیل، نمودار قیمت طلای جیم اسلومان است. شما بلافاصله متوجه دو چیز می‌شوید. ابتدا خطوط عمودی رنگی با فاصله تقریباً یکسان در نمودار را مشاهده می‌کنید. این خطوط عمودی چهار رنگ دارند که به صورت منظم تکرار می‌شوند. ما این مجموعه چهار خط رنگی را شبکه (گرید) می‌نامیم. موقعیت این خطوط را می‌توان از زمان گذشته یا در زمان آینده و تا جایی که ممکن است محاسبه کرد. دومین چیزی که متوجه آن خواهید شد، حداکثر و حداقل بازار است که در یک سری تکراری از اعداد



۱ تا ۱۱ شماره گذاری شده است. هم‌اکنون یک عدد را انتخاب کنید، به عنوان مثال عدد ۱ را انتخاب کنید. موقعیت عدد ۱ نسبت به خطوط رنگی در کجا قرار داد؟ عدد ۱ تنها پس از خط نارنجی رنگ قرار می‌گیرد. شماره دیگری را انتخاب نمایید، شماره ۱۱ را می‌گوییم. عدد ۱۱ بر روی خط نارنجی رنگ قرار می‌گیرد. عدد دیگری را انتخاب نمایید. عدد ۲ را می‌گوییم. عدد ۲ تنها بعد از خط سبز رنگ قرار می‌گیرد. عدد ۲ پس از عدد ۱ در نمودار قرار دارد. عدد ۲ بعدی در کجای نمودار قرار خواهد گرفت؟ ... تقریباً در کدام تاریخ؟ الآن شما چیزی را که من ظرف ۵ ثانیه دیدم مشاهده کردید! عدد ۲ تقریباً در تاریخ ۳۱ اکتبر جای می‌گیرد. اندکی تأمل کنید و اهمیت موضوع را درک نمایید. ما تنها رویدادهای آینده را پیش بینی می‌نماییم. نقطه ۱۳م در کجای نمودار جای می‌گیرد؟... بین خطوط سبز و قرمز رنگ نقطه ۱۴م در کجای نمودار جای می‌گیرد؟... تنها قبل از خط قرمز رنگ نقطه ۱۵م در کجای نمودار جای می‌گیرد؟... تنها بعد از خط قرمز رنگ نقطه ۱۶م در کجای نمودار جای می‌گیرد؟... بین خطوط قرمز و آبی رنگ نقطه ۱۷م در کجای نمودار جای می‌گیرد؟... تنها قبل از خط آبی رنگ نقطه ۱۸م در کجای نمودار جای می‌گیرد؟... تنها بعد از خط آبی رنگ نقطه ۱۹م در کجای نمودار جای می‌گیرد؟... بین خطوط آبی و نارنجی رنگ نقطه ۱۰م در کجای نمودار جای می‌گیرد؟... تنها قبل از خط نارنجی رنگ نقطه ۱۱م در کجای نمودار جای می‌گیرد؟... بر روی خط نارنجی رنگ





قراگیری این نقاط در موقعیت‌های مشابه نسبت به خطوط رنگی در زمان گذشته تا جایی که بتوان عقب رفت و در زمان آینده تا جایی که پروژه پیش رود، ادامه خواهد یافت. آیا من می‌گویم که نمودار طلا همیشه یازده نقطه خواهد داشت و این نقاط کاملاً قابل پیش بینی خواهند بود!!!

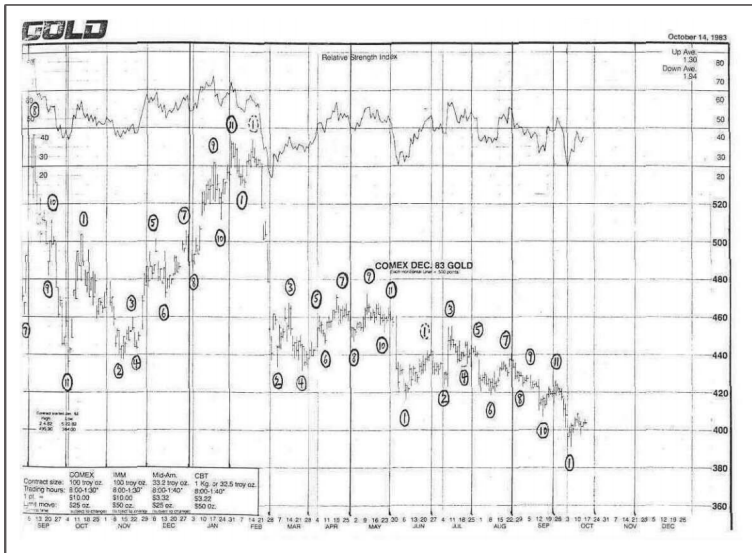
بلی این دقیقاً همان چیزی است که من می‌گویم. زیرا خطوط رنگی کاملاً قابل پیش بینی هستند. ما ظرف یک دقیقه خواهیم آموخت خطوط رنگی کدام‌ها هستند. اما در ابتدا جنبه‌های دیگر دلتا را یاد می‌گیریم. به این معنا که

وارونگی

توجه داشته باشید که یازده نقطه یادشده در نمودار طلا همیشه بین بالاترین و پائین ترین نقطه و بالعکس پائین ترین و بالاترین نقطه چرخش می‌نماید. در این نمودار، نقطه (۲) تا انتهای سری و تا نقطه (۱۱) چرخش می‌نماید. در وارونگی ممکن است چرخش از بالا به پائین تنها به چرخش از پائین به بالا تغییر یابد. به عبارت دیگر چرخش از بالا به پائین، فقط یکبار اتفاق می‌افتد و تا انتهای سری شماره گذاری شده قابل پیش بینی است. وارونگی تنها در نقطه (۱) می‌تواند اتفاق بیافتد. و هرگز در جای دیگر اتفاق نمی‌افتد. توجه داشته باشید که در نمودار، در مورخه ژانویه تا فوریه (بین خطوط نارنجی و سبز) و در ابتدای فاصله زمانی یادشده نقطه (۱) دایره‌ای شکلی وجود دارد و پس از آن دومین نقطه (۱) با یک دایره نقطه چین شده وجود دارد. اگر شما از تمام چیزهای در سمت راست نقطه (۱) چشم پوشی کنید، فکر خواهید کرد که بازار قصد دارد صعود نماید و یک حداکثر قیمتی را در نقطه (۲) خواهد ساخت، به طوریکه بازار به سمت خط سبز حرکت می‌کند. اما به جای این حرکت، چیزی متفاوت اتفاق می‌افتد. بازار به سمت بالا شروع به حرکت می‌کند اما پس از آن به سمت پایین می‌چرخد و به صورت ناگهانی زیر نقطه (۱) سقوط می‌کند و نقطه (۲) را در سمت راست خط سبز می‌سازد (تنها جایی است که گمان آن می‌رود)، به هر حال نقطه (۲) یک نقطه پائین تر از نقطه بالایی می‌شود. چه اتفاقی افتاده است؟ بازار معکوس شده است. هنگامی که این اتفاق می‌افتد، یک نقطه اضافی تشکیل می‌شود که نقطه بینابینی (IBP)



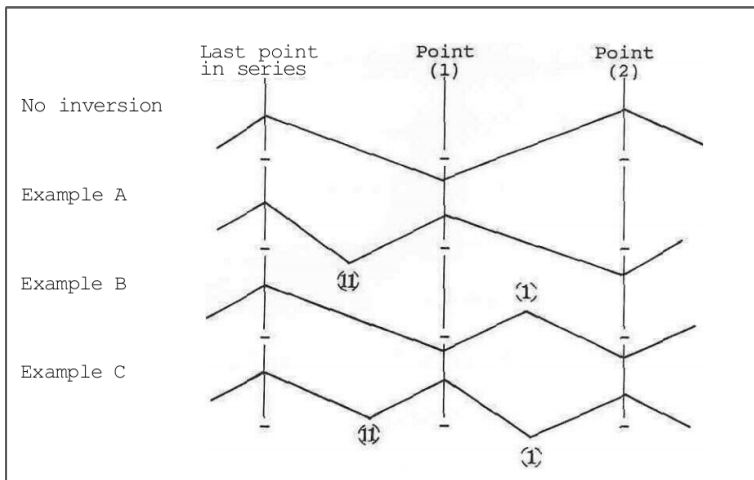
نامیده می‌شود. پس از همه این اتفاقات، این تنها راهی است که وارونگی می‌تواند اتفاق بیافتد، به وسیله ایجاد نقطه بینابینی (IBP)، آیا این چنین نیست؟



آیا راهی وجود ندارد که بفهمیم در آینده وارونگی رخ خواهد داد یا نه؟
جواب منفی است!

گاهی اوقات یک وارونگی دوبله اتفاق می‌افتد. زمانی این اتفاق می‌افتد که در طرف دیگر نقطه (۱) یک نقطه بینابینی (IBP) وجود دارد. وارونگی دوبله به نوارونگی منجر می‌شود. بنابراین ما می‌بینیم که نقطه بینابینی (IBP) در هر دو طرف نقطه (۱) رخ می‌دهد. اگر نقطه بینابینی (IBP) بین نقطه (۱۱) (آخرین نقطه سری) و نقطه (۱) رخ دهد، در این صورت IBP

بوسیله نقطه (۱۱) به شکل دایره چین شده و بعد از نقطه (۱۱) توصیف می‌شود. اگر IBP بین نقطه (۱) و نقطه (۲) رخ دهد، در این صورت IBP نقطه (۱) به شکل دایره چین شده و بعد از نقطه (۱) توصیف می‌شود. مدت زمانی را که در آن می‌تواند وارونگی رخ دهد را پنجره زمانی وارونگی می‌نامند (ITW). پنجره زمانی وارونگی از آخرین نقطه سری‌های قبلی شروع شده و در انتهای نقطه دوم سری‌های جدید خاتمه می‌یابد. ما وارونگی را دقیقاً توضیح دادیم، وارونگی سخت‌ترین مفهوم دلتا است و سادگی مفهوم دلتا را نشان می‌دهد. قبل از این که به این بحث ادامه دهیم. می‌خواهم به کمک نمودار به شما نشان دهم که تنها چهار راه وجود دارد که می‌تواند وارونگی رخ دهد.



مطالب ذیل یک جمع بندی درباره وارونگی است.

- ۱- وارونگی تنها می تواند در نقطه ۱ اتفاق بیافتد.
 - ۲- وارونگی چه اتفاق بیافتد و چه نیافتد قابل پیش بینی نیست، این امر تصادفی است.
 - ۳- وارونگی ممکن است مابین آخرین نقطه سری قبلی و نقطه (۱) اتفاق بیافتد که در این صورت IBP بین آخرین نقطه سری و نقطه (۱) اتفاق می افتد و توسط یک دایره نقطه چین با استفاده از همان عدد قبلی به عنوان آخرین نقطه سری توصیف می شود. (مثال A)
 - ۴- وارونگی ممکن است بین نقطه (۱) و نقطه (۲) اتفاق بیافتد، که در این صورت IBP بین نقطه (۱) و نقطه (۲) رخ می دهد و با یک دایره نقطه چین با استفاده از همان عدد (۱) به عنوان اولین نقطه در سری توصیف می شود. (مثال B)
 - ۵- وارونگی دوگانه زمانی اتفاق می افتد که IBP در دو طرف نقطه (۱) وجود دارد. در نتیجه وارونگی دوگانه وارونگی نمی باشد. (مثال C)
 - ۶- برآورد شده است که وارونگی تقریباً در ۳۵ درصد موارد اتفاق می افتد. وارونگی دوگانه نیز در ۱۵ درصد مواقع اتفاق می افتد.
- هنگامی که نقطه (۲) به عنوان یک نقطه حداکثر یا حداقل مشخص می شود، پس از آن هر نقطه باقی مانده در سری به عنوان نقاط حداقل یا حداکثر قابل پیش بینی هستند. به عبارت دیگر پس از آن که چرخش از بالا به پائین اتفاق افتاد آن چرخش ادامه خواهد یافت تا زمانی که سری پایان یابد و نقطه (۱) دوباره اتفاق بیافتد.



بدیهی است که پایه و اساس نظم تمامی بازارها خطوط رنگی هستند. توجه داشته باشید که چهار خط رنگی بارها و بارها تکرار می‌شوند. ما به خطوط رنگی به عنوان «شبهه» به آن مراجعه می‌کنیم. همانطوریکه گفته‌ایم، این شبکه از فاصله زمانی گذشته یا در زمان آینده تاجائی که خواهیم جلو برویم کاملاً قابل پیش بینی است. برای مدت زمان نمایش داده شده در نمودار، از سپتامبر ۱۹۸۲ تا دسامبر ۱۹۸۳، شبکه برای همه بازارها یکسان است. به عبارت دیگر، برای هر دوره زمانی، شبکه برای تمامی بازارها یکسان است. بنابراین شبکه برای تمامی بازارها یک ثابت (دوره زمانی ثابت) است.

پس از آن چه خواهد شد، متغیرها کدام‌ها هستندند (چیزهایی که در هر بازار تغییر می‌کند؟) هر بازار دو متغیر دارد؟

(۱) تعداد نقاط در سری‌ها؟

(۲) موقعیت نقطه (۱).

در حال حاضر ما تایم فریم میان مدت دلتا یا INTERMEDIATE TERM DELTA را مطرح می‌کنیم. همانطوریکه در این تایم فریم دیده می‌شود، نمودار طلا یازده نقطه دارد. بیشترین تعداد نقاط در سری‌ها در این تایم فریم برای بازار هر کالایی ۱۲ نقطه است، که این بازار شامل غلات است. کمترین تعداد نقاط مربوط به گروه انرژی شامل نفت و گاز است که تعداد ۷ نقطه است.

چرا موقعیت نقطه (۱) مهم است؟ یکی از دلایل این است که موقعیت نقطه (۱) تنها جایی است که وارونگی می‌تواند در آن جا اتفاق بیافتد. به



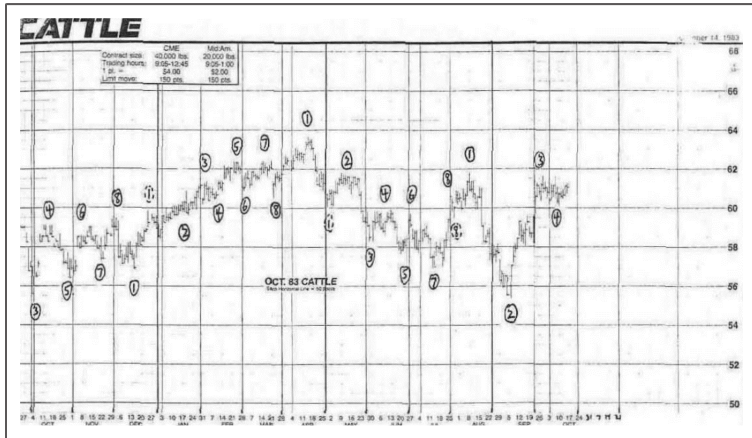
عنوان مثال، در نمودار طلا، نقطه (۱) بین خط نارنجی رنگ و خط سبز رنگ اتفاق می‌افتد. به هر حال، در نمودار احشام و اغنام، نقطه (۱) بین خطوط سبزرنگ و آبی رنگ قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر نقطه (۱) می‌تواند در هر موقعیتی نسبت به چهار خطوط رنگی قرار گیرد.

دلیل دیگر این است که بیشترین موقعیت احتمالی برای تغییر روند و بنابراین شروع حرکت بزرگ، در دو طرف نقطه (۱) است. اما سؤال این است که آیا نقطه (۱) تنها موقعیتی است که در آن وارونگی می‌تواند رخ دهد؟ جواب سؤال مثبت است و این یک پارادوکس است. بیشترین موقعیت احتمالی برای یک حرکت بزرگ تنها جایی است، که وارونگی می‌تواند در آنجا رخ دهد. در فصل بعدی به شما توضیح خواهیم داد که چگونه در این موقعیت معامله کنید؟

هم اکنون، قبل از این که نگاهی به تعدادی از سایر بازارها بیاندازیم، مرور سریعی داشته باشیم به چیزی که تاکنون از نظر ما پنهان مانده است. هر بازاری که آزادانه در آن معامله می‌شود تعداد ثابتی نقاط چرخش دارد که همیشه در همان موقعیت نسبت به خطوط رنگی چهارگانه قرار می‌گیرند. همان طوریکه چهار خط رنگی تکرار می‌شوند، اعداد سری در هر بازار تابی نهایت بار در فاصله زمانی گذشته و آینده تکرار می‌شوند. به عبارت دیگر هرگز نه موقعیت اعداد نسبت به خطوط رنگی تغییر نمی‌کند... و نه هیچ گاه تعداد نقاط در سری تغییر می‌کند. هنگامی که نقطه (۲) به عنوان حداکثر و یا حداقل مشخص شده باشد، پس از آن نقاط بعدی در سری، چرخش از حداکثر به حداقل را بواسطه نقطه بعدی ادامه می‌دهند، که در آن زمان



ممکن است یک وارونگی رخ دهد. اگر وارونگی رخ ندهد، چرخش نقاط از حداکثر به حداقل از یک سری به سری دیگر تغییری نمی‌کنند.



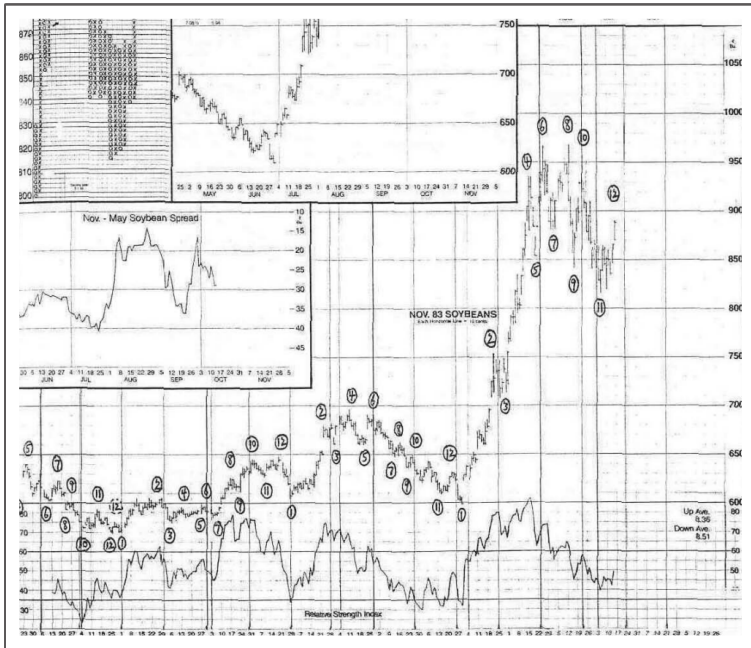
یک دوره زمانی بین هر سری وجود دارد که به آن پنجره زمانی وارونگی می‌گویند (ITW). از آخرین نقطه سری قبلی شروع شده و در دومین نقطه سری بعدی خاتمه می‌یابد. نقطه (۱) در وسط ITW است. وارونگی ممکن است بین آخرین نقطه در سری قبلی و نقطه (۱) رخ دهد یا این که ممکن است بین نقطه (۱) و نقطه (۲) رخ دهد. اگر وارونگی وجود داشته باشد، به احتمال زیاد یک حرکت بزرگ بین نقطه به شکل دایره نقطه چین شده و نقطه پیش رو در ITW با نقطه به شکل دایره و نقطه بعدی وجود دارد. توجه داشته باشید که در نمودار قیمت طلا حرکت بزرگ بین نقطه (۱) و به شکل دایره نقطه چین شده و نقطه (۲) قرار دارد. اگر چه بیشترین موقعیت احتمالی برای رخ دادن حرکت بزرگ در ITW قرار دارد.



حرکت بزرگ ممکن است در هر یک از نقاط سری رخ دهد. با این ذهنیت، اجازه دهید که به پانزده نمودار اصلی که آن روز در شیکاگو دیدم، نگاهی بیاندازیم. به نمودار احشام زنده در صفحه قبلی نگاهی می‌اندازیم. نمودار احشام ۸ نقطه دارد و نقطه (۱) بین خط سبز و آبی آمده است. توجه داشته باشید که حرکت‌های بزرگ در اطراف نقطه (۱) رخ می‌دهند.

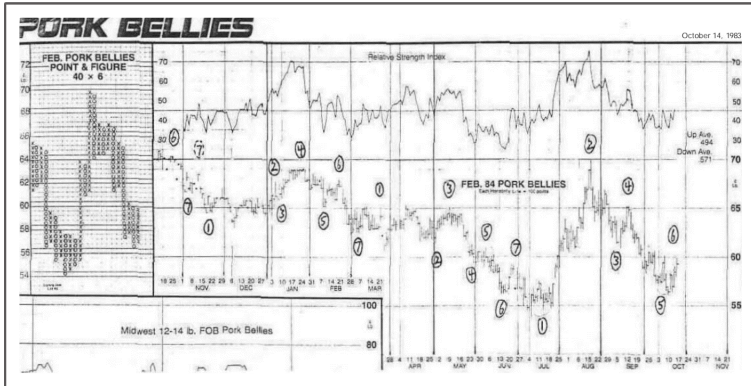
به نمودار بعدی، نمودار سویا نگاه می‌کنیم. نقطه (۱) تنها بعد از خط سبز رنگ آمده است. نمودار سویا ۱۲ نقطه دارد. این بازار بیشترین تعداد نقاط در تایم فریم میان مدت دلتا را در مقایسه با تمامی بازارها دارد. تمامی اعضای این گروه، به عنوان مثال، گروه غلات تعداد نقاط یکسان دارند و همان موقعیت نسبی نقطه (۱) را دارند. اعضای این گروه عبارت‌اند از سویا، روغن سویا، کنجاله سویا، ذرت، گندم، و جو هستند. باز هم خاطرنشان می‌کنم، حرکت‌های بزرگ در اطراف نقطه (۱) رخ می‌دهند. نقطه (۱) تمایل دارد که به پایین‌ترین و اغلب حداقل‌ها میل کند یا بالاترین‌ها و حداکثرها میل کند.



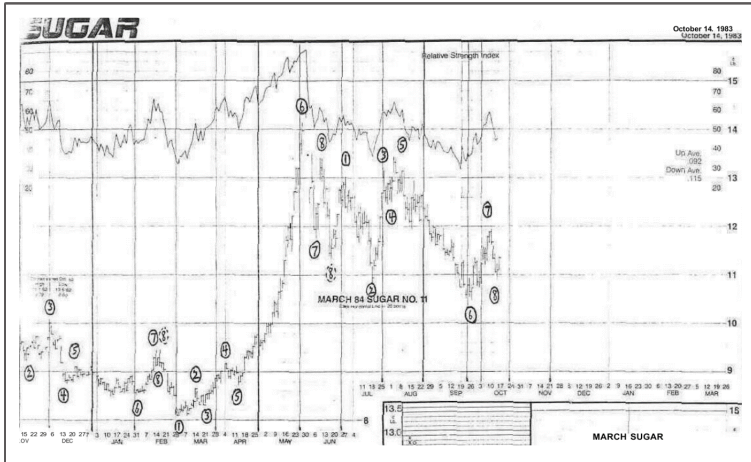


پس از آن به نمودار Pork Bellies نگاه می‌کنیم. وقتی که جیم توالی دلتا را برای نمودار Pork Bellies حل کرد (با استفاده از مقادیر محدودی از داده‌ها) او ۷ نقطه را برای این نمودار تعریف کرد. او مطمئن نبود که همیشه دو نقطه چرخش بین نقاط (۱) و (۲) اتفاق خواهند افتاد. تحلیل‌های بعدی من بر روی داده‌های بیش از چندین سال گذشته، گفته‌های وی را تأیید کرد که این نقاط چرخش همیشه رخ می‌دهند و دایره ۷ نقطه چین شده یک نقطه اضافی بود، بنابراین، در واقع نمودار Pork Bellies تعداد ۱۰ نقطه داشت. همچنین نقطه (۱) بین خطوط سبز و آبی قرار داشت. تأکید می‌کنم که حرکت‌های بزرگ در ITW رخ می‌دهند.



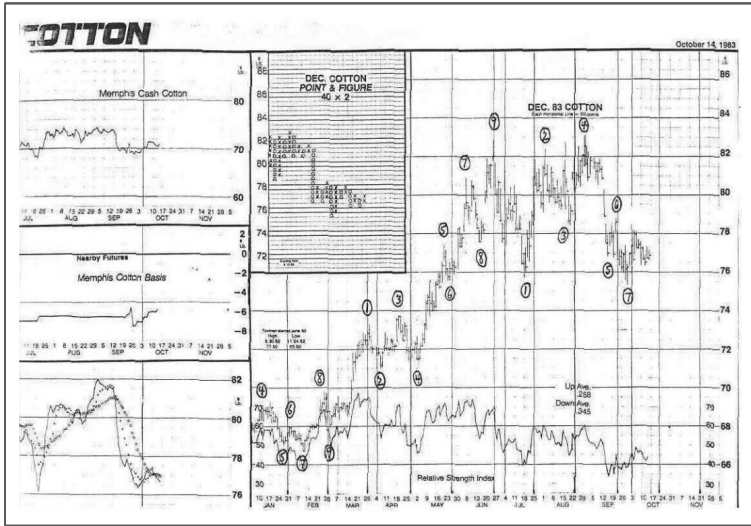


در نمودار شکر، جیم ۸ نقطه داشت که نقطه (۱) تنها بعد از خط سبز رنگ می‌آید. به هر حال، بعد از تحلیل ۱۰ سری از نمودار، معلوم شد که نقطه ۸ نقطه چین شده واقعاً نقطه (۹) بود و در واقع وارونگی (نقطه ۱) در نقطه ۶ از نمودار جیم اتفاق افتاد. از این مقدار محدود داده‌ها، ممکن است این سؤال به ذهن خطور کند که آیا «حرکت‌های بزرگ در نمودار بعضی از اعضای گروه‌های بازار کالا بین نقاط مشخص‌تری از نقطه (۱) اتفاق می‌افتند؟» به عنوان مثال آیا بازار شکر همیشه دارای یک حرکت بزرگ بین نقطه (۵) و نقطه (۶) در نمودار جیم می‌باشد. جواب منفی است! من نتوانسته‌ام هیچ‌گونه ارتباطی با حرکت‌های بزرگ رخ داده بین هیچ یک از نقاط و در هیچ یک از بازارها پیدا کنم به جز در نقطه (۱).



نمودار جیم نشان می‌دهد که نقطه (۱) درست قبل از خط قرمز رنگ قرار می‌گیرد.

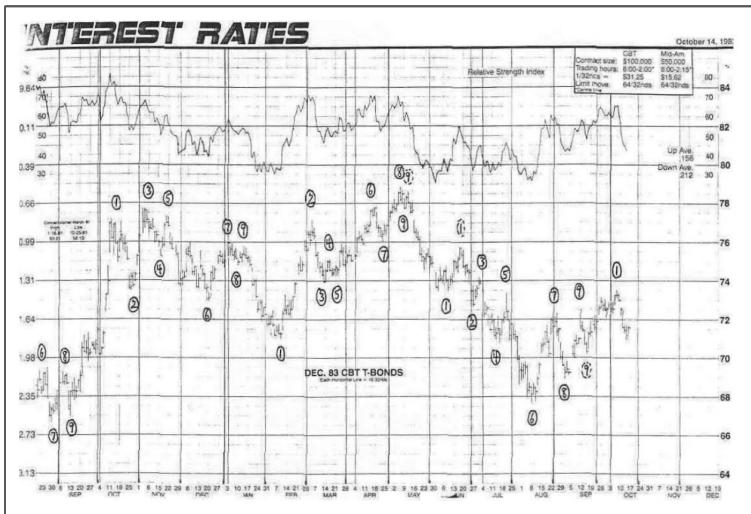
جالب است که بدانید، این تنها نمودار جیم است که در آن وارونگی اتفاق نیافتاده است، بنابراین او نمی‌توانست مطمئن شود که نقطه (۱) در کجای نمودار قرار خواهد گرفت. بعد از کار کردن با مقادیر زیادی از داده‌ها تأیید شده مشخص شد که نقطه (۱) در واقع در نقطه (۴) نمودار جیم قرار می‌گیرد. سایر نقاط هنوز در همان موقعیت از نمودار قرار دارند اما هم اکنون شماره‌های متفاوتی دارند.



ما به یکی از پانزده نمودار اصلی جیم که T-Bonds است نگاه خواهیم کرد. اگرچه جیم در نمودار T-Bonds تعداد ۹ نقطه داشت، تحلیل‌های بعدی بر روی داده‌های بیش از چندین سال گذشته نشان داد که دو نقطه اضافی بین نقاط (۵) و (۶) وجود دارند. این دو نقطه باعث می‌شود که مجموع نقاط در بازار T-Bonds به تعداد ۱۱ عدد برسد.

هم اکنون که ما بررسی اجمالی از دوره میان مدت داشته‌ایم (۱۵ نمودار برابر که نمایش داده شدند همگی هم خانواده بودند) الان شما فاش می‌کنم که خطوط رنگی چیست، آن چیزی است که نظم بازارها را تعیین می‌کند. اما در ابتدا می‌خواهم یک قطعه مهم از اطلاعات را برایتان بازگو کنم. پنج تایم فریم دلتا وجود دارد. اگرچه تاکنون تنها به یکی از تایم فریم‌ها نگاه کردیم. هر چیزی که درباره تایم فریم میان مدت ITD گفته شد دقیقاً

در سایر تایم فریم های دلتا نیز بکار می رود. تمامی تایم فریم ها چهار خط رنگی دارند و غیره. تنها تفاوت در این است که خط رنگی چه چیزی را نمایش می دهد. اگر بحث را تا الان دنبال کردید، شما هر چیزی را درباره تایم فریم های دلتا می دانید به جز این که منظور از نظم در هر تایم فریم چیست... خطوط رنگی چه چیزی را نمایش می دهند؟



فصل دوم

جلوه ای از حقیقت



الان ما به جلوه‌ای از حقیقت رسیدیم، راز نظم پنهانی در تمامی بازارها. وقتی که شما درمی یابید این راز چیست؟ بلافاصله در می یابید که این راز چه بوده است هیچ چیز دیگری نمی تواند این چنین قدرتمند باشد. این راز می تواند برای هر پنج تمامی تایم فریم دلتا با هجده کلمه تعریف شود. بازارها به صورت مستقیم یا معکوس نسبت به اثر متقابل خورشید ماه و زمین بریکدگر تکرار می شوند.

در تایم فریم میان مدت دلتا، هر خط رنگی با تاریخ کامل شدن قرص ماه برابر است.

ما می توانیم دوره میان مدت دلتا را در نه کلمه تعریف کنیم. رفتار بازارها به صورت مستقیم یا معکوس در هر چهار ماه قمری (زمان کامل شدن قرص ماه) تکرار می شود.



این تعریف خیلی ساده‌ای است. این تعریف از بدیهیات است. دستیابی به آن از زمان‌های گذشته در تاریخ به تعویق افتاده است به طوری که از آن زمان اطلاعات قابل دسترس وجود داشت. در عین حال هر کسی که سعی در یافتن نظم واقعی و پنهان در بازارها نموده آن را فراموش کرده است، تا زمانی که توسط جیم اسلومان در تابستان سال ۱۹۸۳ کشف شد. قبل از این که چهار تایم فریم را شروع کنیم. من قصد دارم تا به شما بگویم جیم اسلومان چگونه پدیده دلتا را کشف کرد. جیم در آپارتمانش در شیکاگو بود. او به همراه تنی چند از معامله‌گران در اتاق off-floor of-fice معاملات آتی انجام می‌داد. اما او تصمیم گرفته بود که قصد ندارد مدت طولانی در بازار معامله نماید حتی اگر می‌توانست پول زیادی به دست آورد. دلیل جیم این بود که وقتی معامله می‌کرد تنها می‌توانست به معامله فکر کند در حالی که او نمی‌خواست زمان زیادی را برای معامله صرف کند. جیم فردی خلاق بود. او یک رمان نوشته بود که هنوز چاپ نشده بود همچنین می‌خواست یک فیلم ترسناک طولانی بسازد. خب در این صورت، جیم به پول زیادی برای تحقق این امر نیاز داشت. به هر حال قبل از این که جیم عرصه بازار را ترک کند، او می‌خواست ایده‌اش را درباره بازار دنبال کند. آیا نظمی در بازارها وجود دارد؟ جیم درباره تفکر خلاقانه‌اش روشی را ایجاد کرده بود. او گفت که این روش را از مطالعه آثار آلبرت انیشتین یاد گرفت، همان آثاری که اتفاقاً، جیم زمان زیادی را صرف مطالعه آن‌ها کرده بود. روش جیم این بود، تمام دانسته‌های خود را درباره موضوعی که می‌خواست آن را بررسی کند،



فراموش می‌کرد. او خیلی راحت آن‌ها را از مغزش پاک کرد و پس از آن یک سؤال درباره این موضوع پرسید: آیا نظمی در بازارها وجود دارد؟

جیم این سؤال را خود پرسید، پس از آن جواب‌های ممکن را در نظر گرفت بدون آن که تحت تأثیر ایده‌های قبلی قرار گیرد. او در ذهنش تمامی راه حل‌های ممکن را بررسی کرد. مدتی بر روی آن‌ها را فکر می‌کرد. سپس تمام مسئله را به ضمیر ناخودآگاه خود انتقال می‌داد. جیم معتقد بود که ضمیر ناخودآگاه خیلی قوی تر و بهتر از ضمیر آگاه می‌تواند مشکلات را حل نماید. پس از انتقال سؤال به ضمیر ناخودآگاه، جیم به کارهای دیگرش می‌پردازد و عمداً درباره آن موضوع فکر نمی‌کرد.

هرچند یک راه حل در هر زمانی به دست نمی‌آید، و اگر زمانی هم به دست آید معمولاً در ساعاتی از بامداد اغلب نزدیک به ساعت ۳ صبح به دست می‌آید. حدود دو هفته پس از آن که جیم این مشکل را به ضمیر ناخودآگاه خود سپرده بود. زمانی که مدیتیشن می‌داد ناگهان به جواب سؤال رسید.

در این موقع جیم بلند شد و به طرف میز آشپزخانه رفت و راه حل را برای تعدادی از نمودارها به کار گرفت. راه حل موجود درباره نیمی از نمودارها به درستی کار می‌کرد ولی به نظر می‌رسید درباره نیم دیگر آن‌ها مناسب نیست. او از طریق مدیتیشن دنبال بقیه راه حل رفت و حدود یک هفته بعد، هنگامی که دوباره در ساعت بامدادی مدیتیشن انجام داد، ناگهان به بقیه جواب رسید. جیم راه حل کامل را در نمودار خود آموذ و راه حل وی در نمودار کار کرد.



جیم متوجه شد، چیزی را کشف کرده است که از اهمیت زیادی برخوردار است که هزاران سال است همه آن را فراموش کرده‌اند. واقعاً نظمی در بازارها وجود دارد و این نظم قدرتمندترین و اساسی‌ترین عامل تعیین کننده در تمامی زندگی انسان‌ها، گیاهان و حیوانات است. این نظم عامل تعیین کننده اساسی در تمامی تعاملات انسانی بود.

هنگامی که شما از فکر کردن درباره آن دست بر می‌دارید. تعامل کامل خورشید ماه زمین با یکدیگر تمام کارهایی که ما انجام می‌دهیم را مشخص می‌کند. این که ما بیدار شویم یا بخوابیم، هوا سرد است یا گرم، فصل‌ها، روز و شب، ماه‌ها، سال‌ها، حتی جزر و مد اقیانوس را مشخص می‌کند. ما همه شنیده‌ایم که در زمان کامل شدن قرص ماه بیمارستان‌ها با انبوه زنان آبستن پر می‌شوند. پزشکان در تیمارستان‌ها همیشه انتظار بدترین رفتار را از بیماران خود در زمان کامل شدن قرص ماه دارند. هر بار که به ساعتان نگاه می‌کنیم ما عملکرد تعامل خورشید ماه و زمین با یکدیگر را مشاهده می‌کنیم.

حتی اگر جیم دقیقاً علت آن را نمی‌دانست، ولی با حس درونی‌اش بلافاصله دانست که این جواب سؤال بوده است. نظم به معنی قابل پیش بینی بودن است. چه چیزی قابل پیش بینی تر از تعامل خورشید ماه زمین است؟

این کشف کاملاً گیج کننده بود. تمامی بازارها بر پایه این نظم استوار شده‌اند و بنابراین قابل پیش بینی بودن این نظم باید در میان بزرگ‌ترین اکتشافات در تمام دوران رتبه بندی شود.



اگر چه جیم مطمئن بود که این نظم در نه ماه گذشته برای دوازده بازار درست است، اما هنوز اثبات نشده بود که این نظم قابل اطمینان است و موقعیت آن نسبت به جلو و عقب خطوط رنگی تغییر نخواهد کرد. تعداد نقاط در سری‌ها در زمان گذشته و آینده تغییر نخواهد کرد. احتمالاً نظم در داخل و خارج سری محو خواهد شد.

شاید پس از سال‌ها کار کردن در تمامی بازارهای متفاوت و تایم فریم‌ها، تعیین ماه‌های مورد نیاز یادشده محقق شود. جیم دوست داشت چیزها را کشف کند اما پیگیری جزئیات کار جزو اولویت‌های وی نبود. اکنون سؤال این بود که چه باید کرد.

جیم پیش از این تصمیم گرفته بود که دیگر به معامله در بازارها توجهی نکند. اکنون توجهش در پروژه‌های دیگرش بود و برای ادامه دادن آن‌ها به پول زیادی نیاز داشت. جیم می‌دانست که کشف وی ارزش مالی زیادی دارد ولی مشکل این بود که نمی‌دانست چگونه آن را بفروشد. اگر کشف خود را به یک خریدار آینده نگر نشان می‌داد و خریدار نمی‌خواست که کشف وی را بخرد، کشف وی آن چنان ساده بود که خریدار به راحتی و فوراً آن را به خاطرش می‌سپارد. از طرفی دیگر چرا خریدار آینده نگر قبل از این که کشف وی را ببیند برای آن پولی بپردازد. این وضعیت «catch 22» (یک منطق پارادوکس کلاسیک) نام داشت که در این وضعیت نمی‌توانست از آن فرار کند زیرا قوانین در تضاد با یکدیگر بودند.

جیم اقدام به حل این مشکل کرد چون او هر مشکل دیگری را حل کرده بود. او این مشکل را به ضمیر ناخودآگاه خود سپرد تا ضمیرش آن را حل



نماید و سپس توجهش را به کارهای دیگر معطوف کرد.

بازهم، حدود یک هفته بعد، جیم در حدود ساعت ۳ بامداد به خواب رسید. جیم آن لحظه را به خاطر می آورد که فکری با چنان نیروی قدرتمندی به ذهنش خطور کرد که به نظر می رسید این فکر قابل شنیدن است. جوابی که به ذهنش رسید این بود: این کشف رو به ولز وایلدر بفروش. من هم الان می دانم که آن صداها قوی بودند اما آن را مشکل این بود که چگونه شرح دهد؟

جیم شخصاً مرا نمی شناخت. او مرا باشهرتم می شناخت. در همان روز گوشی تلفن را برداشت و گفتگوی ما تنها به شکل متن نوشته شده در بروشور بود. جیم گفتگو را حتی سنگین تر از آن ساخته بود. قیمتی که جیم در تلفن به من گفت مبلغ دقیقی بود که من به طور غیرمنتظره ای یک یا دوز قبل از تماس جیم دریافت کرده بودم.

در این مرحله من می خواهم به بازگویی آن چیزی که چهار خط رنگی در تایم فریم های باقی مانده دلتا نمایش می دهد، ادامه دهم. هنگامی که ما از کل پدیده دلتا پرده برداری کردیم و نشان دادیم که چگونه پدیده دلتا با یکدیگر متناسب هستند، پس از آن ما نمودارها را در هر یک از تایم فریم ها مطالعه خواهیم کرد.

آن چه را که من تاکنون فاش کرده ام تنها یک تایم فریم از این پدیده باورنکردنی دلتا است. زمانی که من در شیکاگو بودم. جیم درباره تایم فریم های دیگر نظم دلتا با من صحبت کرد. او همچنین چهار نمودار را که به نظر می رسید برای اثبات این نظم است به من نشان داد. یکی از



نمودارها، نمودار هفتگی بود. جیم این نمودار را تایم فریم دراز مدت دلتا یا Long Term Delta (LTD) نامید. تایم فریم دراز مدت دلتا یا (Long Term Delta (LTD را می توان در هشت کلمه تعریف نمود.

رفتار بازارها در هر چهار سال به صورت مستقیم یا وارونه تکرار می شود.

این تعریف حتی ساده تر است. آیا واقعاً ممکن است که بازارها هر چهار سال یک بار تکرار شوند و هیچ کس آن را ندیده باشد؟ پاسخ بلی است. بهترین چیزی که تاکنون کشف شده است این است " چرخه کسب و کار چهار ساله است ". نمودارهای قیمتی ۲۰۰ ساله میانگین صنعتی داوجونز توسط تکنسین ها مطالعه شده است و هیچ کس تاکنون چنین نظمی را ندیده بود. با این که در طول ۵۰ سال گذشته حتی یک وارونگی در این بازار وجود نداشت، همچنین هیچ کس نیز کشف نکرده بود که در این بازار ۶ نقطه چرخش در هر سری چهارساله وجود دارد که در طول این مدت به صورت مستقیم (نه به صورت وارونه) در هر چهار سال تکرار شده است. زمانی که در شیکاگو بودم، جیم درباره سومین تایم فریم دلتا که آن را دوره کوتاه مدت دلتا یا Short Term Delta (STD) نامیده بود صحبت کرد. او این تایم فریم را ثابت نکرده بود زیرا به اطلاعات میان روزی نیاز داشت. برای مثال نمودار کندل ۳۰ دقیقه ای. برای این منظور جیم از من خواست تا اگر توانستم بر اساس آن چیزی که تاکنون دیده ام بر روی منطق این تایم فریم تمرکز نمایم. با خودم فکر کردم که این تایم فریم مستلزم تعامل زمین و خورشید یا ماه با یکدیگر است و عدد ۴ نیز در این تایم فریم حائز اهمیت خواهد بود. ناگهان آن چیزی را که باید می یافتم،



به ذهنم رسید. باز هم تایم فریم کوتاه مدت دلتا یا STD در هشت کلمه تعریف می شود:

بازارها در هر چهار روز به صورت مستقیم یا وارونه تکرار می شوند. به نظر می آمد که جیم کمی تعجب کرد که من این تعریف را به سرعت انتخاب کردم. اما این تعریف به نظر من خیلی منطقی می آمد. جیم اذعان کرد که این تعریف حداقل در تئوری درست است، اما هنوز مشکلی وجود دارد. در مورد تعطیلات آخر هفته چطور؟ آیا سری ها در میان تعطیلات آخر هفته ادامه می یابند یا آن ها در روز جمعه متوقف می شوند و دوباره در روز دوشنبه شروع می شوند. من گفتم نمی دانم و جیم هم اعتراف کرد که نمی داند. اما گفت زمانی که از طریق مدیتیشن فکری به ذهنش رسید، به من هم اطلاع دهد. چند ماه بعد پس از آن که جیم برای کارکردن بر روی ویژگی های فیلم بلندش به کالیفرنیا نقل مکان کرده بود. او به من زنگ زد و گفت که از طریق مدیتیشن به این نتیجه رسیده است که سری ها ادامه می یابند، در حقیقت، سری ها در میان تعطیلات آخر هفته نیز ادامه می یابند. چند هفته بعد من با در دست داشتن نمودارهای ۴۰ دقیقه ای از بیشتر بازارها به کالیفرنیا پرواز کردم. جیم یک خانه فوق العاده در شمال سن دیگو درست مشرف به ساحل اقیانوس اجاره کرده بود. چشم انداز خانه عالی بود. جیم در حالیکه در آشپزخانه نشسته بود، تایم فریم کوتاه مدت دلتا یا STD را به ترتیب برای تمامی نمودارها حل کرد. من تعجب کردم که جیم چه طوری با این سرعت توانست تایم فریم STD را برای تمامی نمودارها و با وجود شکاف زمانی در هر سری، با توجه به تعطیلات



آخر هفته در آن‌ها حل نمایید؟ (در فصل آینده ما روش تحلیل هر بازار و هر کدام از تایم فریم‌های دلتا را به شما یاد خواهیم داد) در این مرحله ما سه تایم فریم دلتا را داریم: دراز مدت دلتا (Long Term (LTD)، میان مدت دلتا (Intermediate Term (ITD) و کوتاه مدت دلتا (Short Term (STD). تا آنجا که می‌دانیم تایم فریم‌ها این سه بودند.

حدود یک سال بعد، من برنامه ریزی کرده بودم تا جلسه مدیران دلتا در لندن برگزار شود. (در آن زمان ما تعداد قابل توجهی از مدیران دلتا را در اروپا داشتیم). جیم از کالیفرنیا به من زنگ زد و به من گفت که کشف دیگری درباره دلتا پیدا کرده است و از آنجا که جلسه مدیران دلتا حدوداً دو هفته بعد برگزار می‌شد، دلش می‌خواست این کشف را برای همه (خصوصاً من) ارائه دهد. کشف جیم تقریباً برای تمامی مدیران حاضر در آن جلسه نشان داده شد.

جیم ارائه‌اش را با استفاده از دو پروژکتور آموزشی انجام داد به طوری که دو نمودار را می‌توانست دقیقاً روی پرده نمایش داد. من در حال حاضر سعی می‌کنم خلاصه کشف جیم را که در آنجا ارائه کرده بود برای شما توضیح دهم. جیم شروع کرد، از آن جایی که خانه من در ساحل است، زمانی که جزر و مد در دریا نیست یک ساحل شنی زیبا دیده می‌شود. اما زمانی که جزر و مد در دریاست آب به هر طریقی بالا می‌آید و به دیوار صخره‌ها می‌رسد. همسرم هر روز در ساحل می‌دود و بنابراین از نمودار جزر و مد دریا استفاده می‌کند بخاطر اینکه بداند چه زمانی جزر و مد اتفاق نخواهد افتاد تا او بتواند بدود. چند هفته پیش من از کارکردن با کامپیوتر



دست کشیدم هنگامی که به تمامی نمودارهای جزر و مد اطرافم نگاهی کردم. یکی از آن‌ها را برداشتم و با خونسردی روی میز گذاشتم که ناگهان چیزی را که چند لحظه پیش دیده بودم را درک کردم. نمودار جزر و مد یک نتیجه نهایی از تعامل خورشید ماه زمین با یکدیگر است. در این کتاب و در عکس ذیل طرحی از نمودار جزر و مد معمولی نشان داده شده است. بلافاصله دانستم که این نمودار خیلی مهم است، اما نمی‌دانستم چگونه؟ بنابراین شروع به مطالعه چندین نمودار قبلی ام کردم. نمودارها شبیه یک موج سینوسی بودند. متوجه شدم که هر روزی دو متغیر دارد، ارتفاع موج و زمان روزی که سقف‌ها و کف‌های قیمتی تشکیل می‌شوند. در نموداری که من داشتم هیچ کدام از دو روز در نمودار دقیقاً با یکدیگر یکسان نبودند. این موضوع یک سؤال را مطرح کرد. چه مدتی طول می‌کشد تا روزی بیاید که با روز جاری مشابه باشد؟ آیا جواب این سؤال تعامل کامل خورشید، ماه و زمین با یکدیگر را نمایش خواهند داد؟ اگر این چنین است، پس مدت زمان یادشده همان مدت زمان سری جدید دلتا خواهد شد. این مدت همچنین مدت زمان اولین سری می‌باشد که دقیقاً در تعامل خورشید، ماه و زمین با یکدیگر استفاده می‌شود.

توسط دفتر شرکت Tidelines در سن دیگو، من قادر بودم تا نمودار جزر و مد ماهانه شش سال گذشته را به دست بیاورم. نمودارها را به یک مرکز کپی فوری بردم و آن‌ها را بر روی ورقه‌های استات کپی کردم. پس از آن من چند روزی را صرف کردم و نمودارها را جلوی نور و بر روی هم قرار دادم و تلاش کردم تا یک مطابقت دقیق در تایم فریم روزانه پیدا کنم. من



می دانستم زمانی که آن را پیدا می‌کنم، هر روزی در نمودار به تعداد X روز با روز مشابه خود در گذشته مطابقت خواهد داشت.

سرانجام من مدت زمان دقیق رخ دادن جزر مد را پیدا کردم. من می‌خواهم یکی از نمودارهای جزر و مد را در پروژکتور اول و نمودار دیگر را در پروژکتور دوم قرار دهم. حالا یکی از پروژکتورها را حرکت خواهم داد به طوری که یک روز خاص در هر نمودار دقیقاً بر روی هم قرار می‌گیرند. توجه داشته باشید که این دو روز دقیقاً مشابه یکدیگر هستند. در دوره زمانی بین آن دو روز، هیچ دو روزی با یکدیگر مطابقت نداشتند. بنابراین زمان بین آن دو روز زمان دقیق تعامل خورشید، ماه و زمین با یکدیگر می‌باشد. آن دوره زمانی دقیقاً ۱۲ ماه قمری است.

نمودار هر روزی دقیقاً مشابه نمودار همان روز از ۱۲ ماه قمری قبل از آن و ۱۲ ماه قمری پس از آن است، و غیره. این بدان معنی است که رفتار بازارها در هر ۱۲ ماه قمری تکرار می‌شوند. من تعدادی تحقیقات اولیه انجام داده‌ام که نشان می‌دهد این ایده درست است. به هر حال این انتخاب شما مدیران است که این ایده را برای هر بازاری حل کنید. من پیشنهاد می‌کنم که نظم در این تایم فریم جدید را دوره متوسطه دلتا یا Medium Term Delta (MTD) بخوانیم.

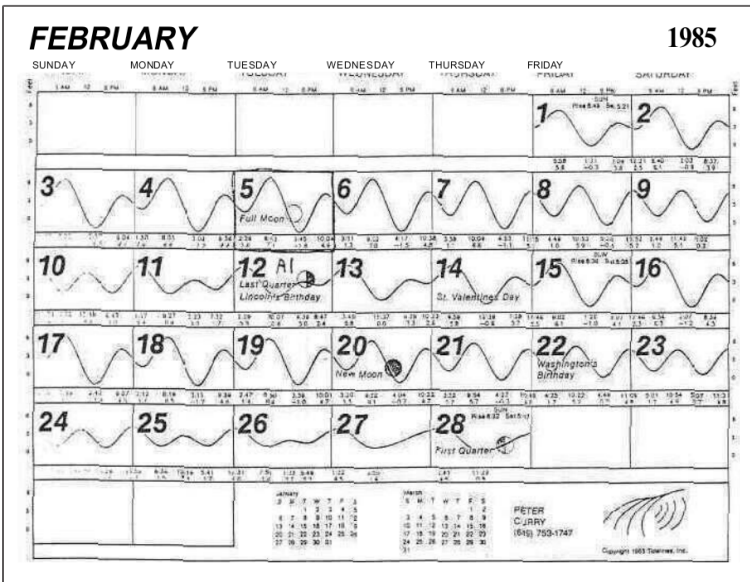
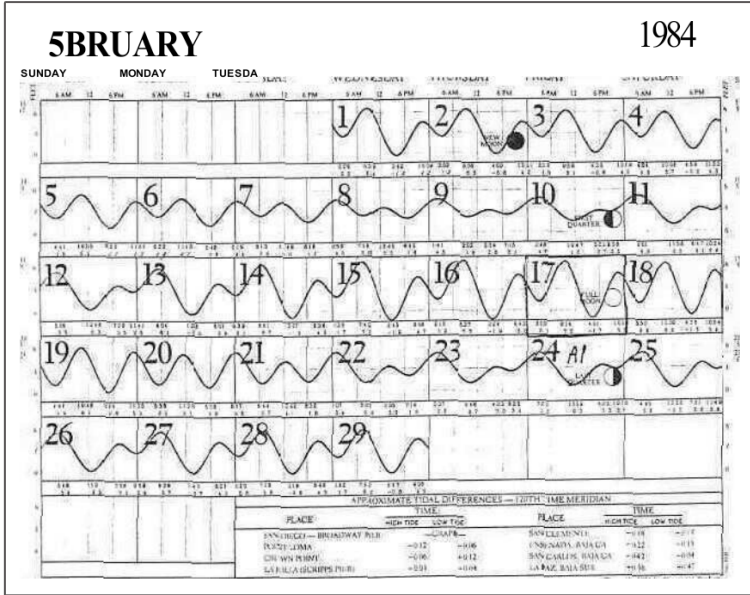
پس از جلسه لندن، من به خانه رفتم و بر روی راه حل کار کردم. من از نمودار هفتگی استفاده کردم و در ابتدای در سومین ماه کامل یک خط رنگی قرار دادم. نمودار به من چهار خط رنگی یکسان برای یک سال قمری داد. در مدت دو روز تایم فریم متوسطه دلتا یا Medium Term Delta را برای



تمامی ۲۵ بازار کالا حل کردم. تنها هشت کلمه برای توصیف نظم Medium Term Delta نیاز است:

بازارها در هر سال قمری به صورت مستقیم و یا وارونه تکرار می شوند. یک چیز متفاوتی درباره Medium Term Delta وجود دارد. شماره ۴ در این تایم فریم وجود ندارد. به نظر می رسد دلیل آن ممکن است این باشد که شماره ۴ مربوط به تایم فریم هایی می شود که به دو تا از اجرام آسمانی مربوط می شوند. تایم فریم میان مدت دلتا یا Intermediate Term از تعامل خورشید، ماه و زمین با یکدیگر به دست می آید که ماه قمری است. تایم فریم درازمدت دلتا Long Term نیز از تعامل خورشید، زمین و ماه با یکدیگر به دست می آید که یک روز خورشیدی است. چنین استدلال کردیم، زمانی که تعامل هر سه اجرام در یک تایم فریم نتیجه می دهد، پس از آن جرم آسمانی سوم در محل شماره ۴ قرار می گیرد و سری های یکی یکی یا به هم پیوسته اتفاق می افتند.





پنجمین و آخرین تایم فریم دلتا این مفهوم را ثابت کرده است. باز هم، حدود شش ماه بعد از جلسه لندن، جیم زنگ زد و گفت که مطمئن است که از یک تایم فریم اضافی وجود دارد. او این تایم فریم را دوره خیلی دراز مدت دلتا یا Super Long Term Delta (SLTD) نامید. با این حال، مشکل این تایم فریم پیدا کردن اطلاعات یکپارچه کافی برای اثبات این تایم فریم بود. جیم گفت: این تایم فریم اطلاعات صد ساله را می‌طلبد تا تعدادی سری برای حمایت از راه حل یادشده فراهم کند. من نه اطلاعات یکپارچه صد ساله را داشتم و نه می‌دانستم که آنرا از کجا به دست بیاورم. پس از آن جیم به من زنگ زد و گفت که تایم فریم خیلی دراز مدت دلتا به عنوان تایم فریم جدید و آخرین تایم فریم دلتا چه چیزی است.

جیم گفت: ولز، فرض کن که در حال مشاهده منظومه شمسی از یک نقطه در جهان هستی که در آن می‌توانی تعامل کامل خورشید، ماه و زمین با یکدیگر را ببینی. چیزهای بسیاری وجود دارند که یکسره در حال گردش هستند. به عنوان مثال، زمین به دور خورشید می‌گردد، ماه به دور زمین می‌گردد و زمین حول محور خود می‌چرخد و غیره.

فرض کنید شما یک دوربین داشتید و از این صحنه عکس می‌گرفتید. چه مدتی طول خواهد کشید تا دقیقاً همان صحنه را عکس بگیرید؟ این دوره زمانی یک تعامل کامل از خورشید، ماه و زمین با یکدیگر را نمایش خواهد داد.

(من آن چیزی را که جیم به آن دست یافته بود را فوراً فهمیدم، از آن جاییکه کل نظم در بازارها بر پایه تعامل کامل خورشید ماه و زمین با



یکدیگر است، در این صورت دوره زمانی برای تکمیل این تعامل کامل، آخرین تایم فریم دلتا خواهد بود.)

من پاسخ دادم: نمی دانم این تایم فریم چه مدت زمانی را در بر می گیرد، اما مطمئنم که شما آن را به من می گویی! جیم جواب داد: مدت زمان این تایم فریم ۱۹ سال و ۵ ساعت است. بدیهی است برای اهدافمان شما می توانید ۵ ساعت را فراموش کنید و فقط از ۱۹ سال به عنوان مدت زمان این سری استفاده کنید. من جواب دادم: عالیه. الان من مجبور هستم همه دیتاها را پیدا کنم.

من همیشه تعجب کرده ام، چگونه درست زمانی که به چیزی نیاز دارم به نظرم می رسد آن چیز تو آغوشم می افتد. چند روز بعد، من پشت تلفن با شخص غریبه ای صحبت می کردم و در جریان مکالمه به من خاطر نشان کرد که با تلاش فراوان یک بانک اطلاعاتی یکپارچه و کاملی از قیمت پایانی ماهانه شاخص های اساسی بازار سهام طی سال ۱۹۷۲ تاکنون گردآوری کرده است. جدیدترین بخش شاخص، میانگین صنعتی داوجونز (DJIA) بود. برای خلاصه کردن یک داستان طولانی، او تا حدودی به آن اطلاعات مغرور بود و بنابراین آن اطلاعات نباید هم ارزان باشند، اما من موفق شدم یک کپی از اطلاعات را به دست بیاورم.

کارمندانم به صورت دستی این اطلاعات را بر روی دیسکم ریختند و برنامه نویسم برنامه ای را نوشت که نمودارهای خطی را از این اطلاعات رسم می کرد. من می دانستم که بازار هر ۱۹ سال یکبار تکرار می شود، به طوری که ما از ابتدای نمودار شروع کردیم و پلاتر (نقشه کش نرم افزار)



برای کشیدن یک خط قرمز در هر ۱۹ سال برنامه ریزی شد. (بدیهی است، تفاوتی ندارد که شما اولین خط را در کجای نمودار قرار می دهید) خطوط دیگر پس از یکدیگر در فواصل مساوی از همدیگر رسم می شدند به طوری که فاصله هر خط از یکدیگر یک چهارم مدت ۱۹ سال یا به عبارتی ۴ سال و ۹ ماه بود.

من این تایم فریم را با دو نمودار ماهانه تمام کردم که تقریباً دیتای یکصد سال را در هر نمودار به تصویر کشیده بود. کمتر از ۳۰ دقیقه زمان برد تا من راه حل بازار را بیابم. تعداد ۱۴ نقطه در سری وجود داشت اما شگفت انگیزترین چیز این بود که در کل دوره ۲۰۰ ساله هیچ وارونگی وجود نداشت.

تنها بازار دیگری که قادر بوده ام اطلاعات کافی را برای تحلیل تایم فریم خیلی دراز مدت دلتا یا Super Long Term Delta به دست بیاورم متوسط شاخص ۲۰ شرکت داو جونز بود. من اطلاعات ماهانه این بازار را از سال ۱۹۱۵ تا کنون در دست داشتم. این اطلاعات چهار سری تکمیل شده را ارائه می کند که حداقل سری برای تحلیل بازار در این تایم فریم است، اما درباره این موضوع بعداً صحبت خواهیم کرد.

ما در حال حاضر تمامی پنج تایم فریم دلتا را تعریف کرده ایم. این پنج تایم فریم به طور متوسط دو نقطه چرخش در روز برای تایم فریم STD و دو نقطه چرخش در هر سه سال برای تایم فریم کوتاه مدت یا خیلی دراز مدت دلتا یا SLTD دارند.

اگر شما گفته های مرا دنبال کرده اید و آنچه در این خصوص گفته شده



است را درک کرده باشید، شما می‌فهمید که پدیده دلتا، راز نظم پنهان در تمامی بازارها است.

در فصل‌های آینده ما تمامی تایم فریم‌ها را با جزئیات آن‌ها مطالعه خواهیم کرد. پس از آن یاد می‌گیریم که چگونه راه حل دلتا را برای هر بازاری و در هر یک از تایم فریم‌ها پیدا کنیم و به شما یاد خواهیم داد که من در مورد استفاده از دلتا در معاملات بازارها چه چیزی یاد گرفته‌ام.

این کتاب مشابه سایر کتاب‌هایم، مختصر و مفید خواهد بود. تنها اطلاعات ضروری را شامل خواهد شد. اما سعی می‌کنم تا همه چیز را به روشی که برای همگان قابل فهم باشد توضیح دهم. من شخصاً آدم صبوری هستم، برخلاف نویسندگانی که پنج صفحه از کتاب را به موضوعی اختصاص می‌دهند که می‌توانستند با تمامی عناصرش در یک صفحه نقل کنند. در پایان پس زمینه مهندسی‌ام! اکنون، قبل از این که مابه فصل بعدی برویم، می‌خواهم خلاصه‌ای از چیزهایی را که در مورد پنج تایم فریم دلتا یاد گرفتیم بیان کنم.

تعاریف

بازارها به صورت مستقیم یا وارونه تکرار می‌شوند در:

تایم فریم کوتاه مدت یا (Short Term Delta (STD :

در هر چهار بار گردش زمین به دور محور خود.

در هر چهار روز.

تایم فریم میان مدت دلتا یا (Intermediate Term Delta (ITD :



در هر چهار بار گردش ماه به دور زمین

در هر چهار ماه قمری

تایم فریم متوسطه دلتا یا (MTD) Medium Term Delta :

در هر چرخه کامل جزر و مد دریا

در هر یک سال قمری

تایم فریم دراز مدت دلتا یا (LTD) Long Term Delta :

در هر چهار بار گردش زمین به دور خورشید.

در هر چهار سال خورشیدی.

تایم فریم خیلی دراز مدت یا (SLTD) Super Long Term Delta

در هر یک بار تعامل کامل خورشید ماه و زمین با یکدیگر.

در هر ۱۹ سال و ۵ ساعت.

چرخش

تمامی نقاط چرخش دلتا از نقطه ۲ تا پایان سری و به صورت چرخش از نقطه حداکثر به حداقل یا بالعکس ادامه می یابند.

این چرخش ممکن است در یک پنجره زمانی وارونگی تغییر کند.

وارونگی

تغییر در چرخش نقاط دلتا از حداکثر به حداقل یا از حداقل به حداکثر

یک وارونگی تنها در پنجره زمانی وارونگی می تواند اتفاق بیافتد

پنجره زمانی وارونگی

مدت زمانی که با یک فرکانس معین تکرار می شود.



پنجره زمانی وارونگی از آخرین نقطه چرخش در سری‌های قبلی شروع می‌شود و تا نقطه چرخش دوم در سری‌های جدید ادامه می‌یابد. پنجره زمانی وارونگی تنها جایی در زمان است که وارونگی می‌تواند در آن رخ دهد.

نقاط بینابینی

IBP یک نقطه اضافی در سری‌ها می‌باشد که فقط ممکن است در پنجره زمانی وارونگی اتفاق بیافتد. IBP ممکن است در هر دو طرف نقطه (۱) رخ دهد بنابراین موجب وارونگی و در نتیجه تغییر چرخش نقاط شود. IBP ممکن است در هر دو طرف نقطه (۱) رخ دهد بنابراین موجب دو وارونگی شده که در نتیجه هیچ تغییر در چرخش نقاط اتفاق نیافتد.

سری‌ها

تعداد نقاط چرخش دلتا که با نقطه ۱ شروع می‌شوند و با آخرین نقطه در سری‌ها پایان می‌یابند. اکنون که با این تعاریف آشنا شدید، اجازه دهید تا نظم کامل در تمامی بازارها را مطرح کنم.

در ابتدا، تمامی حرکات بازار با این نظم کامل هماهنگ است که ما آن را دلتا نامیدیم. واقعاً ادعای شگفت‌انگیزی است که هر کسی به سختی آنرا باور می‌کند. من مطمئنم برخی از مردم که چند سال پیش تبلیغات مرا در مجلات و روزنامه‌های سرتاسر دنیا می‌خواندند، احتمالاً خندیدند



و تعجب کردند که شاید هنگام گفتن آن‌ها مواد مصرف کرده بودم. درواقع، من به بسیاری از شما که این کتاب را می‌خوانید شک دارم که تاکنون شواهد کافی در بازار برای متقاعد کردن خودتان دیده باشید. این موضوع قابل درک است، زمانی که شما خواندن این کتاب را تمام کردید، شما متقاعد خواهید شد (اگر شما به هدف برسید) زیرا مدارک و شواهد انکارناپذیری وجود دارد.

حالا بدیهی است، من زمان کافی برای تحلیل تمامی بازارها با دلتا را ندارم. اما من هرگز نقصی در این نظم ندیده‌ام یا برای تحلیل بازاری که با نظم دلتا هماهنگ نیست تلاش نکرده‌ام. شما چنین نظمی را در بسیاری از بازارها بسیاری مشاهده خواهید کرد. من کاملاً مطمئنم هر بازاری در روی زمین که آزادانه در آن معامله می‌شود نه تنها با این نظم هماهنگ می‌باشد بلکه آنرا در تمامی بازارهایی که امتحان کردم، یافته‌ام، به این خاطر که اساس این نظم از نام آن چیزی که معامله می‌شود فراتر می‌رود. این نظم در عوض شامل علم بازارهای آزاد می‌شود (بازارهایی که معاملات در آن‌ها با آزادی عمل صورت می‌گیرد) بدیهی است این نظم علمی بود که از زمان گذشته تاکنون وجود داشت و جای تعجب است که حتی در زمان‌های دوردست نیز آنرا درک نکرده بودند.

تا زمانی که علت اصلی الکتریسیته و مغناطیس بررسی نشده بود، هیچ کس واقعاً نفهمید که الکتریسیته چیست یا میدان مغناطیسی چیست؟ با این حال ما آن را قبول کردیم زیرا ما می‌توانیم مشاهده کنیم که آن‌ها از یک نظم تعریف شده پیروی می‌کنند که می‌تواند فرموله شوند و در نتیجه



قابل پیش بینی است.

بیا بید نظم در بازارها را در نظر بگیرید. تمامی بازارها از این نظم پیروی می‌کنند. تنها دو متغیر وجود دارد. **متغیر اول**، تعداد نقاط در سری‌ها و **متغیر دوم**، بر اساس کدام نقطه است که سری‌ها شروع می‌شوند. خودشه! برای اولین بار که یک نفر، در یک بازار خاص، تعداد نقاطی را که تکرار می‌شوند و تکرارشان را از کجا شروع می‌کنند را کشف کرد. او قادر بود موقعیت زمانی هر یک از این نقاطی که اتفاق خواهند افتاد را در زمان آینده یا در زمان گذشته تا جایی که بخواهد عقب رود، پیش بینی کند. چرا؟ زیرا ما می‌توانیم از نظر علمی تعامل کامل خورشید ماه و زمین با یکدیگر را پیش بینی کنیم تا جایی که در زمان گذشته یا در زمان آینده بخواهیم جلو برویم.

چیزی که ما می‌گوییم این است که تمامی بازارها با تعامل خورشید ماه و زمین قفل می‌شوند. اما زمانی که ما کلید این قفل را پیدا کردیم، بازار کاملاً قابل پیش بینی است. این کلید دو قسمت دارد؛ چه تعداد از نقاط در چرخش از بالا به پایین داخل سری‌ها هستند و در کدام یک از این نقاط سری‌ها شروع می‌شوند. به همین دلیل لازم است که بدانید در کدام یک از نقاط، سری آغاز می‌شود؟ زیرا نقطه آغازین تنها جایی است که سری می‌تواند در آنجا وارونه شود.

اکنون، اگر موارد بالا درست باشد در این صورت:

الف) هر بازاری که معاملات در آن با آزادی انجام می‌شود با تعداد دقیق نقاط بیش از بیش تکرار می‌شود در



(ب) یک چرخش تعریف شده از بالا به پایین و
 (ج) چرخش آن‌ها نیز تنها در آغاز تکرار تعریف شده تغییر خواهد کرد و
 (د) این تغییر چرخش در راه تعریف شده انجام خواهد شد و
 (و) تمامی موارد بالا در تعامل کامل با خورشید ماه و زمین با یکدیگر
 انجام می‌شود و

پس از این، آیا آن نظم کامل نیست؟

هر ناظر عینی جواب خواهد داد بلی، اگر تمامی موارد بالا درست باشد
 در این صورت آن نظم کاملی است. در حال حاضر حتی اگرچه ما می‌دانیم
 که نظم دلتا کامل است، متأسفانه، برای من، تاریخ دقیق نقطه حداکثر و
 حداقل (چرخش از بالا به پایین) کامل نیست. اگر آن هم کامل بود، شما
 این کتاب را نمی‌خواندید، و من تاکنون، بیشتر از هر کس دیگری در این
 دنیا ثروت زیادی جمع کرده بودم.

بنابراین مهم است که تفاوت بین نظم کامل و دقت کامل را بفهمید.
 نظم کامل شامل پدیده‌ای است که دقیقاً در یک مرجع تعریف شده تکرار
 می‌شود. در این مورد، مرجع تعامل کامل از خورشید ماه و زمین با یکدیگر
 است. دقت کامل در درون نظم تعریف می‌شود. در اینجا، دقت در نقاط
 چرخش تعریف می‌شود. به این معنا که، چگونه یک نقطه چرخش خاص
 نزدیک به یک تاریخ پیش بینی شده قرار می‌گیرد. بدیهی است که این
 دقت کامل ممکن نیست در درون نظم کامل بازارها وجود داشته باشد.
 اگر چنین دقتی وجود داشت، هر کسی این نظم را از مدت‌ها پیش
 کشف می‌کرد مثلاً رومی‌ها با فنیقی‌ها دادوستد می‌کردند و فلاسفه یونان



در گوشه‌ای از بازار روغن زیتون معامله می‌کردند. و اگر هر کسی این نظم را می‌دانست، هیچ بازاری وجود نداشت زیرا تمام معامله‌گران دقیقاً اطلاعات مشابهی را داشتند. اگر هر معامله‌گری اطلاعات مشابهی را در اختیار داشت در این صورت هیچ معامله‌ای انجام نمی‌شد زیرا هیچ کس در طرف دیگر معامله قرار نمی‌گرفت.

به همین دلیل است که آشکار کردن نظم بازار برای همه معامله‌گران ممکن است تأثیر قابل توجهی در بازار نداشته باشد، زیرا هیچ کس با اطمینان روز دقیق و معینی را که بازار در آن روز بالا یا پائین خواهد آمد را نمی‌داند، یا در برخی از تایم فریم‌های دلتا هیچ کس حتی هفته دقیقی را که در آن بازار بالا یا پائین خواهد آمد را نمی‌داند، یا در تایم فریم‌های طولانی مدت دلتا حتی ماه دقیقی را که در آن بازار بالا یا پائین خواهد آمد را نمی‌داند. حتی اگر معامله‌گران روز دقیقی که در آن بازار بالا یا پائین خواهد آمد را می‌دانستند آن‌ها باز هم بر روی این که چه زمانی از روز بازار برمی‌گردد، شرط بندی نمی‌کردند؟



فصل سوم

تایم فریم میان مدت دلتا یا (ITD)



در این مرحله ما جزئیات هر یک از پنج تایم فریم دلتا را پوشش می‌دهیم. ما تایم فریم میان مدت دلتا یا Intermediate Term Delta (ITD) را با ادامه بحث و گفتگو در بازار طلا آغاز می‌کنیم.

به خاطر داشته باشید زمانی که برای اولین بار در شیکاگو شاهد پدیده دلتا بودم، نه جیم و نه من نمی‌دانستیم، نظمی که ما در آن پانزده نمودار دیدیم آیا دقیقاً در هماهنگی با تعامل خورشید ماه زمین با یکدیگر ادامه خواهد یافت یا اینکه این نظم شاید با چرخیدن نقاط در برخی از زمان‌ها در آینده محو خواهند شد.

در راه خانه و در داخل هواپیما، من تصمیم گرفتم تا تمام وقتم را برای پیدا کردن اینکه، نظم دلتا تا چه اندازه قدرتمند بود، صرف کنم؟ طی



چند ماه در خانه کار می‌کردم و تنها بعضی اوقات به دفتر کارم می‌رفتم. خیلی شگفت‌انگیز است که نظم دلتا چقدر می‌تواند قدرتمند باشد اگر بازار کاملاً به تنهایی رها شود.

برای بررسی تایم فریم میان مدت دلتا یا (ITD Intermediate Term Delta) من به نمودار روزانه‌ای با اطلاعات پنج‌یا شش سال گذشته متوالی نیاز داشتم. پس از تحقیقات، من توانسته بودم اطلاعات هشت سال پیش را از شرکت Commodity Perspective به دست بیاورم که نمودارهای هر قراردادی را برای بیشتر بازارهای کالا را در یک کتاب نمودار سالانه چاپ می‌کرد. فرمت یک ساله تنها چیزی بود که من به آن نیاز داشتم. اطلاعات هشت ساله در تایم فریم ITD حداقل ۲۴ تکرار را برای هر کالایی به من می‌داد. از آنجا که من راه حل دلتا (تعداد نقاط و جایی که اتفاق افتاده است) را می‌دانستم، مجبور بودم تا تمامی خطوط رنگی بر روی نمودار و تعداد نقاط را رسم کنم. من شگفت‌زده شدم (اگر چه احتمالاً برای من نباید شگفتی آورده باشد) که چگونه همه چیز درست در محل خودشان قرار می‌گیرند. این کار آنقدر ساده بود که پسر دوازده ساله‌ام هم اگر قوانین را دانسته بود می‌توانست آنرا به خوبی من انجام دهد. قوانین نیز به سرعت در محل قرار می‌گرفتند آن طوری که من بیشتر بازارها را بررسی کردم. قانون عمده به شرح ذیل است:

نقطه حداکثر دلتا باید حداکثر بالاترین نقطه بین دو نقطه حداقلی دلتا باشد. نقطه حداقل دلتا باید حداقل پائین‌ترین نقطه بین دو نقطه بالای دلتا باشد. حدود ۹۰ درصد مواقع این تنها تعریف ضروری بود. این



تعریف باعث می‌شود که نقاط چرخش دلتا کاملاً قطعی باشد. افرادی که در این خصوص تلاش کرده‌اند به شدت از این موضوع آگاه هستند که قرار دادن تمامی حرکت بازار داخل جعبه از پیش تعریف شده دشوار است. زمان‌هایی وجود دارد که بازار چنان سریع بالا یا پائین سقوط می‌کند که آن‌ها دقیقاً نمی‌دانند چه کاری باید انجام دهند.

در طرف دیگر این جریان زمان‌هایی وجود دارد، هنگامی که بازارها آرام یا به هم فشرده هستند به نظر می‌رسد نمی‌توانند به اندازه کافی حرکتی را بسازند تا یک نقطه چرخش مهمی ایجاد شود. با این حال این بی‌نهایت‌ها وجود دارند. برای زمان‌هایی که بازار یا در خواب است و یا به شدت شتاب می‌گیرد، ما به چند تایی دیگر از نقاط چرخش دلتا نیاز داریم و نه به قوانین دقیق، اما شما دستورالعمل را دنبال کنید.

صفحات زیر به طور مستقیم از کتابچه راهنمای اعضای دلتا برداشته شده است. من می‌خواهم آن‌ها را اینجا بیاورم به طوری که شما قادر باشید زمانی که شروع به مطالعه نمودار خواهید کردید نقاط چرخش دلتا را بشناسید. صفحات ذیل بسیار مهم هستند. آن‌ها یک پیش‌نیاز برای درک کامل از پدیده دلتا هستند. من پیشنهاد می‌کنم که شما آن‌ها را به دقت بخوانید و سپس نمودارها را بررسی کنید. با این حال صفحات راهنما قبل از استفاده از دلتا باید به خاطر سپرده شوند.



طبقه بندی نقاط چرخش

در ادامه بحث ممکن است نسبت دادن شخصیت های انسانی به بازارها عجیب به نظر برسد مگر اینکه شما پی ببرید که بازارها نتیجه رفتار انسان هستند. کتاب های زیادی در مورد روانشناسی جمعیت نوشته شده است که بازارها رفتار ترکیبی توده ها را منعکس می کنند. اما تا زمانی که پدیده DELTA کشف نشده و توسط جیم اسلومان طبقه بندی نشده بود هنوز ناشناخته بود، این که تمام بازارها از نظمی پیروی می کنند که می توان آنرا تعریف کرد. پدیده دلتا برای اولین بار مرجعی را به عنوان رفتار واقعی بازار فراهم می کند. این مرجع در نقاط چرخش دلتا آشکار می شود. اگر معامله گر بداند که بازار خاصی در یک نقطه از پیش تعریف شده قرار است چه حرکتی انجام دهد، پس از آن نیز بداند بازار واقعاً در این نقطه چه رفتاری می کند، آن موقع قلمرو جدیدی در تحلیل بازار گشوده می شود و امیدهای کاملاً جدیدی را در پیش بینی رفتار بازارها پیدا می شود.

فرض اساسی این است که یا بازارها آنچه را که از آن ها انتظار می رود را انجام خواهند داد و یا انجام نخواهند داد. اگر بازارها آنچه را که از آن ها انتظار می رود در زمان و نقطه تعیین شده انجام ندهند، یک دلیل وجود دارد. دلیل این است که یک نیروی قوی و غیرعادی در جریان است و به طور موقت برخلاف آنچه بازارها می خواهند انجام دهند اقدام می کند. معامله گر به روشنی می تواند از این دانش بهره برده و با نیروهای قوی و موقتی پیش رود و سود کند. اگر بازارها آنچه را که از آن ها انتظار می رود عمل کنند را انجام ندهند، به احتمال زیاد حرکت خلاف جهت بزرگ می باشد.



زمانی که شما دانشجوی دلتا هستید، بازارها از دیدگاه شما تقریباً انسان به نظر خواهند آمد. شما به شرایطی که آنچه بازارها می‌خواهند انجام دهند و آنچه که از آن‌ها انتظار می‌رود عمل کنند فکر خواهید کرد. شما به یک بازیکن پوکر حرفه‌ای تبدیل خواهید شد زیرا شما به یک درک واقعی از شخصیت حریف مقابلتان می‌رسید. شما باید برای دانستن اینکه بازارها در هر موقعیتی چگونه عمل می‌کنند یک چارچوب کلی داشته باشید، بازارها سعی خواهند کرد تا به نوبت شما را از میدان به درکنند. بازار را با درک جدیدی بفهمید، شما قوانین واقعی بازی را یاد گرفته اید.

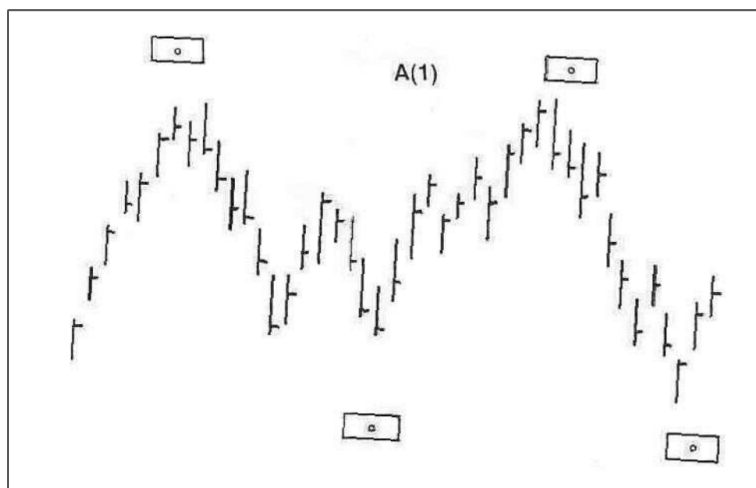
پس از یک سال دنبال کردن دلتا و تعریف کردن نقاط چرخش دلتا در صدها سال از دیتای روزانه صدساله، من کشف کرده‌ام که بازارها با طرق مختلف در رابطه با نقاط چرخش دلتا عمل می‌کنند. این اقدامات به قوت و ضعف درونی بازارها بستگی دارد. من دریافته‌ام که تمامی ویژگی‌های رفتاری متفاوت بازارها را می‌توان به چهار دسته طبقه بندی کرد. من این چهار دسته بندی را به ترتیب نرمال، واقعی، ضعیف و قوی توصیف کرده‌ام. در زیر تعاریف و نمونه‌هایی از این چهار دسته تقسیم بندی می‌شوند:

عادی

هنگامی که بازار به صورت عادی رفتار می‌کند در این هنگام نوسانات بازار به خوبی مشخص می‌شوند و نقاط چرخش بسیار دقیق هستند که به نوبه خود بین یک الی دو روز از تاریخ تعریف شده دلتا متغیر هستند. مگر مواردی که نیروهای بسیار قوی زیر لایه‌های بازار وجود دارد، در بیشتر



مواقع بازارها در داخل دسته بندی عادی یا واقعی قرار می‌گیرند. در مثال (۱) A جعبه با نقطه، نقاط چرخش پیش بینی شده دلتا را نشان می‌دهد. در بازارهای عادی، ریتم بازارهایی که در ارتباط با نقاط چرخش برنامه ریزی شده دلتا فاش شده است را مطالعه نمایید.

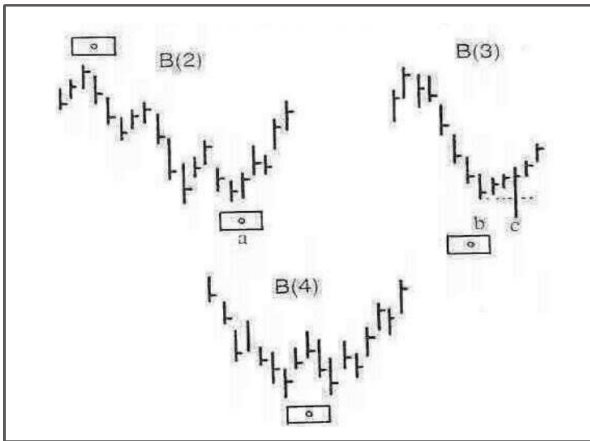


واقعی

بعضی اوقات در بازار دو نقطه حداقل یا دو نقطه حداکثر تقریباً با ارزش یکسان وجود خواهند داشت. نقطه‌ای که نزدیک‌ترین نقطه به زمان نقطه پیش بینی شده باشد، نقطه چرخش واقعی دلتا می‌باشد. مثال (۲) B این بازار را به خوبی نشان می‌دهد. نقطه چرخش دلتا پائین‌ترین نقطه در (a) بود. تنوع این نقاط در مثال B (۳) نشان داده شده است. معامله‌گر تصور خواهد کرد که نقطه چرخش واقعی، پائین‌ترین نقطه در (c) است. به هر حال این چنین نیست. نقطه چرخش واقعی در (b) است. بررسی

دقیق نشان می‌دهد که بازار واقعاً از نقطه (b) چرخیده و از آنجا آغاز شده و نقطه (c) یک سقط جنین احتمالی است که به وسیله دست‌کاری بازار یا توقف جریان بازار و توسط معامله گران floor ایجاد شده است.

سقوط قیمت یا آن چیزی که باعث این قطعیت می‌شود قیمت پایانی قوی در قسمت بالایی محدوده است. بخشی از محدوده یادشده که در پائین حداقل قبلی آویزان است باید نادیده گرفته شود آن هم زمانی که قیمت پایانی در جهت روندی که واقعاً در نقطه (b) شروع شده است، قوی می‌باشد. مثال B(۴) یکی دیگر از دگرگونی‌هایی را که از زمانی به زمان دیگر رخ خواهند داد را نشان می‌دهد. در این مورد نقطه برنامه ریزی شده دلتا، بین دو کف دوگانه قرار دارد. نقطه حداکثری بین دو نقطه حداقل یا خیلی نزدیک و یا دقیقاً در تاریخ نقطه چرخش دلتا هستند. در این مورد، نقطه چرخش واقعی نزدیک‌ترین نقطه به تاریخ برنامه ریزی شده دلتا می‌باشد.



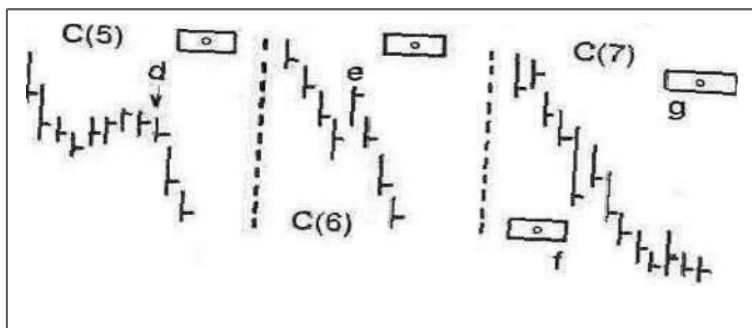
ضعیف

زمانی که نیروهای قوی بازار در هر دو طرف بازار در جریان هستند، واکنش به این قدرت را می‌توان به عنوان طرف ضعیف بازار پنداشت. هدف از بحث این است که مفهوم معمول را فراموش کنید که بازار قوی یک گاوی می‌باشد و بازار ضعیف یک بازار خرسی می‌باشد. چیزی که ما در اینجا صحبت می‌کنیم درباره قدرت یک روند در هر دو طرف بازار و ضعیف بودن بازار در مقابل قدرت روند است. در مثال C بازار در یک روند نزولی قرار دارد. در مثال (۵) C بازار در حال حاضر تلاش می‌کند یک سقف دلتای بعدی را بسازد ولی به جای صعود برای حرکت به سمت دیگر تقلا می‌کند. در آن موقع می‌خواهد یک سقف بسازد اما سرانجام تسلیم می‌شود و سقوط می‌کند. این عمل برای معامله گر یک اخطار است که در انتظار است تا نقطه چرخش دلتا به زودی رخ دهد و روند نزولی ادامه یابد. در این مثال سقف دلتا در آخرین روز مبارزه برای حرکت صعودی قرار داد و نقطه چرخش دلتا روز قبل از سقوط و در نقطه (d) قرار دارد با وجود اینکه ممکن است قیمت روز قبلی کمی بالاتری بوده باشد.

در مثال (۶) C روند نزولی بسیار قوی است. بازار می‌خواهد بچرخد و به سمت سقف دلتا حرکت کند ولی نیروهای بازار آنقدر قوی هستند که یک «بالاترین کندل» تمام زور بازار است که می‌تواند در آن نقطه بزند. معامله گر باید این اقدام بازار را در یک نقطه چرخش دلتا و در بازار بسیار قوی تماشا کند. اگر در آن زمان از بازار چنین اقدامی انتظار می‌رفت، در این صورت هنگامی که این چرخش اتفاق می‌افتد یک فرصت منحصر به فرد به



معامله گر می‌دهد تا قطار نزولی را ترک کند یا میانگین کم کند. در این مثال، نقطه چرخش دلتا در نقطه حداکثری (e) بود. من تنها یک بازار را به خاطر می‌آورم که خیلی قوی بود و به طور کامل از نقطه چرخش دلتا اجرا شد بدون آنکه حداقل یک روز نوسان در نزدیکی نقطه چرخش دلتا بدهد. بازار یادشده بازار نقره در سال ۱۹۸۱ بود که به سمت سقف تاریخی ۵۰ ساله گذشته‌اش حرکت کرد.

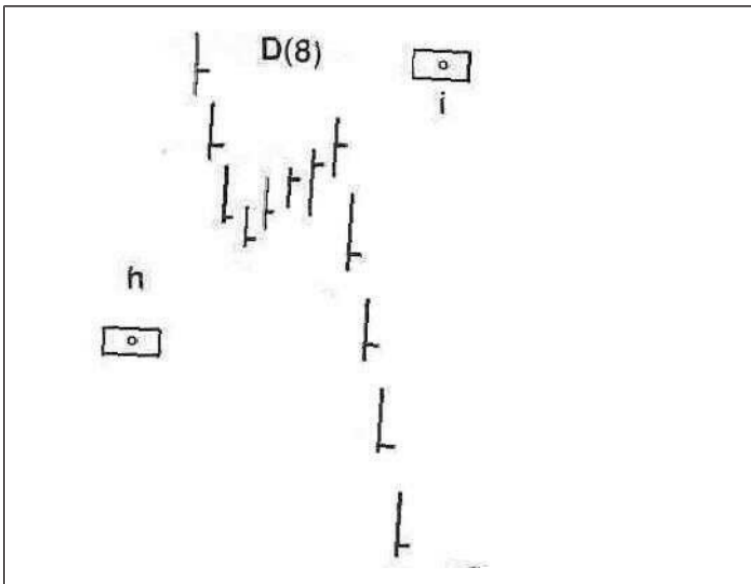


مثال C(۷) شکل تغییر یافته مثال C(۶) است. این تغییر به ندرت اتفاق می‌افتد. اما این تغییر در بازارهای بسیار قوی امکان پذیر است، نقطه حداکثر دلتا در نقطه g در واقع پائین تر از نقطه حداقل دلتا در نقطه f می‌باشد.

قوی

در مثال‌های قبلی بر روی تحلیل سمت ضعیف بازار قوی تمرکز کردیم. آخرین دسته بندی مان سمت قوی از بازار قوی را تحلیل می‌کند. بازهم قدرت بازار در اینجا به حرکت بازار در هر دو جهت اشاره می‌کند. مثال (۸) D نمونه‌ای از یک بازار قوی را نشان می‌دهد. این بازار می‌خواهد در نقطه

چرخش دلتای (h) بچرخد. اما نیروهای ذاتی و موقت بازار آن قدر قوی هستند که بازار به سمت تاریخ نقطه چرخش قبلی حرکت کند. سرانجام، فشار به طور موقت برطرف می شود و بازار به سمت نقطه حداکثری دلتا در (i) شروع به حرکت می نماید. گاهی اوقات این نقطه در زمان پیش بینی شده رخ می دهد زیرا بازار بر روی نقطه قبلی می جنگد، اما معامله گر باید انتظار داشته باشد که این نقطه به زودی اتفاق بیافتد زیرا نیروهای ذاتی بازار احتمالاً هنوز هم بسیار قوی هستند.



این چهار دسته بندی تمامی نقاط چرخش دلتا را تعریف می کند. حدود ۹۰ درصد مواقع واضح است که چرخش بازار در نقاط چرخش دلتا به خوبی آشکار است. تعاریف بالا مربوط به موارد غیر معمولی است که

نیاز به تعریف دارند. تعاریف ارائه شده در بالا به طور مداوم در تحلیل ما از صدها نمودار روزانه‌ای که مطالعه کردیم، به کار گرفته شد تا پدیده DEL-TA را به منظور اعمال نتایج قطعی ریاضی مربوط به دقت DELTA در هر یک از نقاط چرخش و یا در هر بازار کالایی در هر دو تایم فریم اینترمدیت و لانگ ترم ارزیابی کنیم.

پژوهش و تحلیل درباره پدیده دلتا مهیج، محرک، لذت بخش، رضایت بخش بوده است. این امر طبیعی است، خصوصاً زمانی که یکی از تحقیقات در زمینه جدیدی سرمایه گذاری می‌کند که در آن حوزه بسیاری از افراد عمرشان را به تحلیل آن صرف کرده‌اند. این تحقیقات دقیق‌ترین پژوهش‌ها بوده است. مطالعه دقیق و طاقت فرسایی که من تاکنون درگیر آن شده‌ام. با این حال، هر نسخه جدیدی از مطالعه من درباره پدیده دلتا، بر اهمیت بی‌چون و چرای کشف اسلومان اعتبار جدیدی را به ارمغان می‌آورد.

اولین نمودار دلتایی که ما نگاه کردیم نمودار طلا بود، بنابراین مطالعه مان را در آن نمودار ادامه خواهیم داد. در هشت صفحه بعدی ما یک مطالعه مستمر در نمودار طلا را خواهیم دید. هنگامیکه من از راه حل جیم برای تایم فریم اینترمدیت استفاده کردم یک چیز برایم روشن شد. و آن این است که تغییرات عمده جهت روند و حرکات بزرگ به احتمال زیاد در هر دو طرف نقطه (۱) رخ می‌دهند. در مورد طلا، حرکات بزرگ تمایل دارند تا از نقطه (۱۱) و نقطه (۱۱) وارونه یا نقطه (۱) و نقطه (۱) وارونه شروع شوند.

این ویژگی دلتا مربوط به تمامی پنج تایم فریم است. هیچ نقطه چرخش دیگری که چنین ویژگی را داشته باشد وجود ندارد. این ویژگی به تنهایی



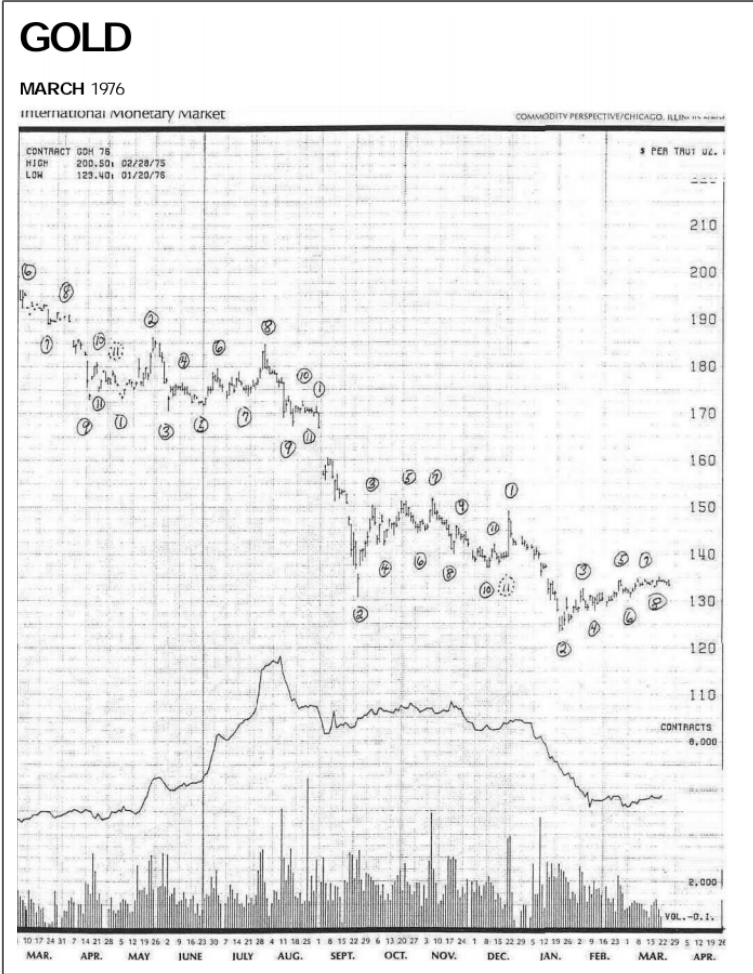
اطلاعات با ارزشی است. این ویژگی بیشتر اوقات در نقاط حداقلی پائینتر از نقاط حداکثری شایع است. زمانی که شما این نمودارها را مطالعه می‌کنید به این ویژگی توجه داشته باشید که چه تعداد از نقاط حداقلی عمده بازار مربوط به نقطه (۱) هستند.

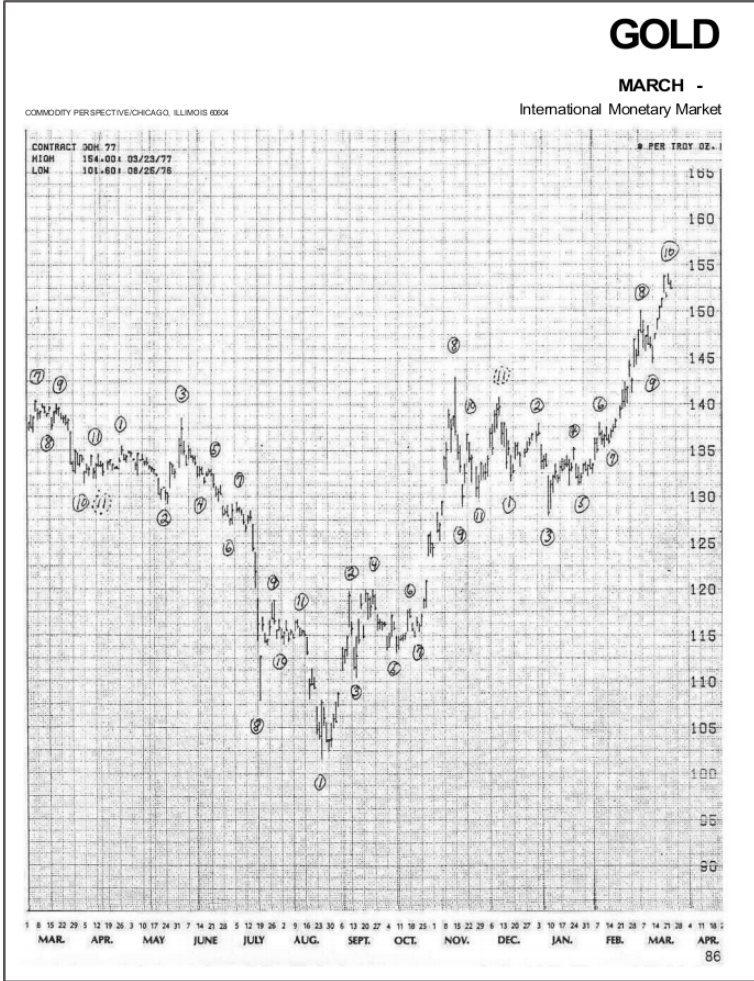
همچنین زمانی که بازارها با شتاب به بالا یا پائین حرکت می‌کنند توجه کنید که چهار خط رنگی چگونه به کار می‌روند. پس از آن شما خواهید دید که چرا پیشنهاد می‌کنم که آن را به خاطر بسپارید.

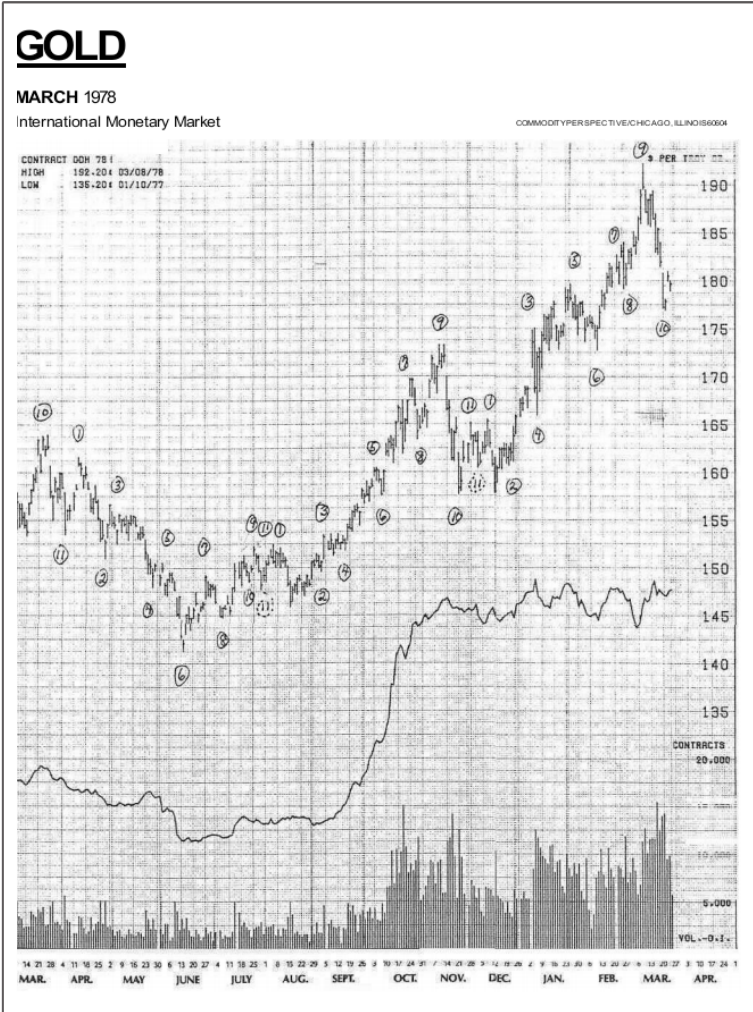
هنگامی که شما هشت صفحه بعدی را مطالعه کنید، من فکر می‌کنم آنچه را که من هنگام نوشتن این بروشور احساس کردم را شما نیز احساس می‌کنید. چند ساعت بعد جیم کشف خودش را به من توضیح داد. من به پانزده نمودار میله‌ای متفاوت جیم نگاه کردم که با خطوط رنگی و شماره گذاری طرح ریزی شده بودند. کاملاً روشن است که یک نظم در بازارهای پیش رو وجود داشت. هر نقطه چرخش لزوماً در روز دقیقی که باید در آنجا اتفاق می‌افتاد، قرار نگرفته است، اما آن نقطه در اکثر موارد بین دو الی سه روز، کاملاً نزدیک به زمان پیش بینی شده است.

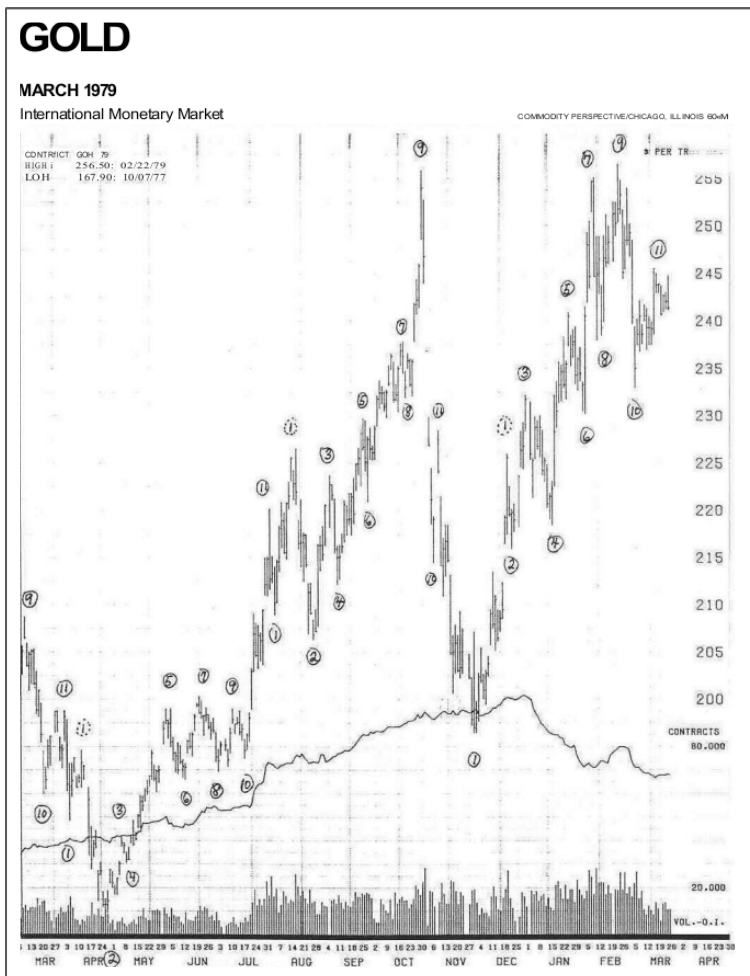
من این تمرین را برای هر کدام از پانزده نمودار کالایی که جیم آن‌ها را توسط دلتا حل کرده بود، تکمیل کردم. معلوم شد که این دقت در تمامی پانزده نمودار کالا، نسبتاً برابر بود. طلا در میانه بازار سقوط کرده بود. شش بازار کالا کمی دقیق تر از سایر بازارها بودند و هشت بازار باقی مانده دقت کمتری داشتند.











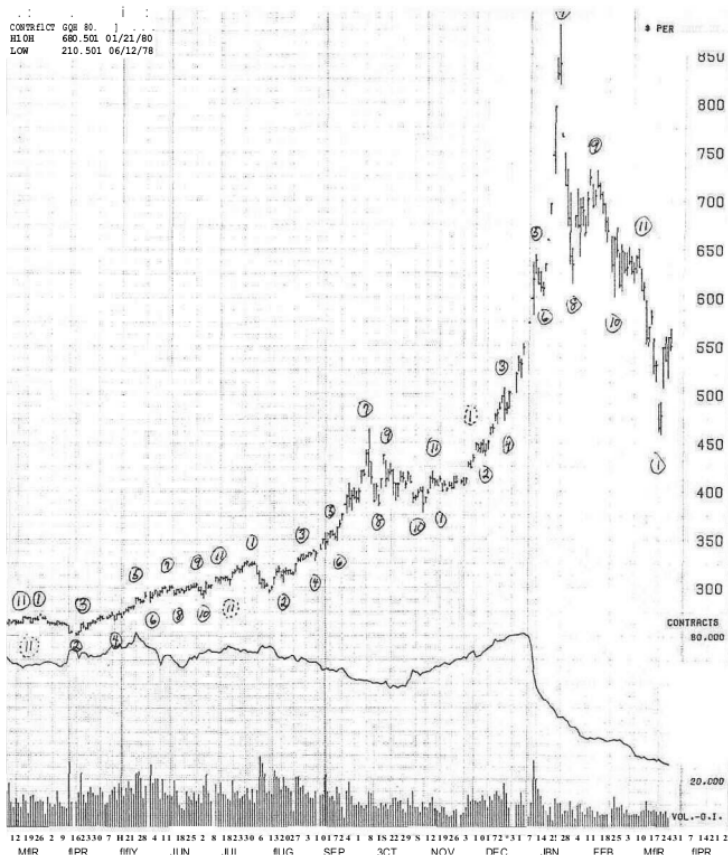
GOLD

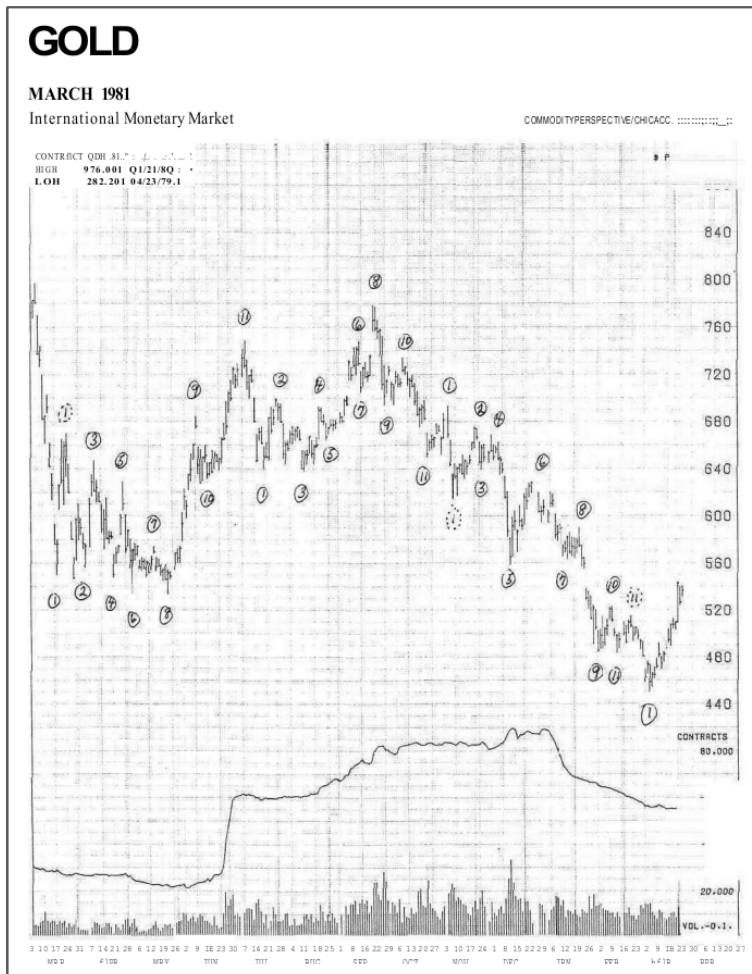
MARCH 1980

International Monetary Market

COMMODITY PERSPECTIVE/CHICAGO, ILLINIS 60404

CONTRACTS 100 80.
HIGH 680.501 01/21/80
LOW 210.501 06/12/78





پس از پایان مطالب بالا، من تصمیم گرفتم راه حل دلتا را برای بازارهایی حل کنم که جیم حل نکرده بود. تحلیل این بازارها، البته به مراتب سخت تر از استفاده از راه حل ساده جیم در بازارهای قبلی بود. در واقع، من دریافتم که این مسئله کاملاً چالش برانگیز است. با این حال بعد از این که شما چندین بار این راه حل را انجام دادید، استفاده از آن آسان تر می شود. بدیهی است تنها یک راه حل درست وجود دارد زیرا وارونگی تنها در یک مکان نسبت به خطوط رنگی می تواند وجود داشته باشد. هنگامی که شما مکان وارونگی را پیدا کنید، بقیه نقاط در مکان خودشان قرار می گیرند. من نکات ظریف پیدا کردن راه حل دلتا برای هر بازار را بعداً به شما آموزش خواهم داد.

هنگامی که من راه حل دلتا را برای تمامی ۲۵ بازار عمده حل کردم، کار بعدی این بود که داده های این نمودارها را داخل یک فرم قرار دهم. من آن را تحلیل عددی می نامم که می توانست توسط یک کامپیوتر تحلیل شود. من یک فرمت ابداع کردم که نقاط دلتا را در بالای صفحه (بر روی محور X) قرار می داد و تاریخ را برای آغاز هر سری بر روی محور عمودی به سمت چپ قرار می داد.

هر نقطه چرخش دلتا توسط موقعیت نسبی اش به نزدیک ترین خط رنگی تعریف شده است. بعنوان مثال، در نمودار طلا، نقطه (۱) بعد از خط نارنجی می آید. بنابراین اگر نقطه (۱) شش روز بعد از خط نارنجی بیاید در این صورت نقطه (۱) به صورت $O+6$ تعریف شد که نماد آن در برنامه کامپیوتر ۶O است. نقطه (۴) در سمت چپ خط قرمز می آید. پس نقطه



(۴) نه روز قبل از خط قرمز می‌آید که با نماد $R-9$ تعیین شد. در صفحه بعدی یک تحلیل عددی تکمیل شده از تایم فریم اینترمدیت نمودار طلا آمده است. بعد از مدتی، برنامه نویسم، تام بری، برنامه‌ای طراحی کرد که نتایج زیر را به من ارائه می‌داد.

[۱] فاصله متوسط یعنی متوسط فاصله‌ای که برای هر نقطه چرخش دلتا از خط رنگی تعیین شده، محاسبه می‌شود. من تصمیم گرفتم از ۹۲٪ نقاط استفاده کنم، در نتیجه به ۸٪ باقیمانده نقاط که دورترین نقاط از مقدار فاصله متوسط بودند توجهی نکردم. من احساس کردم این محاسبه یک مقدار صحیح تری را ارائه می‌دهد که بی دلیل توسط انحراف گاه به گاه اندازه‌گیری نمی‌شود. نقاط حذف شده از تحلیل عددی با ستاره (*) تعیین شده است. سطر یکسره جدول برای فاصله متوسط و با علامت اختصاری AVE تعیین شد تا فاصله متوسط هر نقطه را نمایش دهد. مقدار به دست آمده، نقطه متوسط یا تاریخ متوسط نامیده می‌شود.

[۲] احتمال یا درصد این که این نقطه در آینده با فاصله ۲ روز از نقطه متوسط تکرار شود را نشان می‌دهد. ردیف یکسره تعیین شده با نماد $MP2 -/+2$ که درصد این احتمال را برای هر نقطه نشان می‌دهد.

[۳] احتمال یا درصد این که این نقطه در آینده با فاصله ۳ روز از نقطه متوسط تکرار شود را نشان می‌دهد. ردیف یکسره تعیین شده با نماد $MP3 -/+3$ که درصد این احتمال را برای هر نقطه نشان می‌دهد.



GOLD

	PT 1	PT 2	PT 3	PT 4	PT 5	PT_6_	PT 7	PT 8	PT 9	PT10	PT11
5/75	0 6	G -1	G 6	R -9	R 0	R 6	B -3	B 4	B 16*	0 -1*	0 4
9/75	0 5	G 2	G 8	R -7	R 2	R 7	B -9	B 0	B 1*	0 -8	0 -5
12/76	0 1*	G 2	G 12	R -3	R 7	R 12	B -5	B 0	B 2	0 -7	0 -1
4/76	0 9	G 8	G 13	R 3*	R 6	R 14	B -3	B 7	B 13	0 -4	0 2
8/76	0 12	G 3	G 6	R -10	R 0	R 5	8-12*	B 6	B 9	0 -9	0 -5
12/77	0 9	G -1	G 3	R -8	R -5*	R 3	B-13*	B 1	B 6	0-10	0 1
4/77	0 7	G -3*	G -1*	R -3	R 1	R 10	B -4	B 3	B 12	0 -6	0 -4
8/77	0 4*	G 4	G 5	R -8	R 4	R 7	B -2	B 1	B 10	0 -4	0 1
12/77	0 8	G -3*	G 7	R -13	R 1	R 12	B -2	B 1	B 9	0 -4	0 2
4/78	0 7	G 2	G 9	R -10	R 7	R 15	B 0	B 8*	B 14	0 -3	0 8*
8/78	0 10	G 5	G 12	R -5	R 6	R 8	B 2	B 3	B 10	0 -6	0 -4
12/79	0 11	G 5	G 11	R 2*	R 9	R 15	B -1	B 2	B 9	0 -6	0 2
3/79	0 9	G 3	G 6	R -3	R 6	R 12	B -1	B 2	B 11	0 -7	0 0
7/79	0 11	G 5	G 12	R -4	R 3	R 4	B -3	B 1	B 3	0 -1*	0 3
11/80	0 14	G 4	G 11	R -10	R 3	R 7	B -9	B -4	B 3	0 -7	0 3
3/80	0 12	G 4	G 8	R -6	R -2	R 2*	B -10	B -4	B 8	0 -8	0 7*
7/80	0 15	G 0	G 11	R -4	R -1	R 13	8 -6	B -1	B 4	0 -9	0 1
11/80	0 10	G 0	G 3	R -11	R -6*	R 3	B -5	B 2	B 11	0 -5	0 -3
3/81	0 11	G 8	G 12	R -4	R 3	R 8	B -6	B 5	B 9	0 -8	0 -3
7/81	0 15	G 7	G 8	R -8	R 3	R 7	B 0	B 3	B 5	0-10	0 -4
11/81	0 12	G 8	G 17*	R -1	R 3	R 11	B -3	B 7	B 14	0 -3	0 -1
3/82	0 12	G 5	G 11	R -7	R 3	R 6	B -6	B 1	B 9	0 -3	0 1
7/82	0 11	G 5	G 7	R -10	R 5	R 16*	B -4	B 3	B 11	0 -7	0 1
11/82	0 9	G 9	G 14	R -5	R 5	R 10	B -1	B 3	B 13	0 -4	0 1
2/83	0 8	G 2	G 12	R -3							
6/83											

AVE	0 10	G 4	G 9	R -7	R 3	R 9	B -4	B	2	B 9	0 -6	0 0
MP2	0 10	G 4	G 9	R -7	R 3	R 9	B -4	B	2	B 9	0 -6	0 0
+ -2	70%	61.7%	43%	39%	55%	41%	59%	7%	50%	68%		55%
MP3	0 10	G 4	G 9	R -7	R 3	R 9	B -4	B	2	B 9	0 -6	0 0
+ -3	78%	65%	78%	70%	77%	64%	73%	7%	78%	59%	91%	73%
MP4	0 10	G 4	G 9	R -7	R 3	R 9	B -4	B	2	B 9	0 -6	0 0
+ -4	87%	87%	87%	91%	91%	73%	82%	8%	73%	100%	91%	91%
AR	21	23	28	27	22	32	25	21	28	19	24	

TOTALS FOR GOLD

MP2 % = 56
 MP3 % = 73
 MP4 % = 86
 A . R . = 25

[۴] احتمال یا درصد این که این نقطه در آینده با فاصله ۴ روز از نقطه متوسط تکرار شود را نشان می‌دهد. ردیف یکسره تعیین شده با نماد $MP4 -/+$ که درصد این احتمال را برای هر نقطه نشان می‌دهد.

[۵] درجه بندی دقت: نکته بعدی که می‌خواستیم بدانم این بود که

«درجه دقت چیست؟ آیا فاصله متوسط یک نقطه خاص از تاریخ متوسط خودش را درجه دقت می‌گویند؟» ردیف AR (درجه دقت) پاسخ این سؤال را برای هر کدام از نقاط می‌دهد. درجه دقت نقطه چرخش با در نظر گرفتن تعداد دفعات رخ دادن یک نقطه چرخش و محاسبه مقدار مطلق فاصله ایکه آن نقطه چرخش از تاریخ متوسط خودش دارد، به دست می‌آید یعنی تمامی این روزها را باهم دیگر جمع کرده و بر تعداد دفعاتی که نقطه چرخش قبلاً اتفاق افتاده، تقسیم می‌کنیم و عدد به دست آمده را بر ۱۰ ضرب می‌کنیم. نتیجه عملیات یک عدد دو رقمی است. به عنوان مثال درجه دقت نقطه (۱) در نمودار طلا عدد ۲۱ است. به این معنی که فاصله متوسط تمامی نقاط (۱) به اندازه ۲٫۱ روز از تاریخ متوسط خودشان اختلاف دارد.

[۶] درجه دقت بازار کالا (یا سهام): جواب دومین سؤال بالا به تمامی نقاط در سری مربوط می‌شود (در اینجا یازده است) و آن نتیجه تمامی محاسبات بالا برای تمامی بازارهای کالا می‌باشد. درجه دقت MP۲، میانگین MP۲ در تمامی ۱۱ نقاط خواهد بود. عدد به دست آمده برای MP۲ در تحلیل عددی نشان داده شده است. مهم‌ترین نتیجه برای کل سری $AR=25$ می‌باشد. یعنی فاصله متوسط تمامی ۱۱ نقطه در سری به اندازه ۲٫۵ روز از تاریخ متوسط خودشان اختلاف دارد. این نتیجه باعث می‌شود که هر کالا بر اساس یک مقیاس استاندارد نسبت به دقت نسبی آن به کالاهای دیگر ارزیابی کنیم.

در صفحه بعد فهرستی از تمامی ۲۵ بازار کالا را برحسب درجه بندی



دقت AR وجود دارد. در پائین هر ستون میانگین درجه دقت تمامی کالاها برای آن ستون قرار داد. متوسط AR برای تمامی بازارها ۲۷ یا ۲,۷ روز از تاریخ متوسط است. توجه داشته باشید که به عنوان مثال در نمودار طلا، درجه دقت ۲,۵ است، که به میانگین ۲,۷ بسیار نزدیک است. من معتقدم که میانگین ۲,۷ نماینده تمامی بازارها می باشد حتی بازارهایی که ممکن است توسط دلتا و در تایم فریم اینترمدیت حل شود. در این مرحله من تام بری را در کنار خودم داشتم، برنامه‌ای طراحی کرد که فهرستی از نقاط اینترمدیت (تاریخ متوسط) را به صورت بی نهایت از زمان گذشته تا آینده تولید کرد.



فصل چهارم

گروه‌های هم خانواده



یکی از جالب‌ترین چیزهایی که من درباره دلتا یاد گرفتم این است که بازار کالاها یا سهام‌هایی که در گروه‌های هم خانواده هستند، راه حل دلتای یکسانی دارند. این امر نه تنها جالب است، بلکه یکی از اتفاقات فرخنده‌ای است که می‌توانست وجود داشته باشد. من می‌خواهم به این نکته تاکید کنم.

البته همین امر در بازار کالاها نیز صدق می‌کند.

[۱] همه سهام در بازار بورس اوراق بهادار نیویورک در ۶۰ گروه مختلف جای می‌گیرند.

[۲] راه حل دلتای یکی از این گروه‌های سهام برای هر سهمی در آن گروه نیز کاربرد دارد.



این بدان معنی است که اگر ما برای هر یک از ۶۰ گروه از سهام یک راه حل داشته باشیم در این صورت ما برای تمامی سهام در بازار بورس و اوراق بهادار نیویورک راه حل داریم. پس از تحقیقات قابل توجه، من تنها منبع تاریخی دیتا را بر روی گروهی از سهام بازار نیویورک پیدا کردم. به من اطلاع دادند که این اطلاعات فروشی نیستند. با این حال پس از هفته‌ها مذاکره و بستن قرارداد حقوقی و غیره، این اطلاعات را به دست آوردم. من دیتابیس تاریخی را از تمامی ۶۰ گروه بازار بورس به دست آوردم آن هم در فرمتی که می‌تواند در فرمت نهایی کامپایلر شود تا بتواند توسط کامپیوترهای IBM خوانده شود.

من به شما نخواهم گفت که این دیتا چقدر هزینه برده است، اما تا این حد گفتن آن کافی است که من به ماهیت چیزی که آن را خریدم، افتخار کردم. در حال حاضر دو مجموعه از این دیتاها وجود دارد، اما هنوز هم یک منبع دیتا وجود دارد که از آن زمان تاکنون با فروش یا توزیع این دیتابیس موافقت نکرده‌ام. (لطفاً اصرار نفرمایید که بدانید آن منبع کدام است؟)

همانطور که گفتم، راه حل دلتا برای یک گروه هم خانواده همان راه حل برای هر کدام از سهام یا کالای آن گروه است. با این حال، دقت و صحت راه حل دلتای هر سهام یا بازار کالایی در یک گروه می‌تواند با استفاده از راه حل هر سهم یا کالایی در همان گروه و سپس انجام یک تحلیل عددی جداگانه برای هر سهام یا کالایی در آن گروه ارتقا داد.

[۱] حبوبات، کنجاله سویا، روغن سویا

[۲] طلا، نقره و مس



[۳] شاخص بازار سهام

[۴] T-Bonds, T-Bills, Euro-Dollar

[۵] Hogs & Bellies

[6] S-Franc & D-Mark

[۷] گروه پتروشیمی

توجه: هرگونه کالایی که در بخش «گروه خانواده» ذکر نشده است، راه حل منحصر بفرد خودش را دارد.

هر تایم فریم دلتا برای هر سهم یا کالایی راه حل منحصر بفرد دلتای خودش را دارد. به عنوان مثال، تعداد نقاط سری و موقعیت نقطه (۱) در تایم فریم اینترمدیت گروه T-BONDS برای تایم فریم‌های دیگر همین سهم یکسان نخواهد بود. نه برای این سهم و نه برای سهم و یا کالای دیگر مشابه نیست. من حتی یک کالای واحد را در هیچ یک از تایم فریم‌ها ندیده‌ام که راه حل یکسانی با سایر کالاها داشته باشد به جز این که آن دو کالا در گروه هم خانواده و تایم فریم یکسانی باشند.

به عنوان مثال راه حل دلتا برای گروه T-Bonds در تایم فریم ITD نه مشابه تایم فریم MTD خواهد بود و نه مشابه تایم فریم LTD، نه تایم فریم SLTD، نه تایم فریم STD و نه مشابه راه حل هیچ یک از سهام و کالاهای دیگر نخواهد بود. حالا اجازه دهید نگاهی به راه حل‌های اینترمدیت دلتا در سهام مختلف نگاهی بیاندازیم. اما این بار، به جای نگاه کردن به سابقه هفت ساله یک بازار، سابقه یک ساله شش بازار را نگاه خواهیم کرد. موارد ذیل نشان دهنده چهار گروه هم خانواده هستند.



گروه خودرو و جنرال موتورز

شرکت‌های خودروسازی جنرال موتورز و فورد لیدر گروه خودرویی هستند. آن‌ها هر دو راه حل دلتای مشابهی دارند. این مجموعه دارای ۱۰ نقطه چرخش است و نقطه (۱) در هر دو طرف خط رنگی قرار می‌گیرد اما به خط سبز بسیار نزدیک است.

گروه ایرلاین‌ها

شرکت‌های Delta Airlines Incorporated و United Airlines (UAL) لیدر گروه ایرلاین‌ها هستند. راه حل دلتای هر دو یکسان است. این مجموعه دارای ۱۰ نقطه چرخش است و نقطه (۱) دقیقاً بعد از خط سبز می‌آید.

گروه شبکه‌های رادیویی و تلویزیون

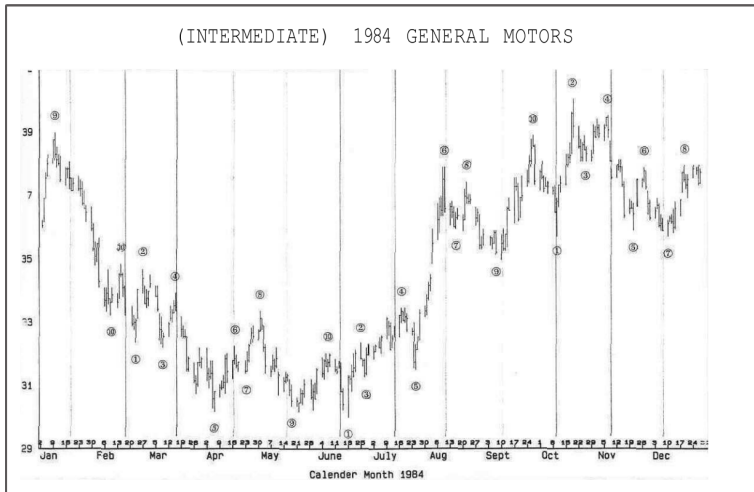
شرکت Columbia و American Broadcasting Company (ABC) لیدر گروه شبکه‌های رادیویی و تلویزیون هستند. راه حل دلتای آن‌ها مشابه یکدیگر است. این مجموعه دارای ۱۰ نقطه چرخش است و نقطه (۱) در هر دو طرف خط رنگی می‌آید ولی به خط نارنجی خیلی نزدیک است.

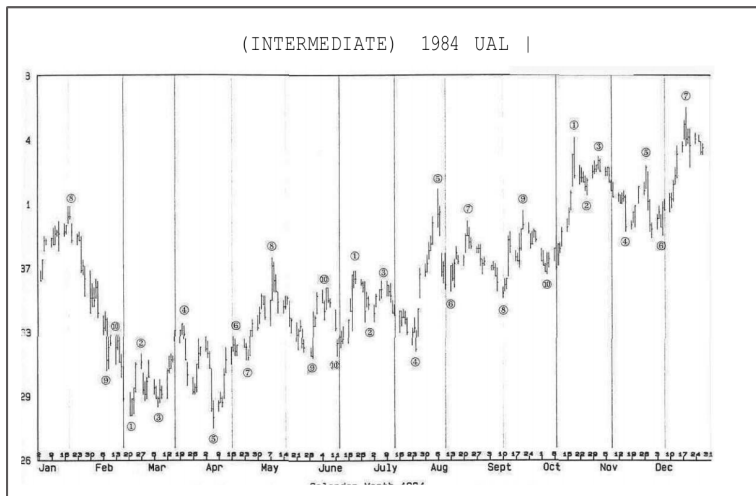
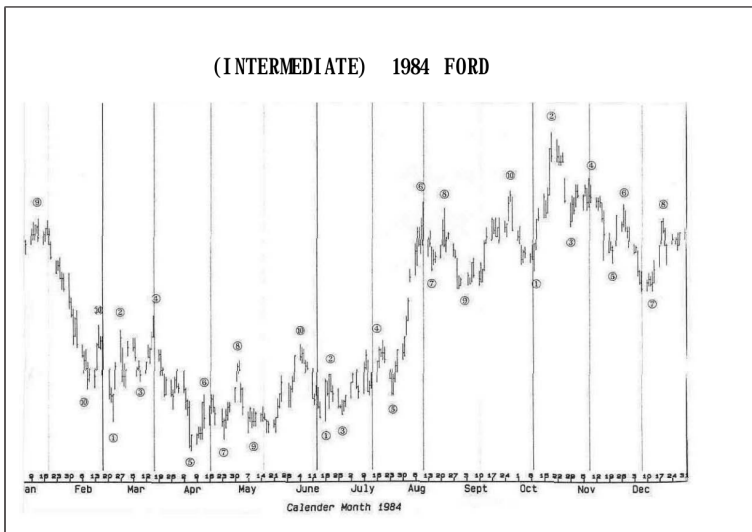
گروه صنایع هوایی

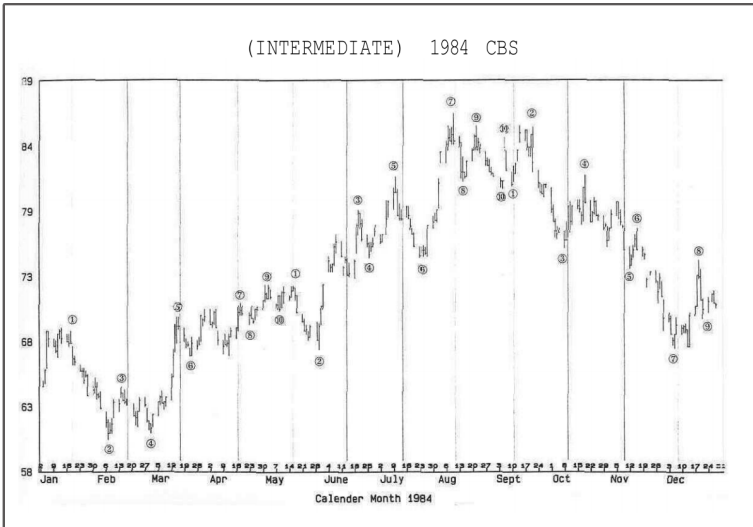
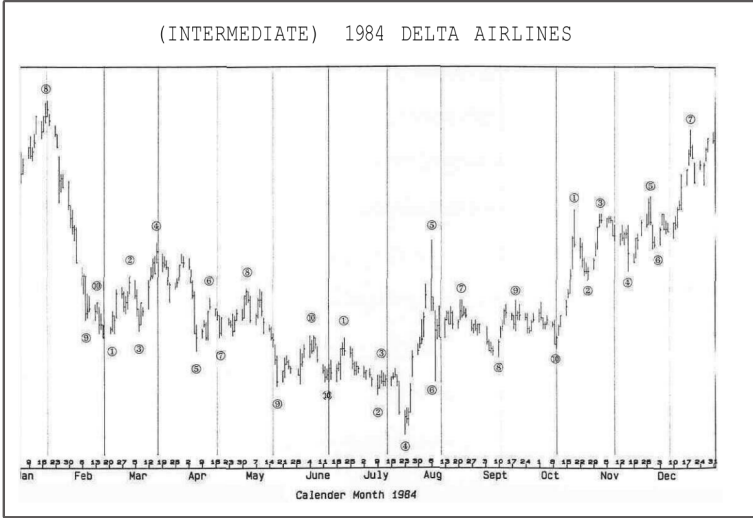
شرکت بوئینگ (BA) لیدر گروه صنایع هوایی است. این مجموعه دارای هشت نقطه است و نقطه (۱) در نزدیکی خط نارنجی می‌آید. بوسیله نمودارهای ذیل، از مطالعاتمان در تایم فریم اینترمدیت نتیجه‌گیری



خواهیم کرد. آیا تعریف ما از ITD را به خاطر دارید؟
 بازارها به صورت مستقیم یا وارونه در هر چهار ماه قمری تکرار می‌شوند.
 تایم فریم بعدی که بررسی خواهد شد تایم فریم متوسطه دلتا یا Medium Term Delta است.







فصل پنجم

تایم فریم متوسط دلتا یا (MTD)



تایم فریم بعدی، تایم فریم متوسطه دلتا یا (MTD) است. جیم یاد گرفت که نیروهای تعاملی بر جزر و مد دریا تأثیر می‌گذارند از این رو زمین از تعامل کامل خورشید ماه و زمین با یکدیگر تأثیر می‌پذیرد و زمین این تعامل را در هر دوازده ماه قمری تکرار می‌کند. دوازده ماه قمری را می‌توان یک سال قمری دانست.

اگرچه جیم واقعاً این تعامل را در نمودارها مطالعه نکرده بود اما مطمئن بود که این تایم فریم یک سری دلتا خواهد بود که همه بازارها در هماهنگی با آن خواهند بود.

وقتی من از جلسه مدیران مدیران دلتا در لندن به خانه برگشتم. من به تام بری نحوه استفاده از برنامه کامپیوتری موجود را یاد دادم که این برنامه کندلهای هفتگی را تولید می‌کرد و نمودار را با چهار خط رنگی پوشش می‌داد.



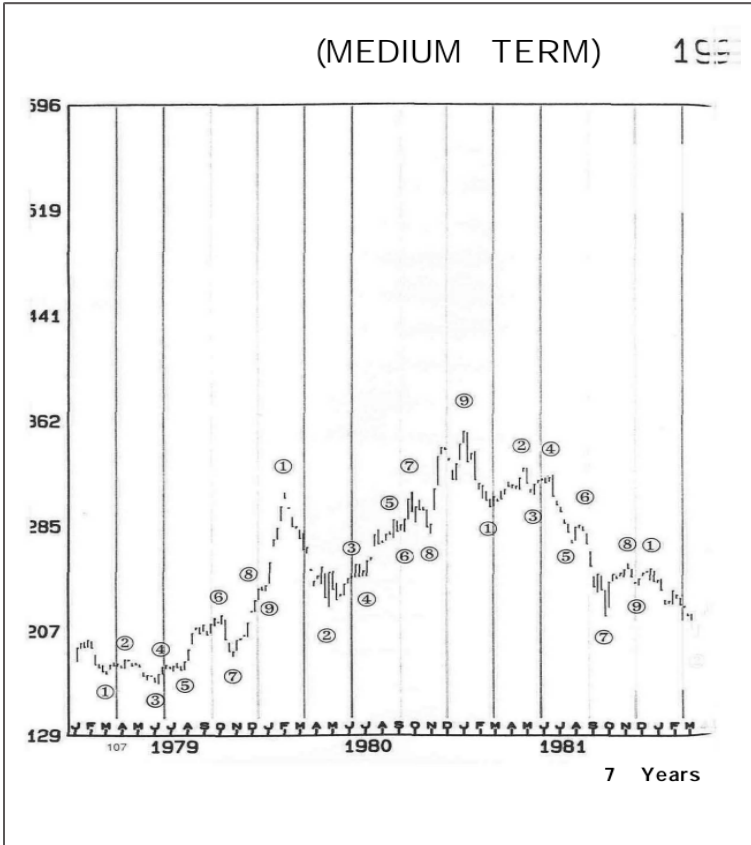
او توانست با هر کدام از چهار خط رنگی در سری شروع کند اما هر کدام از خطوط رنگی در مورخه سومین قرص کامل ماه قرار داشت.

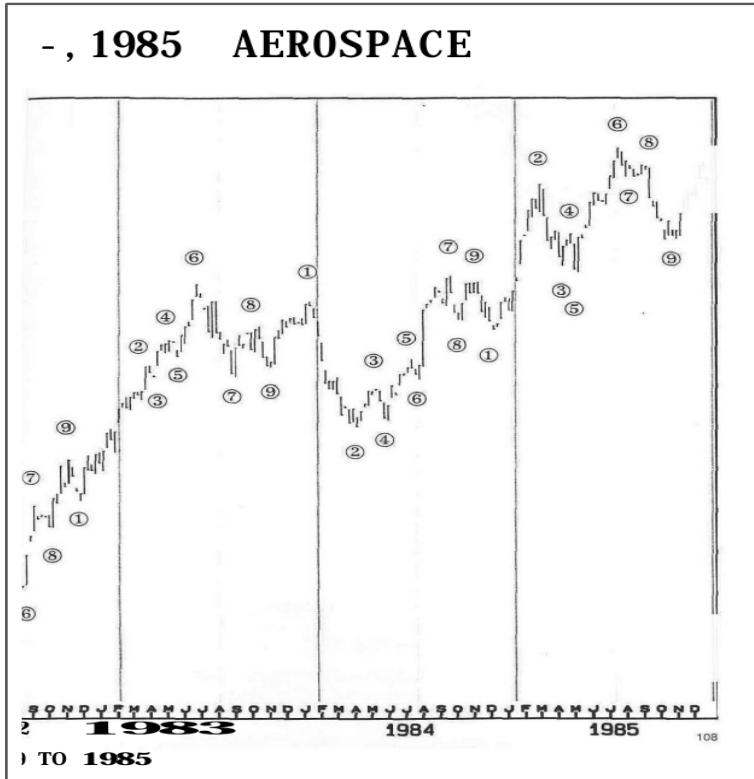
اکنون، به من اجازه دهید تا یک چیز را برای شما روشن کنم و آن این است که هیچ چیز جادویی درباره قرص کامل ماه وجود ندارد. در هر دو تایم فریم اینترمدیت (ITD) و مدیوم (MTD)، فرقی ندارد که خطوط رنگی در قرص کامل ماه باشد یا ماه جدید، سه چهارم ماه یا هر مرحله دیگری از ماه باشد هیچ فرقی ندارد. نکته مهم زمان است. رنگ‌ها باید همیشه در همان نقطه از هر کدام از چرخه ماه قرار گیرند.

ما از تاریخ قرص کامل ماه برای خطوط رنگی استفاده می‌کنیم زیرا آن به راحتی قابل دسترسی است. این تاریخ در اکثر تقویم‌های معمولی وجود دارد. تاریخ ماه کامل را می‌توان از یک تقویم نجومی تا مدت یکصد سال آینده به دست آورد.

اولین نمودار، نمودار هوافضا است که یکی از شصت گروه بازار بورس و اوراق بهادار نیویورک می‌باشد.







راه حل دلتای نشان داده شده در صفحه قبلی مربوط به گروه هوافضا متعلق به بازار بورس و اوراق بهادار نیویورک است. همه شرکت‌های آن گروه همان راه حل MTD را دارند. شایان ذکر است که در این راه حل، وارونگی وجود ندارد. می دانم که چه فکری می‌کنید، اگر هیچ وارونگی وجود ندارد پس چگونه می‌توانید مطمئن شوید که نقطه (۱) را در جی درستی قرار داده‌اید؟ این سؤال بسیار خوبی است. این وضعیت به ندرت اتفاق می‌افتد ولی گاهی اوقات این اتفاق می‌افتد. به عنوان مثال در راه

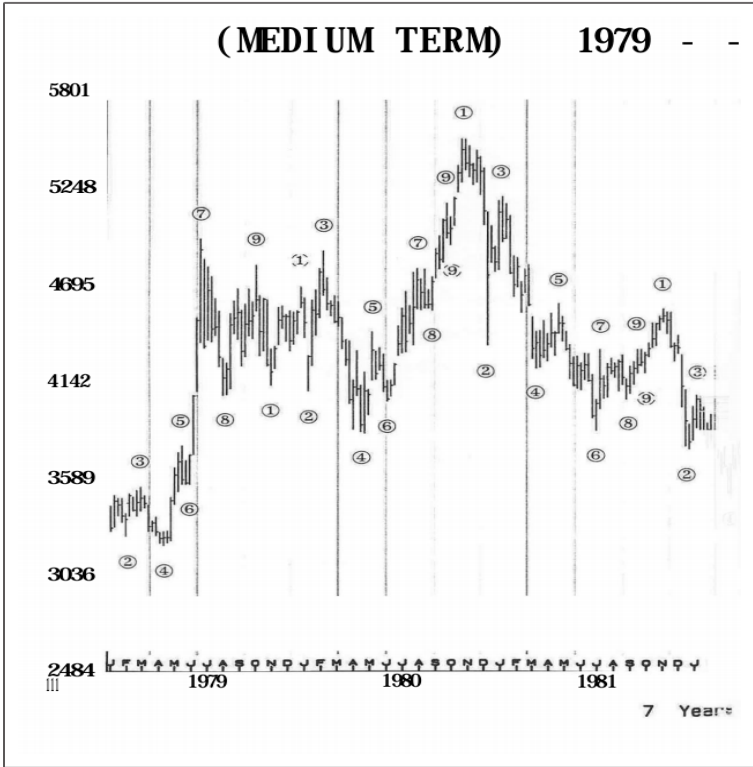


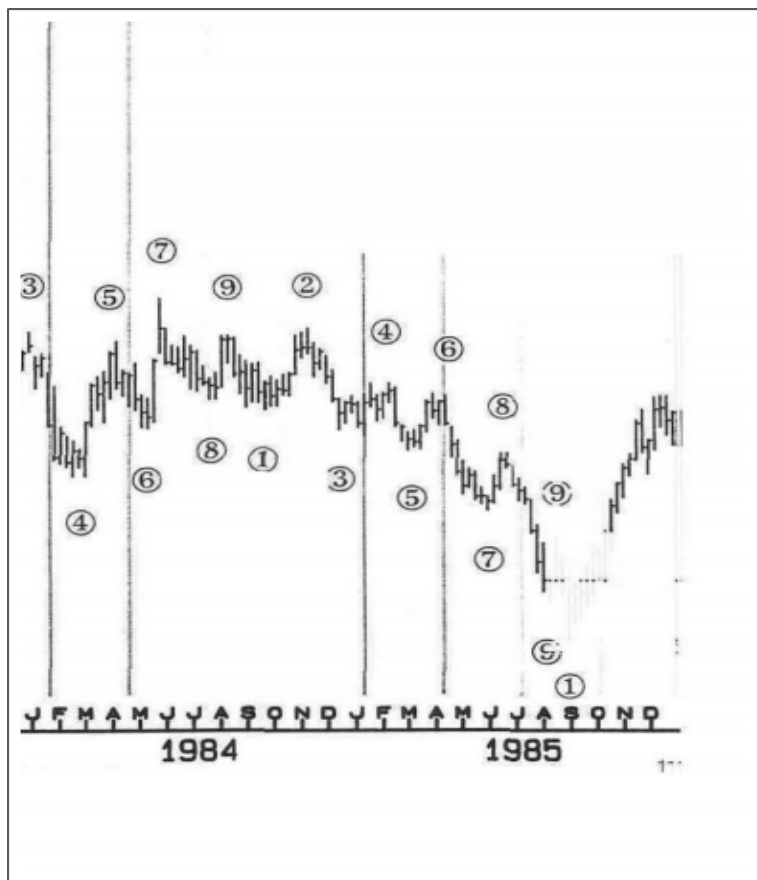
حل LTD برای بازار احشام زنده با استفاده از دیتای سال ۱۹۶۰ تا کنون هیچ وارونگی وجود ندارد. همچنین در راه حل SLTD برای شاخص بازار سهام با استفاده از دیتای سال ۱۷۹۰ تا کنون، حتی یک وارونگی در ۲۰۰ سال گذشته وجود ندارد. با این حال برای پاسخ به این سؤال، تا زمانی که یک وارونگی نداشته باشید، شما نمی‌توانید از راه حل ممکن مطمئن شوید ولی من اعتقادم بر این است که این راه حل به یک دلیل درست است، آن هم به علت حرکت بزرگ در اطراف نقطه (۱) است. هر چند، بر روی آن شرط نمی‌بندم زیرا هیچ یک از کف‌های بزرگ در نقطه (۱) قرار ندارند. اگر هیچ وارونگی وجود نداشته باشد، در این صورت نقطه (۱) را در جای اولین حرکت‌های بزرگ، قرار می‌دهم در غیر این صورت نقطه (۱) را در کف‌های بزرگ قرار می‌دهم. اگر هر دو این شرایط مهیا شوند شما می‌توانید تقریباً مطمئن باشید که راه حل مناسب را دارید. فکر می‌کنم یک اقبال عمومی وجود دارد که ممکن است یک وارونگی در سالهای بعد از ۱۹۸۴ اتفاق بیافتند. به هر حال من می‌خواهم که در این جا به عنوان مثالی از چگونگی به کاربردن راه حل «بدون وارونگی»، به نمودار هوافضا خاتمه دهم. همچنین توجه داشته باشید که در تایم فریم MTD از کندلهای هفتگی استفاده می‌شود. البته در تایم فریم ITD از کندلهای روزانه استفاده می‌شود. نمودار بعدی که در تایم فریم MTD به آن خواهیم پرداخت بازار گندم و به دنبال آن پنبه و کاکائو است. تعدادی وارونگی در نمودارها وجود دارند، بنابراین ما از راه حل خودمان مطمئن هستیم. به سه کف بزرگ قیمتی در نقطه (۱) توجه داشته باشید. همچنین به

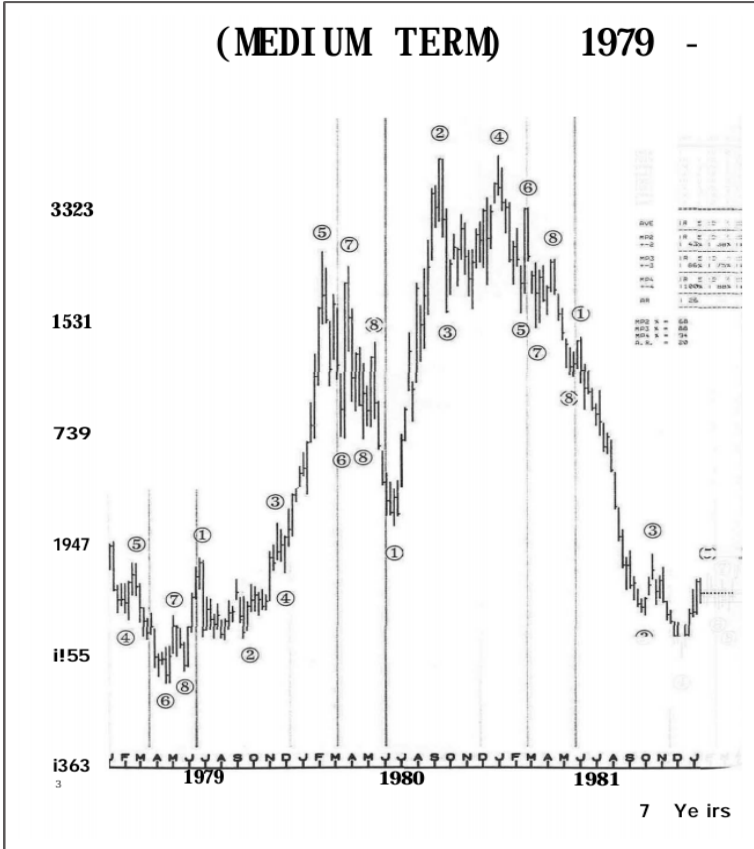


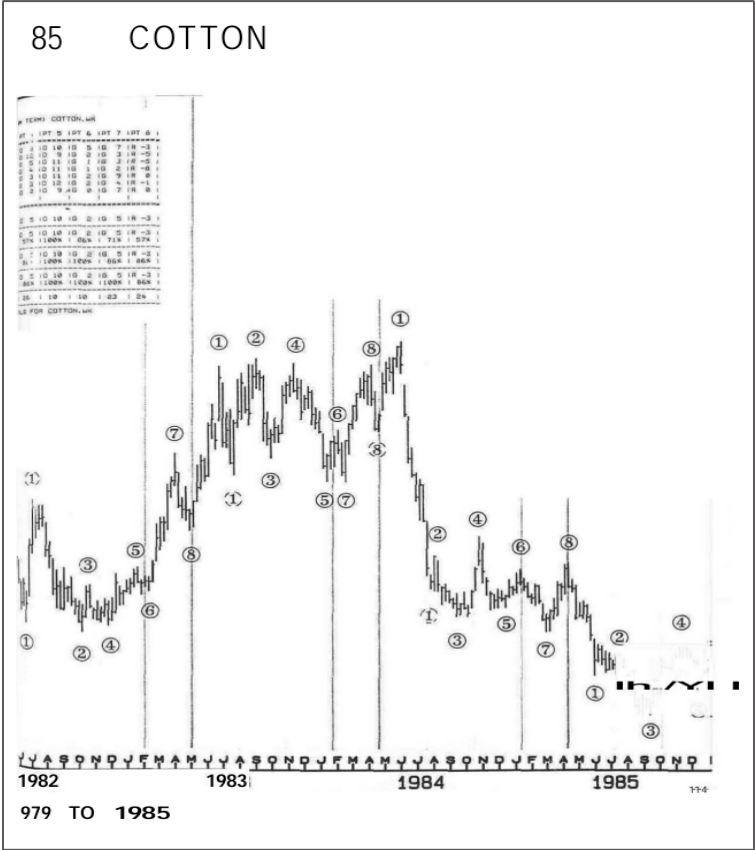
حرکت‌های بزرگ در هر دو طرف نقطه (۱) توجه داشته باشید. تحلیل عددی در تمام نمودارها نشان داده شده است. توجه داشته باشید که درجه دقت برای نمودار گندم (که شامل تمامی نقاط در سری می‌باشد) $AR = 17$ است. این بدان معنی است فاصله متوسط ۱,۷ هفته است زیرا ما با کندلهای هفتگی معامله می‌کنیم. شکل دیگر گفتن آن این است که در نمودار گندم، فاصله متوسط تمامی نقاط در تایم فریم MTD از تاریخ متوسط خودش ۱,۷ هفته اختلاف دارد. همان طوری که قبلاً گفتیم، در حرکت‌های بزرگ، نقاط چرخش تمایل دارند تا در اواخر سری قرار گیرند. در نقاطی که به حرکت‌های بزرگ واکنش نشان می‌دهند، نقاط چرخش تمایل دارند تا در ابتدای سری بیایند. همانطوریکه که در بخش مربوط به معامله باید بدانیم، دانستن این موضوع می‌تواند سرنخی از درجه دقت را به ما بدهد. ما قسمت MTD را با این تعریف نتیجه گیری خواهیم کرد. رفتار بازارها در هر ۱۲ ماه قمری به صورت مستقیم یا وارونه تکرار می‌شود.

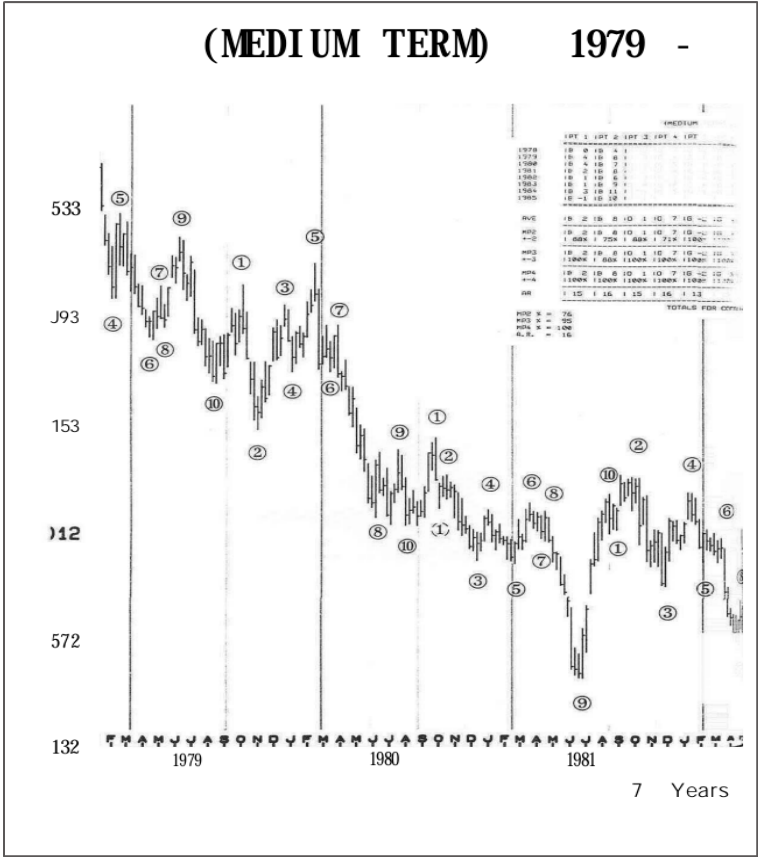


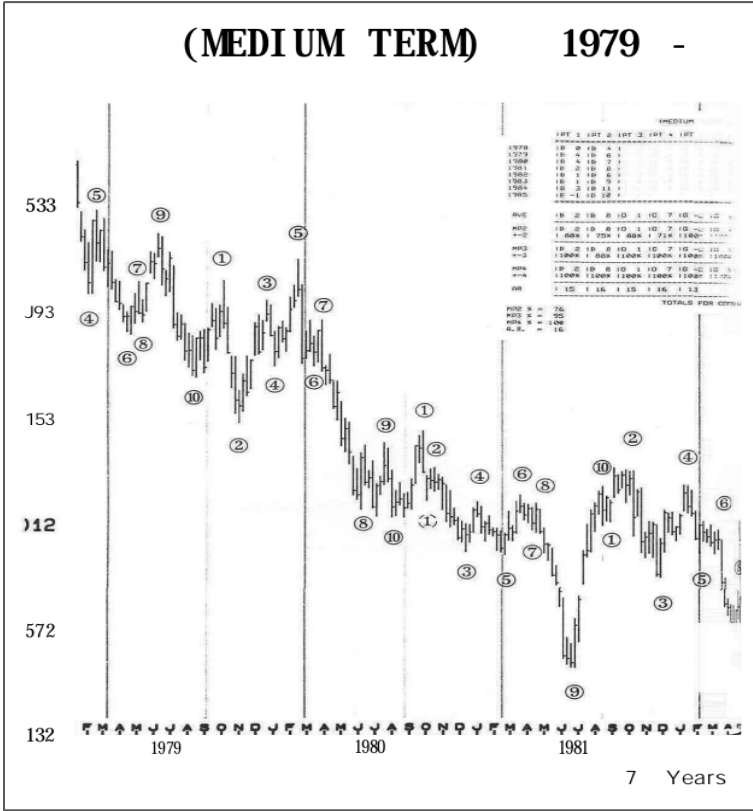














abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



بازنشر:

فصل ششم

تایم فریم دراز مدت دلتا یا (LTD)



من می‌خواهم زمان بیشتری را برای تایم فریم LTD صرف کنم و در این تایم فریم نمودارهای بیشتری از سایر تایم فریم‌ها نشان دهم. دلایل زیادی وجود دارد. نخست این که، اکثر معامله‌گران سهام تنها از تایم فریم LTD استفاده خواهند کرد. گمان می‌کنم به ازای هر یک نفر معامله‌گر کالا تعداد ده نفر معامله‌گر سهام وجود داشته باشد. با این حال فکر می‌کنم حتی تایم فریم LTD نیز به طور متوسط مهم‌ترین تایم فریم برای معامله‌گر کالا است.

تایم فریم LTD به معامله‌گر در هر بازاری که در آن معامله می‌نماید چشم انداز بلند مدتی را می‌دهد. بنابراین تایم فریم LTD موقعیتی برای شروع است. این تایم فریم جهتی را که در آن باید معامله کنید را به شما می‌گوید. من معتقدم زمانی که معامله‌گر از نمودارهای هفتگی تایم فریم



LTD استفاده نماید دورنمای این تایم فریم بیشترین سود را هم در بازار معاملات آتی و هم در معاملات سهام تولید خواهد کرد.

معامله گری که نقاط چرخش LTD را در نمودار هفتگی خود نشان داده است می تواند نمودار خود را در تعطیلات آخر هفته با استفاده از اطلاعات «بارون» بروز رسانی کند، تصمیم خود را برای معامله گرفته، سفارشات خود را به کارگزاری ارسال کرده و همه چیز را درباره بازار تا آخر هفته فراموش کند.

معامله گرانی که هفته ای یک بار به نمودار هفتگی خود نگاه می کنند توسط نوسانات روزانه، شایعات و نیروهای مداوم ناشی از ترس و طمع نمی ترسند که این ترس مانع از پایبندی معامله گران به استراتژی خودشان می شود.

در یک کلام من فکر می کنم، این تعجب آور است که هیچ کس تایم فریم LTD را کشف نکرده است. این تایم فریم بسیار ساده است.

رفتار بازارها هر چهار سال یک بار به طور مستقیم و یا وارونه تکرار می شود. (هر چهار بار چرخش زمین به دور خورشید)

یکی از چیزهایی که من متوجه شدم این است که بیشتر راه حل های LTD تعداد فردی از نقاط چرخش در سری دارند. این عدد فرد برای پنهان کردن نظم پنهان بازارها کمک می کند زیرا هر یک از نقاط چرخش از یک نقطه حداکثری به نقطه حداقلی در هر سری جدید تبدیل می شود. به عنوان مثال، اگر وارونگی وجود نداشت، نقطه (۵) یک نقطه حداکثری در سری فعلی بود، در سری بعدی یک نقطه حداقلی بود.



اگر تعداد زوجی از نقاط چرخش در سری وجود داشت و نقطه (۵) نقطه حداکثری در سری فعلی بود تا زمانی یک وارونگی وجود داشته باشد، آن نقطه چرخش یک نقطه حداکثری در سری های بعدی نیز خواهد بود.

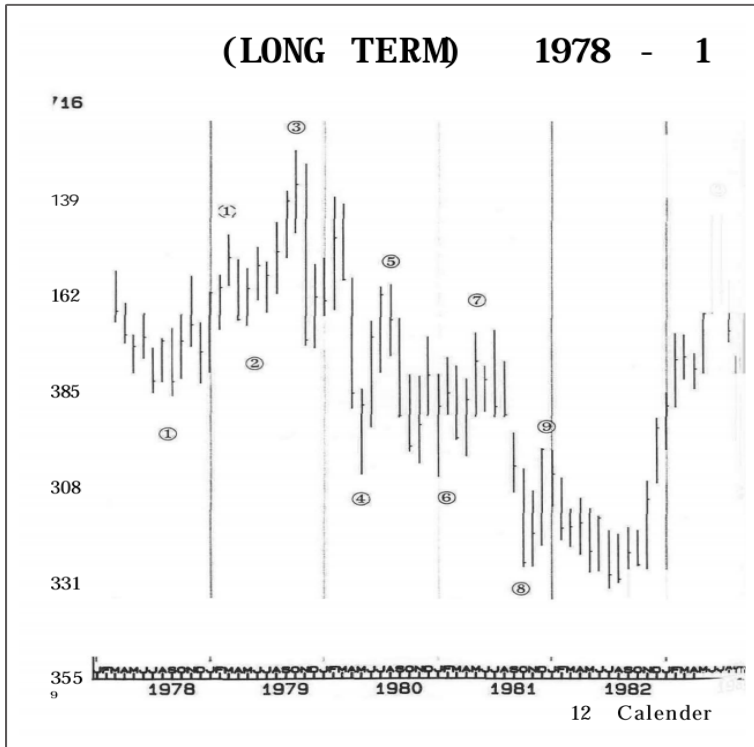
حالا در اینجا، چه چیزی خیلی شگفت انگیز است. پربیننده ترین بازار جهان، بازار بورس و اوراق بهادار نیویورک است. این بازار تنها شش نقطه چرخش دارد و در طی ۵۰ سال حتی یک وارونگی نداشته است. به این فکر کنید که در طی ۵۰ سال گذشته نقاط چرخش بازار بورس نیویورک یک عدد زوج و فقط شش است و وارونگی ندارد. با این حال به جز جیم اسلومان هیچ کس این نظم را ندیده است. آسان ترین چیزی که ناظران بازار، موفق به مشاهده دلتا شدند این است که آن ها چرخه چهارساله را در بازار تشخیص دادند.

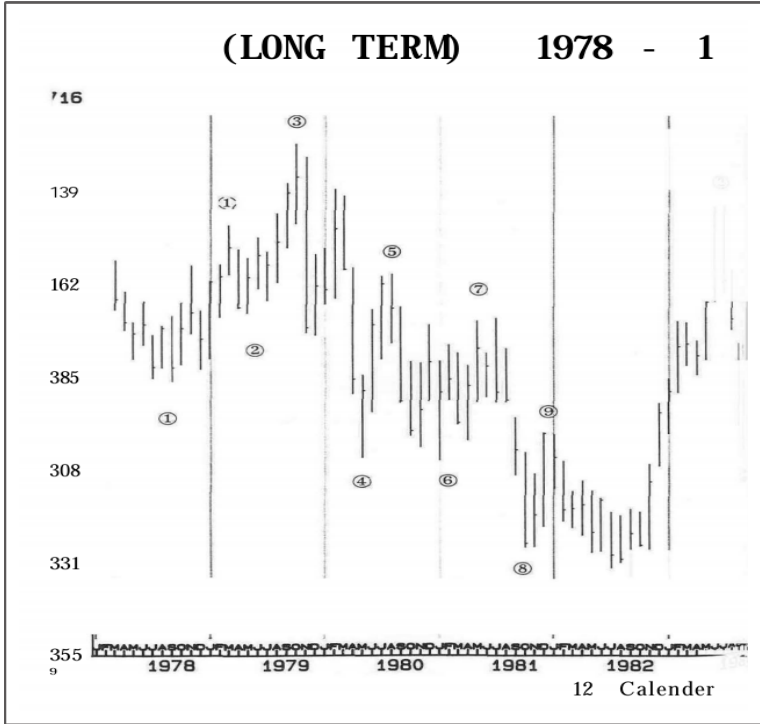
ما همچنین باید این چرخه چهارساله را در بازار سهام نیویورک ببینیم (همچنین بازار طلا) که در داخل هر راه حل LTD یک راه حل دیگر LTD وجود دارد؛ با این حال ما بعداً به آن خواهیم پرداخت.

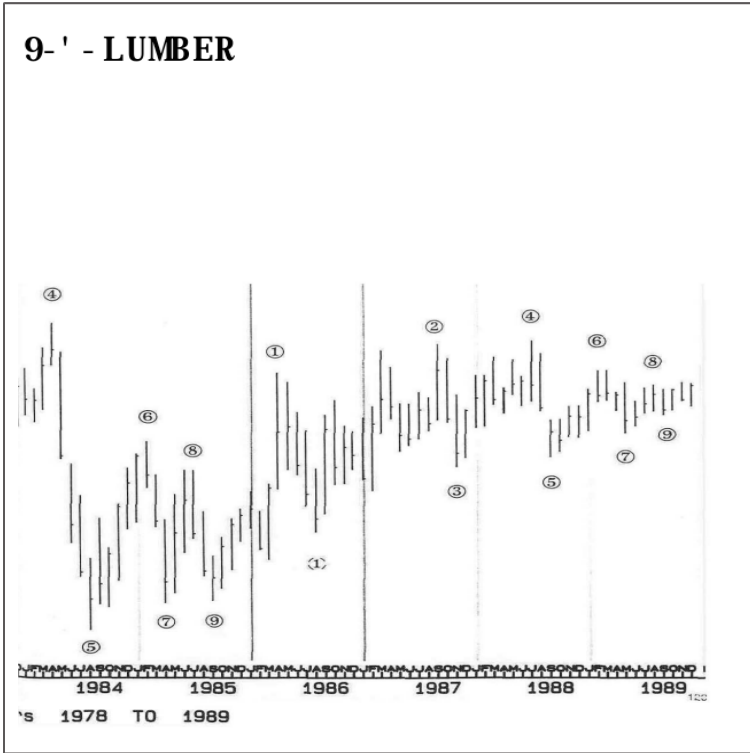
هم اکنون اجازه دهید تا به تعدادی از نمودارها نگاهی بیندازیم. برای حل تایم فریم LTD من از هر دو نمودار ماهانه و هفتگی استفاده کردم. برای بازارهایی که نقاط چرخش کمتری در این سری دارند، نمودار ماهانه ممکن است یک تصویر واضح تر نمایش دهد. برای بازارهای با تعداد زیاد نقاط چرخش، من ترجیح می دهم از نمودار هفتگی استفاده کنم.

در ابتدا اجازه دهید به نمودار الوار چوب نگاهی بیندازیم که اغلب یک نمودار دلخواه برای نرخ بهره است.









بازار الوار تنها نه نقطه چرخش در سری دارد. از آنجا که یک سری به مدت چهار سال طول می‌کشد پس یعنی زمان متوسط بین دو نقطه چرخش پنج ماه است. یک چیزی که شما بدون شک درباره نقاط چرخش دلتا قبول خواهید کرد این است که آن‌ها نامنظم هستند. یعنی فاصله بین دو نقاط چرخش ممکن است بسیار متفاوت باشد. به عنوان مثال، نمودار الوار تعدادی نقاط چرخش دارد که تنها چند ماه از هم دور هستند و برخی دیگر از نقاط چرخش ۱۲ ماه از یکدیگر فاصله دارند. به همین دلیل است که نقاط چرخش دلتا را به معنای واقعی کلمه

به صورت دورای مطرح نمی‌کنم... زیرا نقاط در این سری چرخه منظمی ندارند. من درک می‌کنم که پایه و اساس مطالعه چرخه، تنها چرخه منظم را در تعریف خود از چرخه می‌پذیرد. با این حال، تایم فریم‌های اساسی دلتا، البته، با چرخه‌های منظم تعریف شده‌اند.

با این حال به بحث قبلی خود درباره نمودار الوار چوب بر می‌گردیم، ممکن است بگویید دقت نمودار ماهانه کالاها (سهام) از نمودار هفتگی آن‌ها کمتر باشد زیرا نمودار هفتگی دو یا سه برابر تعداد نقاط چرخش بیشتری از نمودار ماهانه دارد.

دقت چیز نسبی است. در واقع دقت نسبی نمودار ماهانه کالا (سهام) به همان اندازه دقت نمودار ماهانه این کالاها است. برای مثال، درجه متوسط دقت بازار الوار یک ماه یا $4/3$ هفته است. فاصله متوسط بین نقاط چرخش دلتا شش ماه یا $25/8$ هفته است. ضریب مدت زمان متوسط برای نقطه‌ای که اتفاق می‌افتد ($4/3$ هفته است) نسبت به فاصله بین نقاط ($25/8$ هفته) $4/3$ است که تقسیم بر $25/8$ ، مساوی عدد $1/66$ می‌شود.

حالا فرض کنید که درجه دقت برای کالای دیگر (یا سهام) دو هفته است و فاصله متوسط بین نقاط چرخش دلتا سه ماه است ($12/9$ هفته). باز هم تقسیم کردن درجه دقت بر فاصله متوسط ($2:12/9$) مساوی عدد $1/55$ است. بنابراین، حتی اگر درجه دقت ماهانه در حدود دو برابر درجه دقت هفتگی باشد، باز هم دقت نسبی برابر است. حالا اجازه دهید به دو نمودار هفتگی LTD نگاهی بیندازیم. برای اولین بار ارزشهای خارجی، مثلاً

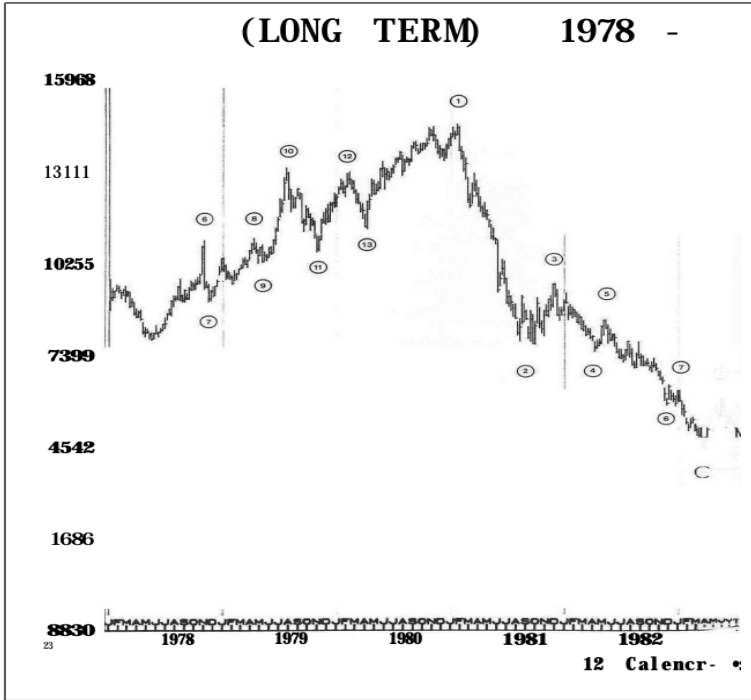


پوند را بررسی می‌کنیم. سپس از خانواده نفت (نفت خام، گاز طبیعی، بنزین و غیره) شروع می‌کنیم. اجازه دهید به پرسابقه ترین بازار معاملات آتی آمریکا که داد و ستد می‌شد، یعنی نفت سیاه نگاهی بیندازیم.

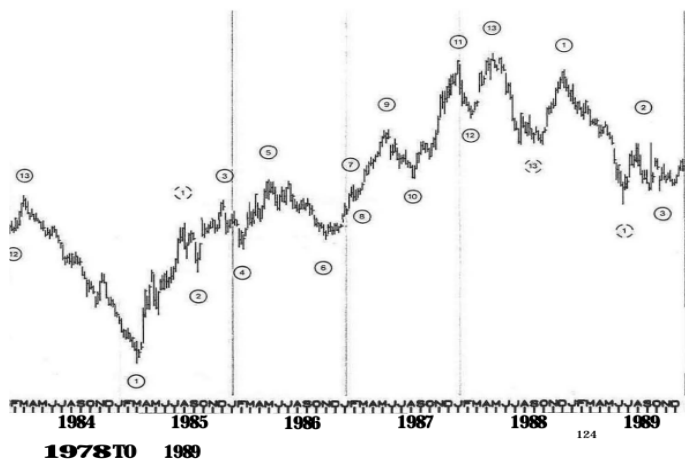
وقتی که نمودار را نگاه می‌کنید یک چیز را به خاطر داشته باشید. همانطوریکه بیان شد، موقعیت خطوط رنگی قراردادی است. مهم نیست که خطوط رنگی در اولین روز سال بیاید یا در سه ماهه دوم سال، در نقطه اعتدال شب و روز یا هر تاریخ دیگری بیاید. مهم این است که فاصله بین خطوط دقیقاً یک سال است. ما به دلخواه خودمان تصمیم گرفتیم تا خطوط را در اولین روز از سال قرار دهیم.

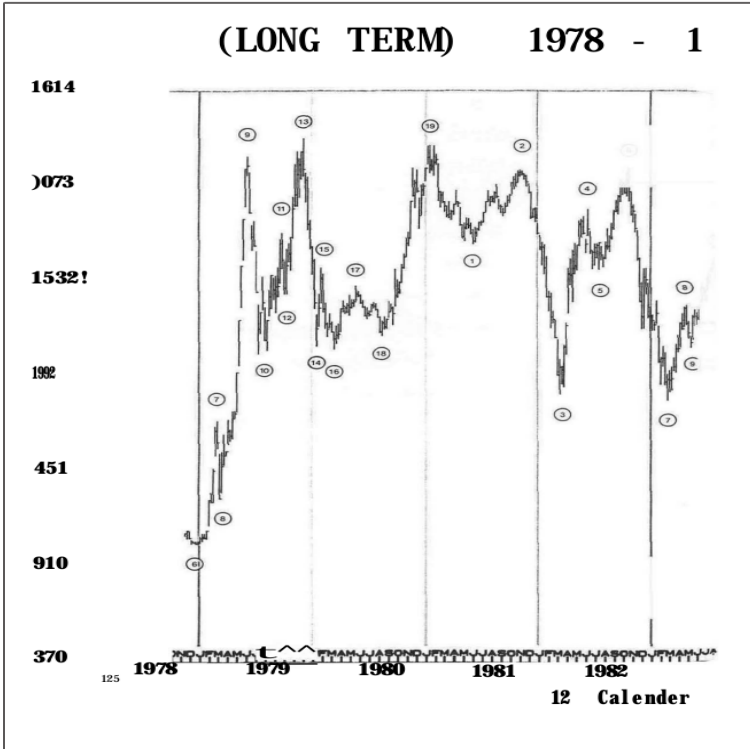
در این مورد، جای نگرانی وجود ندارد که نقطه‌ای در یک سری در یک طرف خط رنگی بیاید و در سری بعدی در سمت دیگر خط رنگی قرار گیرد. محل قرارگیری خط رنگی مهم نیست، بلکه درجه دقت نقاط، فاصله متوسط نقطه از موقعیت نقطه متوسط مهم است. به طور معمول، به یک چیز بسیار مهم درباره دلتا توجه داشته باشید و آن این که، حرکت‌های بزرگ در هر دو طرف نقطه (۱) اتفاق می‌افتند.

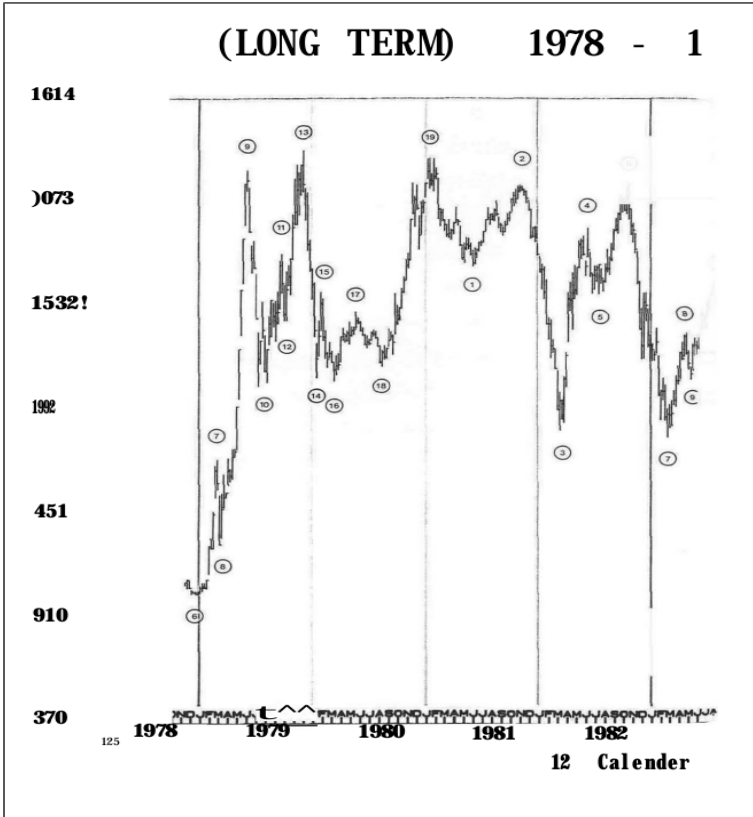




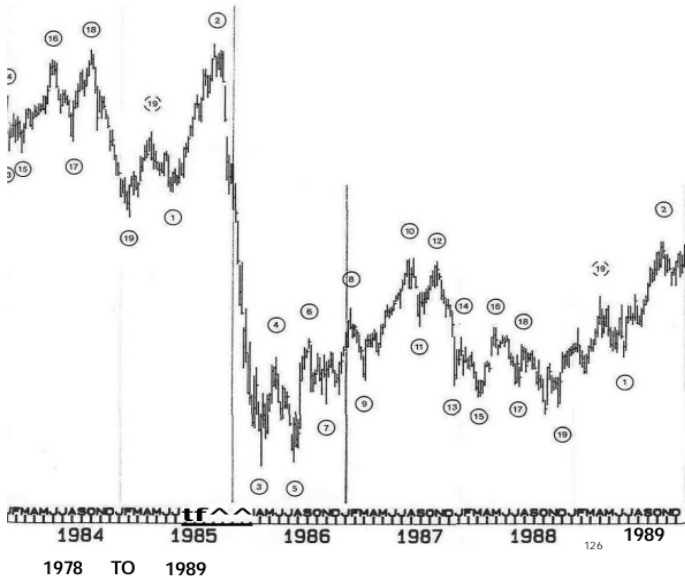
3, . BRITISH POUND







19 N.Y. HEATING OIL #2



پس از آن، ما به بعضی از گروه‌های سهام نگاه می‌کنیم، دیتابیس من برای همه گروه‌های سهام از یکم ژانویه سال ۱۹۷۷ شروع شده و تا پایان سال ۱۹۹۰ ادامه می‌یابد. که در مجموع ۱۴ سال است. به این معنا که، این نهایت مدت زمانی است که پایگاه داده‌ام ذخیره می‌نماید. یک سؤال مناسب در این زمان می‌تواند این باشد: برای این که از یک راه حل دلتا مطمئن شوید، داشتن چند سال از اطلاعات لازم است؟



راه حل های ITD اصلی تنها شامل دو سری بود. تمامی راه حل های دیگر معطل مانده بودند تا زمانی که دیتای بازار به بیش از هشت سال و ۲۴ سری ادامه یافت. در یک سری، وجود نقاط چرخش اضافی در سری تأیید شد. همچنین در هر سری یک وارونگی وجود داشت. این نشان می دهد که تنها با دو سری و یک وارونگی می توان راه حل درست را پیدا کرد.

با این حال، سؤال دیگری وجود دارد که مربوط به تعداد سری های در نظر گرفته شده است. سؤال این است «برای تعیین دقیق نقطه متوسط چه تعداد سری نیاز دارید؟» به عبارت دیگر چند تکرار از یک نقطه چرخش خاص لازم است تا مطمئن شوید که اگر بعداً تکرار نقاط بیشتری به سری اضافه شود نقطه متوسط تغییر نخواهد کرد؟

بر اساس تحلیل من از صدها نمودار در تمامی تایم فریم ها، می خواهم به شما بگویم که اگر ده تکرار از یک نقطه (در ده سری) داشتید در این صورت نقطه متوسط تقریباً حل نخواهد شد. من می خواهم بگویم که هر تعداد تکرارهای اضافی (یا تکرار سری ها) باشد، نقطه متوسط بیشتر از یک واحد افزایش، حرکت نخواهد کرد. یک واحد افزایش در تایم فریم اینترمدیت می تواند یک روز باشد. یک واحد افزایش برای تایم فریم مدیوم یا لانگ ترم (هفتگی) می تواند یک هفته باشد.

به عنوان مثال، نقطه متوسط در تایم فریم ITD بر اساس اطلاعات موجود از ابتدای سال ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۳ بود. این اطلاعات ۸ سال یا ۲۴ سری بود. تاریخ نقاط چرخشی که ما امروز در سال ۱۹۹۱ استفاده می کنیم به طور کامل بر روی داده هایی استوار است که در سال ۱۹۸۳ به پایان رسیده

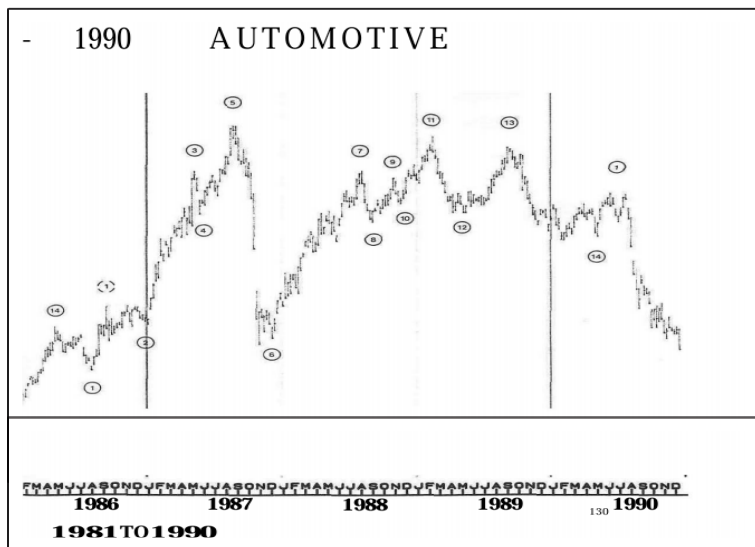
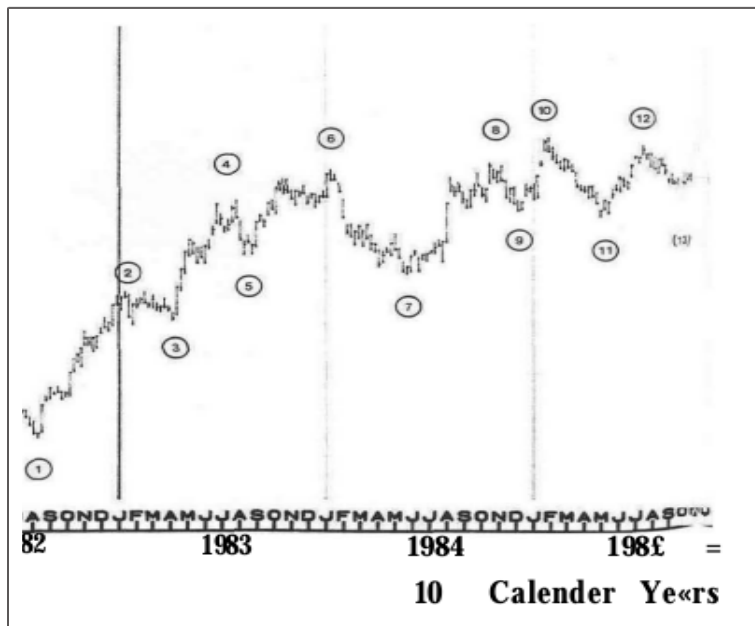


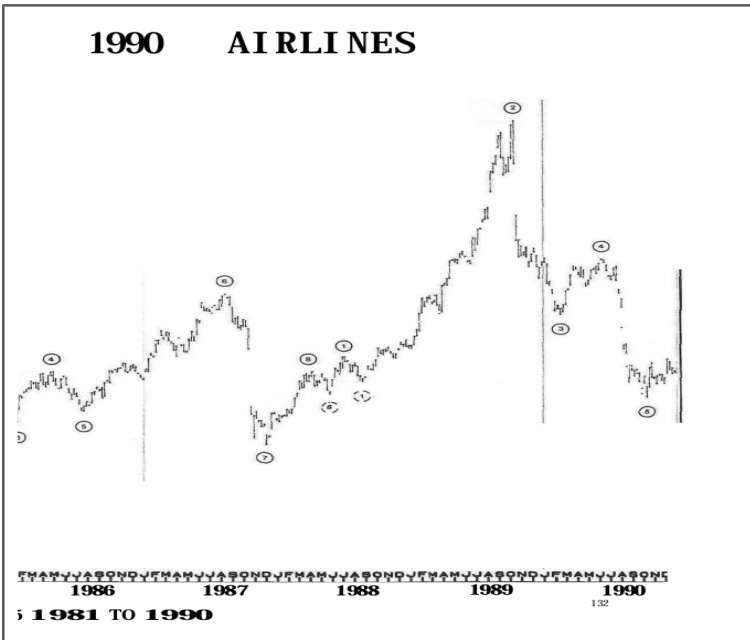
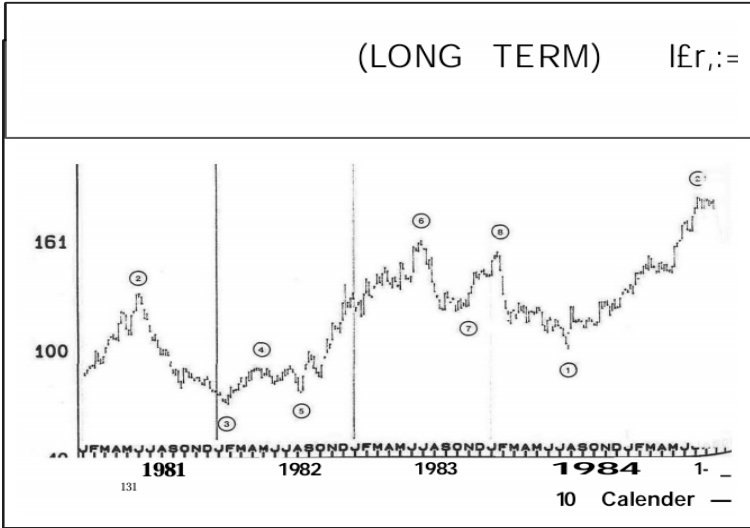
بود. دقت نقاط چرخش سال ۱۹۹۱ به اندازه دقت سال ۱۹۸۳ بودند. مثال دیگر: یکی از مدیران دلتا دیتای روزانه بازار سهام را به مدت یک دوره از سال ۱۹۳۰ به این طرف به دست آورد. او بازار مورد نظر را در تایم فریم ITD حل کرد. این همان راه حل دقیقی است که هر یک از ما امروزه از آن استفاده می‌کنیم. اگر درست به خاطر داشته باشیم، تنها یک یا دو روز از نقطه متوسط اختلاف داشتند و از راه حل ۱۹۸۳ تنها یک روز فرق داشتند. با استفاده از شکلی من شامل ۱۰ سری به عنوان یک پایگاه مناسب برای تعیین تاریخ نقطه متوسط، روشن است که دیتای مورد نیاز برای تایم فریم LTD مدت ۴۰ سال خواهد بود. از آنجا که ما دیتای سالهای گذشته را برای اکثر بازارها نداریم، ما باید اضافه کردن دیتای جدید را به راه حل خودمان ادامه دهیم تا زمانی که در مجموع ده سری داشته باشیم و پس از آن تاریخ نقطه متوسط را دوباره محاسبه کنیم.

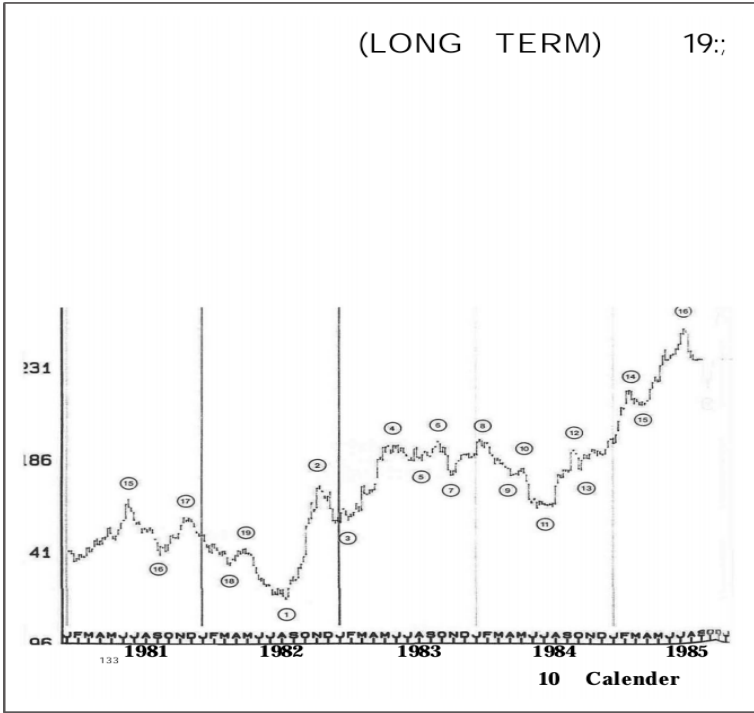
همان‌طور که قبلاً گفتیم برای سهام هم خانواده، تمام دیتای موجود در دسترس ۱۴ سال است. این دیتا به ما ۳ و نیم سری می‌دهد. با این تعداد سری، نقاط چرخش دلتا هنوز مشخص نشده است با این حال به اعتقاد من این امر می‌تواند برای هر نقطه‌ای که در خارج از دامنه ۱۰۰٪ فعلی سقوط کرده است یک اتفاق نادر باشد.

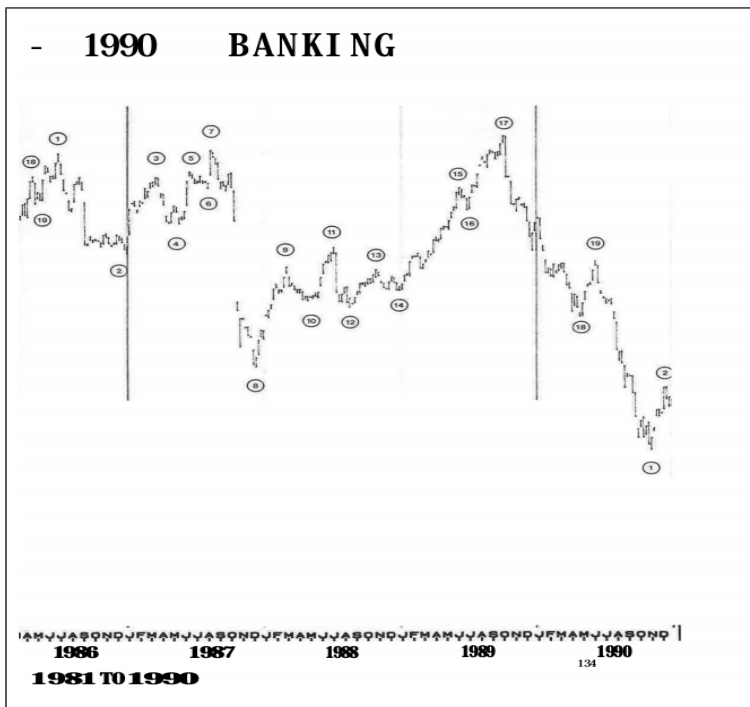
حالا اجازه دهید تا به گروه‌های هم خانواده با عناوین روبرو نگاهی بیندازیم: خودرو، هواپیمایی، بانکداری، صنعت نفت و بازاریابی. با توجه به کمبود وقت و حوصله شما، برای هر کدام از گروه‌ها یک نمودار از یک دوره ۱۰ ساله نشان خواهیم داد که شامل حداقل یک وارونگی باشد.

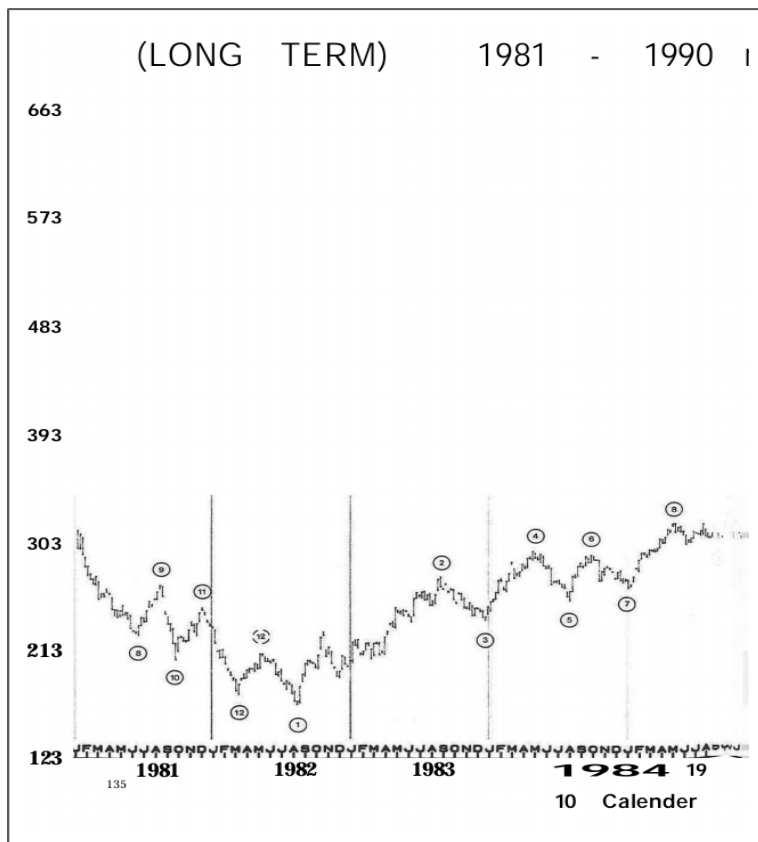


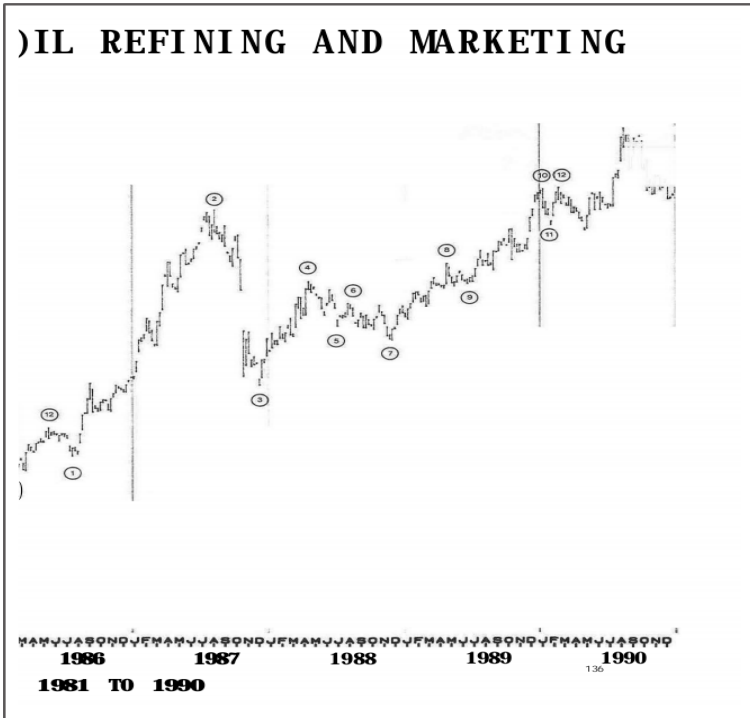












زمانی که برای اولین بار تحلیل تایم فریم LTD را برای بازار شروع کردم، مشابه تحلیل عددی ITD را در تایم فریم LTD استفاده کردم. در ذیل تحلیل عددی پوند بریتانیا وجود دارد.



B-POUND MK

	PT 1	JPT 2	PT 3	JPT 4	JPT 5	PT 6	PT 7	PT 8	PT 9	PT10	JPT11	PT12	JPT13
1972					G 21	R 0	R 11	R 21	R24	B-10	JB -6 B	2	B 12
1976	0 -7	G -7	G -3	G 6	G 21	R -8	R -5	R 16	R 20	B-22	B -8 B	7	B 14
1980	0 -8	JG-13	G -4	G 5	G 19	R -4	R 2	R 14	E 99	B-19	JB-10 B	5	B 10
AVE	0 -8	JG-10	G -4	JG 11	G 20	R -4	R 3	R 17	R 22	B-11	JB -8	B 5	B 12
HP2	0 -8	JG-10	G -4	G 11	G 20	R -4	R 3	R 17	R 22	B-17	B -8 B	5	JB 12
•H2	100!	J100!	100!	100!	100!	33!	33!	33!	100!	33!	100!	67!	1 100!
HP3	0 -8	JG-10	G -4	G 11	G 20	R -4	R 3	R 17	R22	B-17	JB -8 B	5	B 12
+3	100!	J100!	100!	100!	100!	33!	33!	67!	100!	33!	J100!	100!	J100!
HP4	0 -8	JG-10	G -4	G 11	G 20	R -4	R 3	R 17	R 22	B-17	JB -8 JB	5	B 12
•H4	100!	J100!	100!	50!	100!	100!	33!	100!	100!	33!	J100!	J100!	100!
AK	5	1 30	5	45	10	27	57	27	13	47	13	j 17	I 13

TOTALS FOR B-POUND.MK

HP2 ! = 61

MP3 ! = 74

HP4 I = 57

A - R - = 24

RANGE: -8 -13 -4 6 19 -8 -5 14 20 -22 -10 2 10
-7 -7 -3 15 21 0 11 21 24 -10 -6 1 14

STDEV: -8 -12 -4 7 20 -7 -3 15 21 -22 -9 4 11
-8 -8 -4 15 20 -1 9 19 23 -12 -7 6 13

این نوع تحلیل خیلی مفید نبود زیرا بسیاری از درصدها برای MP۲، MP۳ و MP۴ برابر ۱۰۰٪ بود. بعد از اینکه این تحلیل عددی را برای یک زمان در نظر گرفتیم، آنچه که من می خواستم بدانم به ذهنم خطور کرد این بود که چه زمانی منتظر اتفاق افتادن نقطه چرخش باشیم. به عبارت دیگر، محدوده زمانی که در آن نقطه به احتمال زیاد چرخش اتفاق می افتد را مشخص کنم. کاملاً واضح است که اولین چیزی که من می خواستم بدانم



دامنه ۱۰۰٪ این محدوده بود. این دامنه اولین و آخرین تاریخ هر یک از رخدادهای نقطه مخصوصی خواهد بود. بدیهی است، هنگامی که تعداد سری‌ها افزایش یافت، محدوده ۱۰۰٪ زمانی معنی دار تر شد.

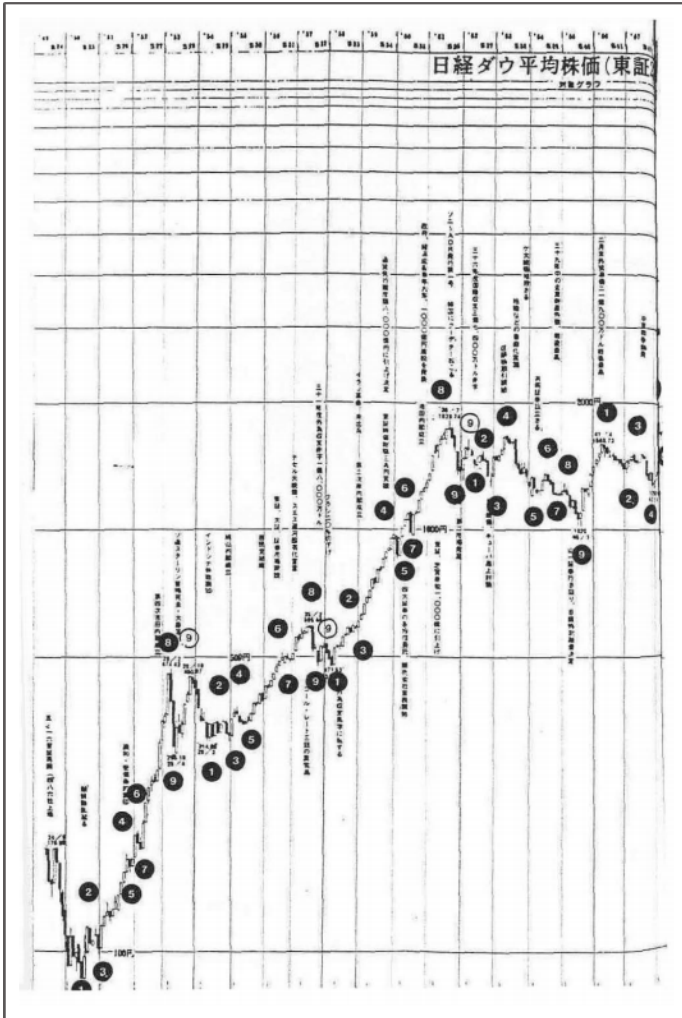
ایده بعدی من این بود که محدوده‌ای را مشخص کنم که بیشتر نقاط چرخش دلتا در آن محدوده اتفاق خواهند افتاد، خوشبختانه یک تابع آماری وجود داشت که این کار انجام می‌داد. این تابع "انحراف استاندارد" نامیده می‌شد. من وارد ریاضیات نمی‌شوم و به سادگی می‌گویم که تابع انحراف استاندارد، محدوده است که انتظار می‌رود تقریباً $2/3$ نقاط چرخش آینده در آن محدوده اتفاق بیافتند. چنانچه نقاط بیشتری به منبع اساسی اضافه شود این محدوده دقیق‌تر نیز می‌شود. در زیر نمونه‌ای از اطلاعات داده شده برای هر یک از نقاط چرخش تایم فریم LTD آورده شده است. تاریخ داده شده چهارشنبه است.

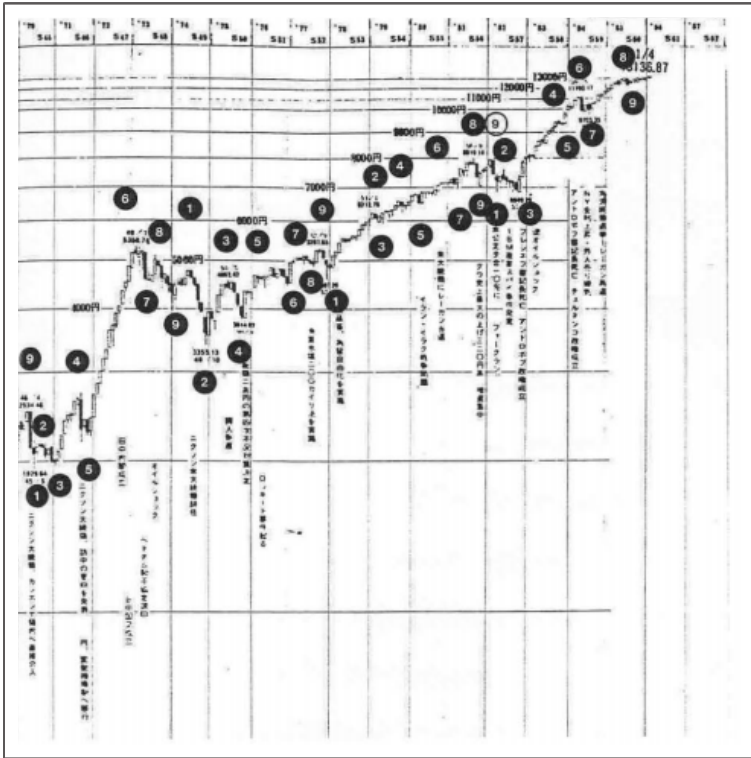
تاریخ نقطه چرخش انحراف استاندارد دامنه ۱۰۰٪

۱۹۹۱/۱/۱۶ تا ۱۹۹۱/۱/۲۳ الی ۱۹۹۱/۱/۹ ۱۹۹۱/۱/۲ الی ۱۹۹۱/۱/۳۰
 نمودار بعدی LTD یکی از نمودارهایی بود که برایم خیلی جالب بود و فکر می‌کنم برای شما نیز جالب خواهد بود. در اواخر سال ۱۹۷۸ و بعد از سقوط بازار، علاقه بسیاری به بازار بورس ژاپن به نام نیکی داوجونز وجود داشت. من قادر به پیگیری کردن نمودار بلند مدت بازار نیکی نبودم بنابراین من از تمامی اعضای دلتا دعوت کردم تا برای تعیین موقعیت نقاط چرخش در بازار نیکی تلاش کنند. یکی از خلاق‌ترین اعضایمان نمودار ذیل را برای فرستاد. این نمودار تنها نموداری است که سابقه آن به ابتدای سال ۱۹۴۹



بر می‌گردد و من آن را دیده‌ام. او همچنین نمودار چند سال گذشته را فرستاد که وضعیت بازار را بین سالهای ۱۹۸۲ الی ۱۹۸۷ نشان می‌داد. تنها اعداد یک سرخ می‌داد که بازار به کدام سمت می‌رود.





اگر من داده‌های گروه‌های هم خانواده بازار سهام نیکی را داشتم، مطمئن هستم تحلیل دلتا برای این بازار به سادگی گروه‌های هم خانواده بازار NYSE خواهند بود. تعجب آور است که راه حل یک گروه کلی بازار به دقت راه حل گروه‌های انفرادی بازار نیست. در واقع هنگامی که واقعاً درباره آن فکر می‌کنید، تعجب آور است که بازار به طور کلی، از گروه‌های هم خانواده متفاوت بسیاری تشکیل شده است که هر کدام نظم دلتهای منحصر به فردی را دارند که می‌توانند نظم دلتهای خودشان را نیز داشته باشند. اگرچه گروه‌های هم خانواده ترکیبی از هر یک از گروه‌های هم



خانواده انفرادی دقت کمتری دارند، همانطوریکه شما خواهید دید، نظم دلتا کامل است.

اکنون می‌خواهم به شما یک روش دستی ساده برای پیدا کردن نقطه متوسط (تاریخ متوسط) هر بازار را نشان دهم. به عنوان مثال، با استفاده از ۹ نقطه چرخش دلتای ماهانه. یک جدول به شرح ذیل ایجاد کنید:

SERIES #	POINTS								
	1	2	3	4	5	6	7	8	9
COLOR	G	G	R	R	B	B	B	O	O
1950	6	9	1	9	10	2	4	3	5
1954	5	9	-1	3	-5	8	12	7	10
1958	3	9	-2	12	1	6	7	9	13
1962	6	8	-1	5	1	6	9	2	8
1966	4	13	4	12	11	12	16	7	15
1970	6	6	1	9	1	13	16	7	12
1974	6	11	6	10	6	12	16	7	10
1978	-1	13	3	9	3	12	14	8	10
1982	3	5	-2	13	-2	4	8	6	8
1986	2	8	1	9	3	7	7	6	8
	491		9	3	9	11	6	10	

ترتیب رنگ‌ها (همیشه) سبز، قرمز، آبی، نارنجی است. سال ۱۹۸۶ سبز است. بنابراین، تاریخ متوسط نقطه (۱) در سال ۱۹۹۰ چیست؟ جواب: سبز بعلاوه ۴ مساوی است با آوریل ۱۹۹۰!

این یکی را امتحان کن. به ترتیب دو تاریخ متوسط برای نقطه چرخش (۱) در سال ۲۰۰۷ کدام‌ها هستند؟ پاسخ: ژانویه و سپتامبر! چرا؟ زیرا اگر ۱۹۸۶ سبز باشد پس سال ۲۰۰۶ نیز سبز خواهد شد. بنابراین سال ۲۰۰۷ قرمز خواهد بود. تاریخ متوسط برای خط قرمز چیست؟ ۱ و ۹. البته این که آیا این نقاط بالا یا پائین خواهند بود بستگی به چرخش تعیین شده توسط نقطه (۲) دارد که تاریخ متوسط آن اکتبر ۲۰۰۶ است.



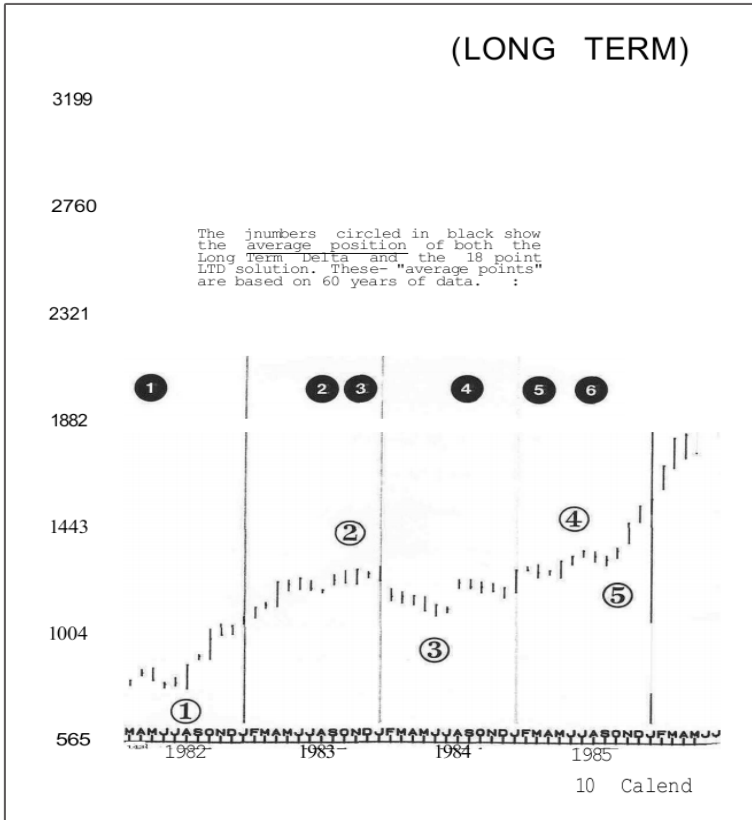
آخرین بازاری که ما مطرح خواهیم کرد بازار سهام و اوراق بهادار نیویورک است. همانند نیکی داو ژاپن، دقت این بازار نیز به درستی گروه‌های هم خانواده انفرادی خودش نیست. همان طور که قبلاً گفتیم برای این بازار و برای یکی دیگر مانند بازار طلا، در داخل هر راه حل اصلی یک راه حل دیگر وجود دارد.

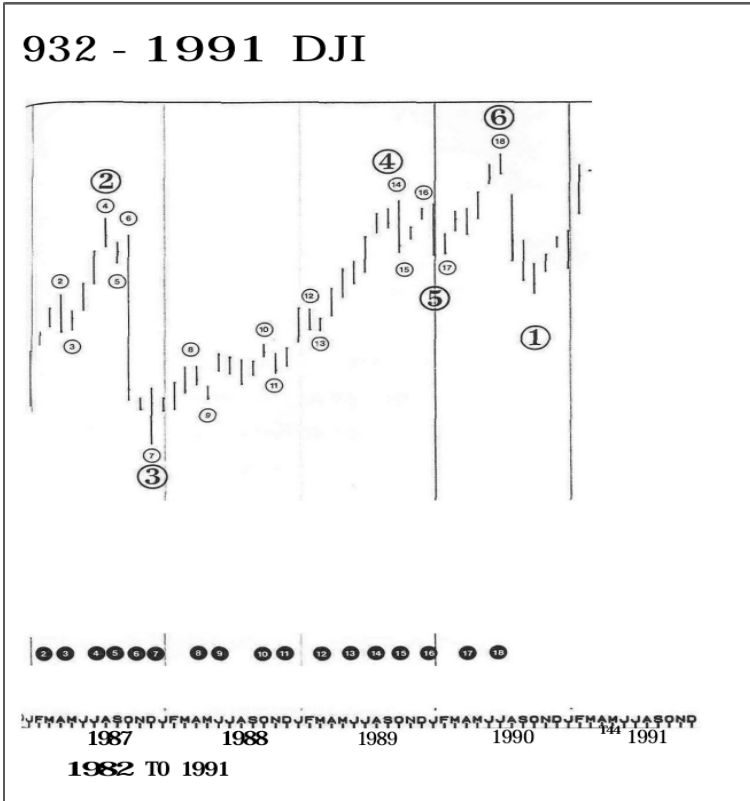
در اولین جلسه مدیران در گرینزبرو، تعدادی از مدیران تجربیات خودشان را جمع به دلتا ارائه کردند. یکی از مدیران دلتا در سوئیس کشف خودش را ارائه کرد که یک راه حل دوم در DJIA بود و آن راه حل شاخص کل است که ما در بازار سهام استفاده می‌کنیم. او بر روی یک نمودار ده ساله (با دو نیم سری) نشان داد که در داخل هر شش نقطه چرخش تکراری راه حل اصلی، ۱۸ نقطه چرخش تکراری در هر چهار سال وجود داشت.

وقتی که گزارش او تمام شد، مدیر دلتای شیکاگو برخاست و گفت: این نجیب‌زاده سوئسی عیناً تجربیات مرا ارائه کرد. مدیر دلتای شیکاگو پس از آن نشان داد که او همان چیز را کشف کرده بود و با به دست آوردن دیتای شصت سال گذشته DJIA، نمودارهای ارائه شده DJIA ۱۸ نقطه چرخش را از سال ۱۹۲۰ الی ۱۹۸۵ نشان دادند.

در جدول ذیل من تنها راه حل ده ساله بازار سهام را به شما نشان خواهیم داد به طوری که جایی در نمودار وجود دارد که ۱۸ نقطه چرخش از راه حل LTD را در آنجا جایگذاری کرد. توجه داشته باشید که در پائین صفحه نقطه متوسط را برای راه حل ۱۸ نقطه‌ای LTD بر اساس دیتای شصت سال گذشته به شما دادم.







در حال حاضر، با دیدن هر دوراه حل کنار یکدیگر، کدام راه حل اطلاعات بیشتری راجع به معامله در بازار به شما می‌دهد؟ انتظار داریم که پاسخ فوری شما این خواهد بود: "راه حل با بیشترین نقاط".

با این حال هنگامی که به آن فکر می‌کنید در این میان احتمالاً شما به جواب‌های دیگر خواهید رسید. چرا؟ ترجیح می‌دهید بدانید که بازار به حرکت خود در یک جهت به مدت چهار هفته یا در چهار ماه ادامه



خواهد داد یا نه؟ ما این بحث را بعداً با جزئیات بیشتر مطرح خواهیم کرد، هنگامی که درباره نکات ظریف پیدا کردن نظم دلتا (راه حل) در هر بازاری بحث می‌کنیم. با این حال، من می‌خواهم به یک چیز اشاره کنم، ما در موضوعی هستیم که تنها یکی از جنبه‌های تایم فریم LTD است. اغلب بین دو نقطه چرخش تایم فریم LTD یک تکرار وجود خواهد داشت. اجازه دهید به شما بگویم که اگر شما به یکی از راه‌های تایم فریم LTD در یکی از بازارهای خاص توجه کرده باشید بین هر کدام از نقاط (۵) و (۶) یک نقطه چرخش تکراری از حداکثر به حداقل وجود دارد. در برخی از موارد ممکن است دو یا حتی سه نقطه تکراری از حداکثر به حداقل وجود داشته باشد. این غیر معمول نیست. اما آیا این می‌تواند مفید باشد؟ بلی. من این نقاط را با استفاده از حروف A B C و غیره یادداشت کردم.

دو چیز هستند که باید به خاطر بسپارید. این نقاط چرخش تکراری ممکن است همیشه در هر سری اتفاق نیافتند. اگر آن‌ها اتفاق بیافتند از آن‌ها استفاده کنید، اگر آن‌ها اتفاق نیافتند به خاطر داشته باشید که راه حل اصلی همیشه در اولویت قرار دارد. چیز دیگری که باید به خاطر بسپارید این است که اگر شما سابقه ۸ یا ۱۰ سری را داشتید، ممکن بود که برخی از این تکرارهای کوچک بین نقاط LTD می‌توانست به نقاط چرخش دلتا تبدیل شود. این مورد زمانی بوده است که تنها سه یا چهار سری در تاریخچه نمودار وجود داشت. چگونه یکی از این تکرارهای کوچک بین نقاط تعریف شده LTD به یک نقطه چرخش درست LTD



تبدیل می‌شود؟ پاسخ این است، زمانی که یکی از این تکرارهای کوچک به اندازه کافی بزرگ شود تا از کانال حداکثر به حداقل ساخته شده توسط دو نقطه اصلی LTD تجاوز کند. هنگامی که این اتفاق می‌افتد، جهت بازار دیگر بین نقاط (۵) و (۶) نیست، اما آن تنها جهت از نقطه (۵) است که از تکرارهای کوچک استفاده می‌کند و در حال حاضر به یک نقطه چرخش صحیح LTD تبدیل شده است.

همان‌طور که گفتیم این به ندرت اتفاق می‌افتد و تنها در تایم فریم‌های LTD یا SLTD اتفاق می‌افتد. این اتفاق زمانی می‌افتد که اطلاعات کافی (برای آن بازار خاص) برای اجرا کردن راه حل ۱۰۰٪ وجود داشته باشد. خط پائین همان نقطه‌ای است که اتفاق می‌افتد، دو نقطه اضافی به سری اضافه شده است. همان‌طور که می‌بینید، من از تمام جزئیات کوچکی که درباره پدیده دلتا یاد گرفته‌ام، در این کتاب استفاده می‌کنم. ما قسمت LTD را با این تعریف خاتمه می‌دهم.

رفتار بازارها به طور مستقیم یا وارونه در هر چهار بار گردش زمین به دور خورشید تکرار می‌شود.

پس از آن، ما تایم فریم (Super Long Term Delta) (SLTD) را بحث خواهیم کرد.



فصل هفتم

تایم فریم خیلی دراز مدت دلتا یا (SLTD)



جیم گفت: ولز، فرض کن که یک نفر می‌تواند خورشید ماه زمین را با تلسکوپ در مکانی دوردست در فضا ببیند. تمامی این اجسام در حال تعامل با یکدیگر در نوعی از دنباله دورانی پیوسته هستند. فرض کنید همان شخص توسط تلسکوپ از این اجسام یک عکس بگیرد. چه مدتی طول خواهد کشید تا دقیقاً همان صحنه را عکس بگیرد؟

جیم پاسخ آن را پیدا کرد. جواب آن ۱۹ سال و ۵ ساعت بود. او همچنین کشف کرد که این سؤال از زمانهای خیلی دور پرسیده شده بود... و چند هزار سال پیش به آن جواب داده شده است. به عنوان مثال، مصریان از هرم بزرگ برای تعیین بخش‌های خاصی از جواب این سؤال استفاده کرده بودند. جیم از کار کردنش با دلتا دانست که پاسخ این سؤال آخرین تایم فریم دلتا خواهد بود. به محض آن که جیم این موضوع را به من یادآوری



کرد، من هم دانستم که این تایم فریم پایه و اساس یک نظم بسیار طولانی مدت در بازار است. این خیلی منطقی بود، همانطوریکه ما می دانیم، پدیده دلتا نتیجه تعامل کامل خورشید ماه و زمین با یکدیگر است.

همان طور که گفتم، من توانستم شاخص بازار بورس و اوراق بهادار نیویورک را از سال ۱۷۹۰ به دست بیاورم. ما دیتا را به صورت دستی در فایل کامپیوتر وارد کردیم و پلاتر دو نمودار صد ساله را تولید کرد. خطوط رنگی ۱۹ سال از همدیگر فاصله داشتند. ما همچنین از مقیاس لگاریتمی استفاده کردیم به طوری که حرکت های کوچک در قیمت های پائین تر نسبت به حرکت های بزرگ در قیمت های بالاتر ظاهر می شدند.

من روی میز نشستیم و یک نمودار را بالای نمودار دیگری قرار دادم و خطوط رنگی را تنظیم کردم به طوری که رنگ مشابه در دو نمودار از بالای نمودار به سمت نمودار پائین گسترش می یافت. من مدت ۵ دقیقه به دو نمودار با خطوط رنگی نگاه کردم و جایگذاری اعداد در نمودار را شروع کردم. ۱۵ دقیقه بعد جایگذاری اعداد به پایان رسید. من از خودم سؤال کردم که آیا من در کشف راه حل های دلتا خوب بودم یا اینکه آن ها آسان بودند. احتمالاً هر دو دلیل تا حدودی درست باشد. به هر حال، راه حل در نمودار قرار گرفت و چیز شگفت انگیز این بود که در کل ۲۰۰ سال گذشته و در ۱۰۰ سال تکمیل شده حتی یک وارونگی وجود نداشت.

می دانم که شما هرگز نمی توانید مطمئن شوید که نقطه (۱) در جای مناسبی است تا زمانی که وارونگی اتفاق بیفتد. با این حال، شانس این که یک وارونگی به نحوی که در نقطه بعدی اتفاق بیفتد کم است. آن هم



زمانی که شما در نظر بگیرید یک وارونگی تنها می‌تواند در هر ۱۹ سال اتفاق بیفتد ولی حتی یک وارونگی هم در ۲۰۰ سال گذشته اتفاق نیفتاده است. جالب است که بدانید مسیر بازار در اطراف نقاط خاص دلتا تغییر می‌کند. در مشاهده نموداری که دنبال می‌کنیم (شامل هر دو نمودار ۱۰۰ ساله می‌شود) این موضوع بلافاصله آشکار می‌شود که تقریباً تمامی حرکت‌های بزرگ نزولی در ۲۰۰ سال گذشته در نقطه (۱۴) اتفاق افتاده است. زمانی که این بازار را در ماه May سال ۱۹۸۷ حل کردم و وضعیت نقطه (۱۴) را دیدم. به شباهت بین نقطه در حال ظهور (۱۴) در سال ۱۹۸۷ و نقطه (۱۴) سال ۱۹۲۹ توجه کنید که با بزرگ‌ترین افت بازار در تمام دوران سقوط کرده است.

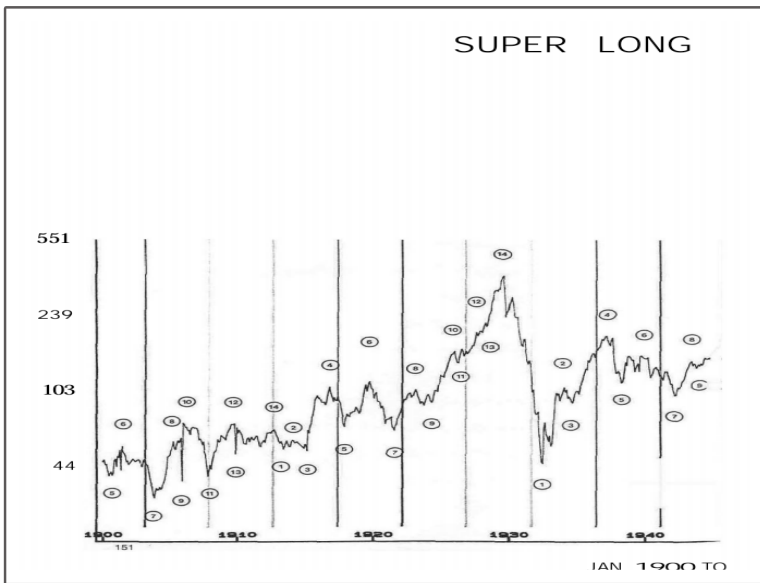
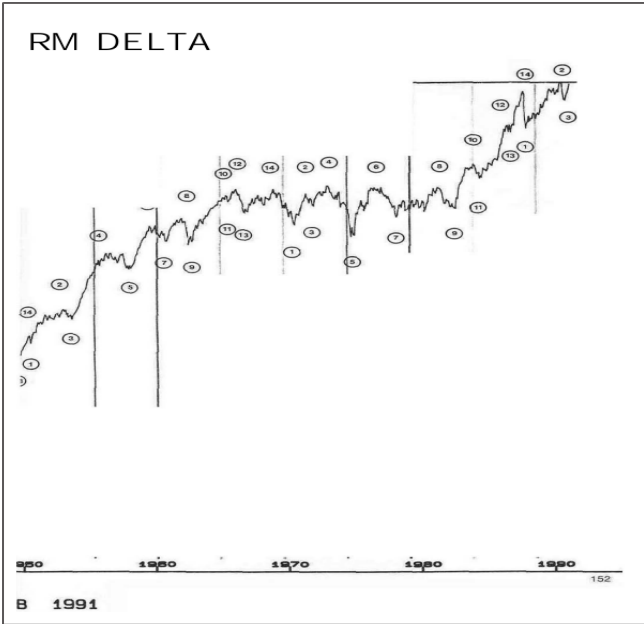
من کاملاً هیجان‌زده شدم وقتی متوجه شدم که ما در آوریل سال ۱۹۸۷ درست در بالای نقطه حداکثری (۱۴) تایم فریم SLTD بودیم. من می‌دانستم که نقطه حداکثری بعدی LTD در سپتامبر ۱۹۸۷ بود. همچنین می‌دانستم که نقطه حداکثری SLTD باید با نقطه حداکثری LTD همراه باشد. به احتمال زیاد نقطه حداکثری LTD در تاریخ سپتامبر ۱۹۸۷ بود.

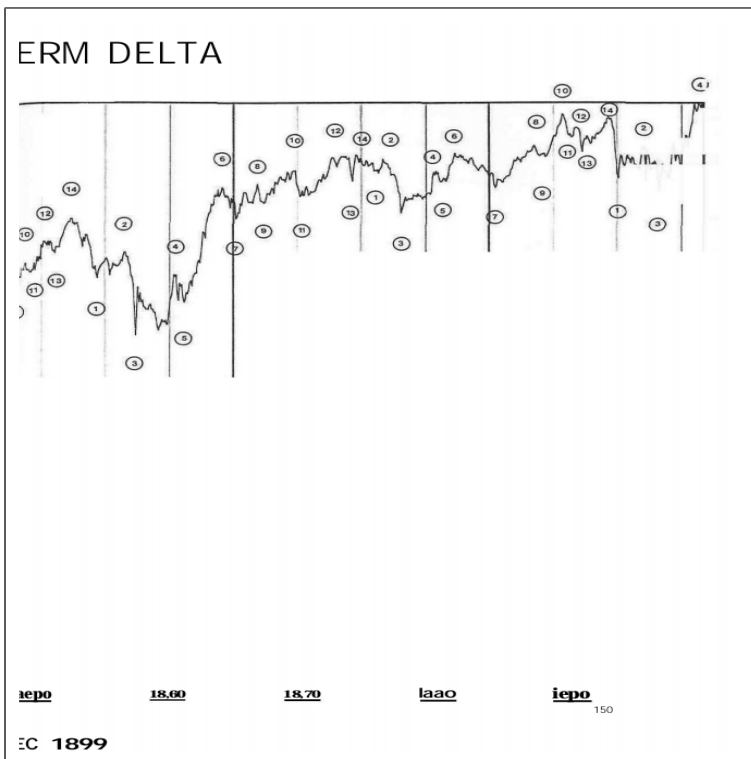
چیز دیگری که روشن بود این بود که تقریباً تمامی نقاط (۱۴) یک حرکت بزرگ نزولی را دنبال می‌کردند. این موضوع جنبه‌ای از قیمت را در آن وضعیت ارائه می‌دهد. در حقیقت، به نظر می‌رسید که طرح قیمت گذاری می‌توانست به علت شباهت حرکت نزولی در حال ظهور به حرکت نزولی قبلی در سال ۱۹۲۹ ممکن باشد.

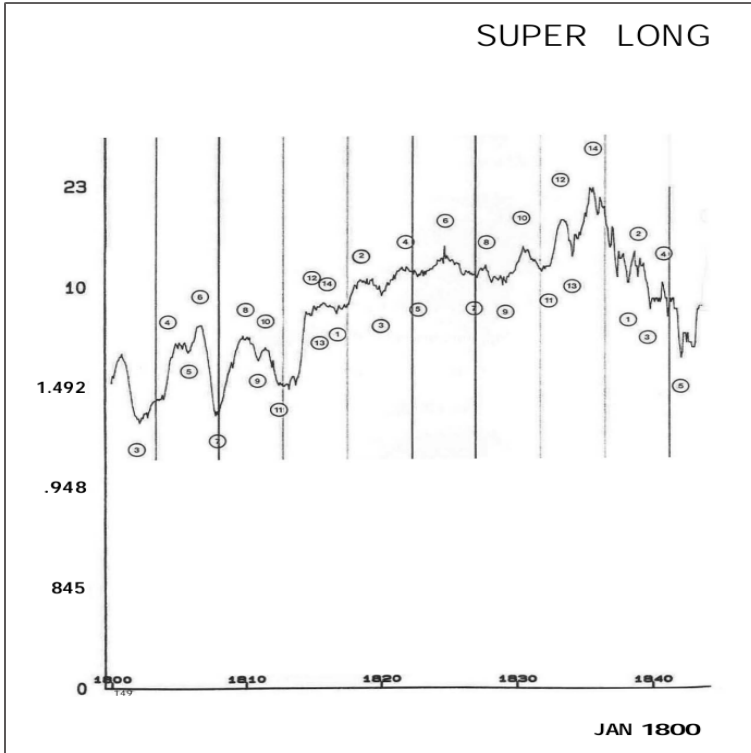


از سوی دیگر اگر حرکت بزرگ نزولی در بلند مدت ادامه نیافت و یک نقطه حداکثری جدید در نقطه (۲) ساخته شده بود در این صورت این احتمال وجود ندارد که حرکت بزرگ دیگر شبیه حرکت نزولی بزرگ ۱۹۲۹ در آینده نزدیک رخ بدهد. از آن به بعد من چندین بار از خودم سؤال کردم که آیا دلتا قادر بوده است سقوط ۱۹۸۷ را پیش بینی کند. بدیهی است پاسخ به این سؤال بلی بوده است. اگر شما نمودار SLTD سال ۱۹۸۷ را نگاه کرده بودید، شما هم می‌توانستید آن را پیش بینی کنید. تقریباً هر تحلیل‌گری ادعا می‌کند که سقوط ۱۹۸۷ از خیلی مدت‌ها پیش بینی شده بود و حق نیز با آن‌ها بود. با این حال من (و یا نظم دلتا) تنها یک پیش‌بینی را انجام دادم. دلتا در مقایسه با حرکت نزولی بعدی مشابه سقوط ۱۹۲۹، تنها یک ماه خطا کرد.









من این موضوع را برای اعضای دلتا بیان نکردم، اما هر سال حدود ده نامه به کاربران دلتا ارسال می‌کنم. هدف از این نامه‌ها ارائه تاریخ پنجره زمانی وارونگی می‌باشد (ITW)، بررسی نقاط چرخش در تمامی ۲۵ بازار در هر یک از سه تایم فریم‌های دلتا و موقعیت یابی هر گونه شرایط معاملاتی مخصوص جالب توجه که در حال شکل‌گیری است.

بخشی از نامه من در تاریخ ژوئن ۱۹۸۷ به اعضای دلتا را مشاهده می‌کنید.



نامه اعضای دلتا

روش‌های معامله

۳۰ ژوئن ۱۹۸۷

قبل از این که سیاره اورانوس کشف شود، دانشمندان می‌دانستند که این سیاره وجود دارد، چون پدیده‌های قابل مشاهده دیگر نشان داد که آن باید وجود داشته باشد. بر همان پایه و اساس، جیم اسلومان پیش بینی کرد که تایم فریم خیلی درازمدت دلتا یا Super Long Term DELTA وجود دارد و پارامترهای دقیقی را که در آن باید وجود داشته باشد را ارائه کرد. تنها مشکل این بود که ما اطلاعات کافی هیچ بازاری را نداشتیم تا تایم فریم Super Long Term DELTA را ثابت کنیم. هم اکنون ما آن را برای تمامی بازارها انجام دادیم.

چندی پیش من یک موقعیت را ترسیم کردم و توانستم قیمت پایانی ماهانه بازار بورس نیویورک را از سال ۱۷۸۹ (نه به قیمت ارزان) خریداری کنم. ما اطلاعات را به صورت دستی وارد دیتابیس خودمان وارد کردیم، برخی از برنامه نویسی‌های خاصی را انجام دادیم و اطلاعات به شکل قابل حل برای دلتا داخل فرمی قرار داده شد. نتیجه نه تنها شگفت‌انگیز نبود بلکه با اهمیت نیز بود. دانش ناچیز ما در طرح کلی از نحوه کار کردن پدیده دلتا چگونه ناشی از نظم عجیب جهان است. من هنوز هم تعجب می‌کنم که هیچ کس تا کنون برای این دیدن این پدیده صاحب امتیاز نشده است.

خوب. تایم فریم SLTD در معاملات کنونی و چند سال آینده بازار بورس



نیویورک چه چیزی را شفاف کرد؟ آنچه که من می‌خواهم درباره آن بگویم صرفاً بر اساس آن چیزی است که من از کنار هم قرار دادن تمام اطلاعاتی دیدم و نظم دلتا در سه حوزه SLTD, LTD و قیمت SLTD ارائه کرده است. (مدیران دلتا در حال حاضر از این کشف آگاه هستند) هیچ یک از موارد ذیل نظر شخصی من نیست و من نظری ندارم.

اول از همه در دراز مدت تفسیرمان از دلتا تاکنون درست بوده است. ما گفتیم زمانی که اوج قیمتی ساخته شده در تابستان ۱۹۸۶ از بین رفت پس از آن هیچ وارونگی وجود نداشت (در طول پنجاه سال گذشته حتی یک وارونگی وجود نداشت) و حرکت بعدی می‌تواند یک نقطه حداکثری دلتا در حوالی سپتامبر ۱۹۸۷ باشد. همانطور که می‌دانید این موقعیت ما در دو سال گذشته بوده است.

تایم فریم SLTD به ما می‌گوید که ما در حال نزدیک شدن به یک نقطه حداکثری بزرگ هستیم. این نقطه حداکثری بسیار مهم است و مربوط به نقطه حداکثری در سال ۱۹۲۹ بود! همچنین آن همان نقطه حداکثری سال ۱۸۳۵ بود که دومین و بدترین افت در تاریخ بازار سهام را راه انداخت. این نقطه حداکثری همچنین قبل از چندین حرکت نزولی قابل توجه دیگر قرار دارد. در ذیل پارامترهایی برای این نقطه حداکثری هستند که ما هم اکنون به آن‌ها نزدیک می‌شویم.

متوسط ماهیانه..... آوریل ۱۹۸۷

انحراف استاندارد..... سپتامبر ۱۹۸۶ تا ژانویه ۱۹۸۸

دامنه ۱۰٪..... مارس ۱۹۸۵ تا ژانویه ۱۹۸۹



سؤال این است، آیا نقطه حداکثری تایم فریم LTD در تاریخ سپتامبر ۱۹۸۷ یا نقطه حداکثری تایم فریم SLTD مطابقت خواهد داشت؟ یا این که با نقطه حداکثر بعدی تایم فریم LTD در تاریخ اکتبر ۱۹۸۸ مطابقت خواهد داشت؟ احتمالاتی وجود دارد مبنی بر اینکه به دلایل مختلف نقطه حداکثری تایم فریم LTD در تاریخ سپتامبر ۱۹۸۷ قرار دارد. دلیل اول اینکه نقطه حداکثری در تاریخ سپتامبر ۱۹۸۷ به تاریخ متوسط تایم فریم SLTD بسیار نزدیک است. دلیل دوم اینکه نقطه حداکثری در تاریخ سپتامبر ۱۹۸۷ در داخل محدوده انحراف استاندارد است. تا آنجا که معامله پیش می‌رود، ما قطعاً باید موقعیتی را اتخاذ کنیم که نقطه حداکثری تایم فریم SLTD با نقطه حداکثری در تاریخ سپتامبر ۱۹۸۷ مطابقت خواهد داشت.

نتیجه نهایی این است:

تایم فریم SLTD قبل از این که حتی وجود داشته باشد دقیقاً پیش بینی شده بود.

زمانی که اطلاعات کافی در دسترس بود دقیقاً مانند پیش بینی قبلی کشف گردید.

در ۱۹۸۸ سال پیش تاکنون هرگز یک وارونگی وجود نداشت.

نظمی را شامل می‌شود که به اندازه بزرگی حرکت است.

با تمامی موارد بالا، آیا اکنون به ما نمی‌گویند که ما در آستانه یک نقطه

حداکثر بزرگ در بازار هستیم؟

بزرگ‌ترین حرکت نزولی را از هر نقطه دلتا دنبال کنید، همین حرکت



نزولی با حرکات نزولی بزرگ دیگر در تاریخ مطابقت دارد.

در مطالعه تاریخچه اطلاعات دلتا، هر یک از این نقاط حداکثری چشمگیر بودند. آن‌ها در یک انفجار نهایی به پایان رسیدند و پس از آن سقوط کردند. من فکر می‌کنم که این نقطه حداکثری به احتمال زیاد همین کار را خواهد کرد. این بدان معنی است که بازار باید به زودی در معرض افزایش قیمت قرار گیرد و سپس سقوط می‌کنند. من آن را به عنوان یک فرصت منحصربه‌فرد و سیگنال خرید شاخص (احتمالاً دسامبر) می‌بینم سپس سفارش خرید را در زمان مناسب و در حرکت رو به پائین قرار می‌دهم. من نظریه آدام را برای ورود و خروج در هر دو سمت بازار به کار می‌بندم.

سقوط ۱۹۸۷ بزرگ‌ترین حرکت نزولی در تاریخ بود... بزرگ‌تر از حرکت نزولی اکتبر ۱۹۲۹. با این حال، بازار حرکت نزولی خود را به اندازه حرکت نزولی ۱۹۲۹ ادامه نداد و در عوض آن بازار فعلی به روند قبل خود برگشت و یک حداکثر قیمتی جدید در نقطه (۲) ساخت. تاریخ حداکثر قیمتی دلتا در نقطه (۲) ژوئیه ۱۹۹۰ بود. آن تاریخ و همچنین تاریخ نقطه حداکثری (۱۴) دلتا چیزی نیست که بتواند اصلاح شود یا توسط من و هر کس دیگری تغییر یابد. این تاریخ متوسطی است که توسط اطلاعات ۲۰۰ ساله بازار، پیش بینی شده است. به عبارت دیگر، تاریخ و موقعیت نقطه (۱۴) بیش از ۱۰۰ سال پیش حل نشده بود.

هرکسی که این کتاب را دارد می‌تواند حرکات بزرگ و نقاط چرخش بالا به پائین حرکات بزرگ را (با داشتن یک شانس ضعیف از وارونگی) در بازار



نیویورک از هم اکنون تا ابدیت پیش بینی کند.

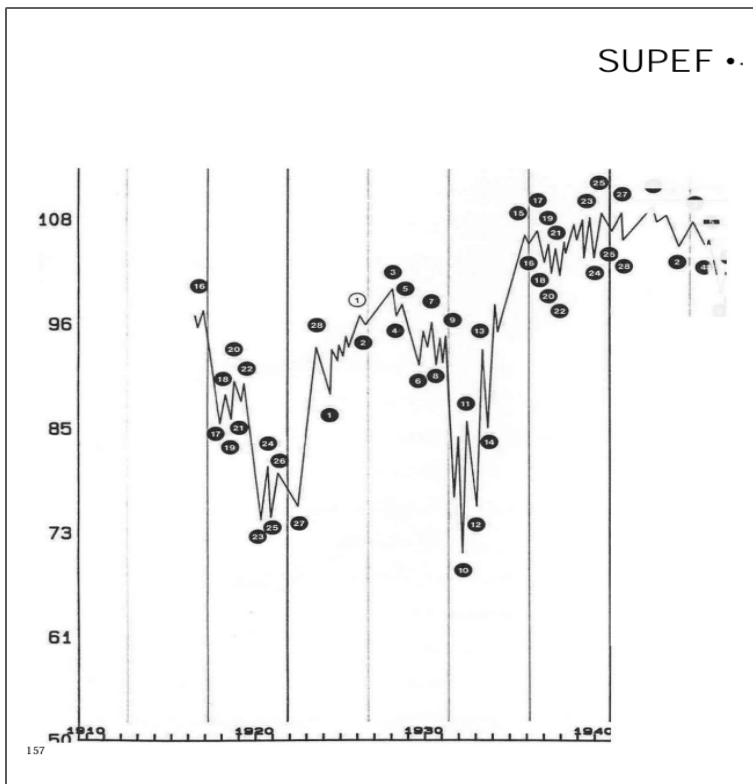
دومین بازار از تایم فریم SLTD که خواهید دید بازار Bonds است. حتی می‌توان گفت که نمودار Bond نمودار نرخ بهره است و قیمت‌های بازار Bonds رابطه معکوسی با نرخ بهره دارند. من برای تحلیل بازار bonds در تایم فریم SLTD نگران بودم. اما از پیگیری نمودار ناتوان بودم تا به کمک یک دیتابیس با سابقه طولانی کافی، تایم فریم SLTD را حل کنم. در اواخر سال ۱۹۸۷ من یک فراخوان به اعضای دلتا دادم تا برای پیدا کردن دیتا یا نمودار حداقل ۶۰ سال پیش بازار Bonds تلاش کنند. مدت کوتاهی پس از آن، طی ایمیلی یک نمودار از ابتدای سال ۱۹۱۵ دریافت کردم.

نمودار به شکل بدی بود و خواندن آن دشوار بود. من تاریخ و قیمت هر نقطه نوسانی را استخراج کردم و نام بری پلاتر (نرم افزار رسم کننده خطوط) را برای نمودار نوسانی ذیل برنامه ریزی کرد. بازهم، من خطوط رنگی هر ۱۹ سال را بر روی هم قرار دادم و دوباره راه حل SLTD به راحتی در محل مناسب قرار گرفت. فکر می‌کنم فقط ۱۵ دقیقه طول کشید تا آنرا کامل کنم. این بار تعدادی وارونگی وجود داشت. من به صورت دستی دیتا را وارد نمودار کردم چون در حقیقت نمودار در سال ۱۹۸۶ به پایان می‌رسید. من فاصله هر نقطه از خط رنگی مناسب را محاسبه کردم و آن را توسط برنامه کامپیوتری ام اجرا کردم که تاریخ متوسط زمان گذشته و آینده هر یک از نقاط چرخش دلتا را براساس تاریخ خطوط رنگی به من می‌داد. توجه داشته باشید که آخرین وارونگی در تاریخ ۱۹۸۱ قرار داشت. این بدان معنی است که وارونگی بعدی تا سال ۲۰۰۰ اتفاق نخواهد افتاد.

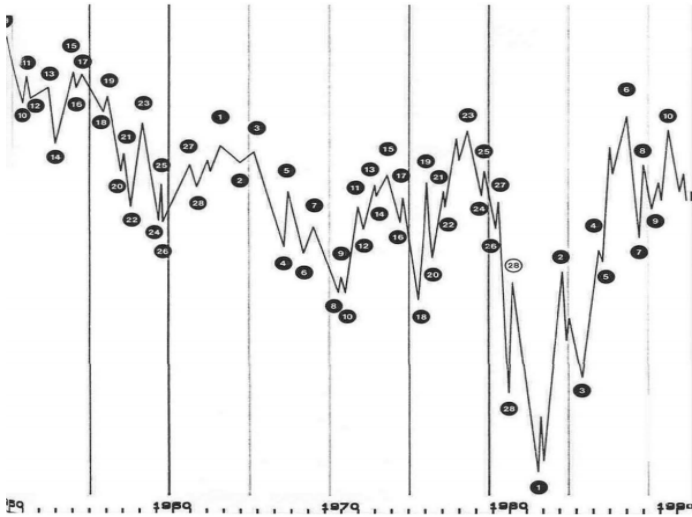


در اواخر سال ۱۹۸۹، من نقاط متوسط (متوسط ماهیانه) در نمودار ماهانه بازار T-Bonds را از ابتدای سال ۱۹۸۱ روی هم قرار دادم. من به این نکته اشاره کردم که اگر کسی در هر زمانی از ماه میلادی و در هر نقطه متوسط حداقلی از تایم فریم SLTD سهام T-Bonds را خریداری کند و آن را در هر زمانی طی ماه میلادی و در هر نقطه متوسط حداکثری از تایم فریم SLTD بفروشد، او در هر معامله‌ای سود ۱۰۰٪ از زمان خواهد برد.





LONG TERM DELTA



URS 1910 TO 1990



پس از آن من متوسط ماهیانه هر یک از نقاط چرخش حداکثر و حداقل قیمتی دلتا را در بازار T-Bond، برای یک دوره ده ساله از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ در یک نمودار شبیه سازی شده پیش بینی کردم. من این تاریخ را به همراه یک طرح خرید و فروش به اعضای دلتا دادم تا اوراق قرضه بدون کوپن را در هر کدام از تاریخ‌های پیش بینی شده با حداقل قیمت بخرند و آن را در هر تاریخ پیش بینی شده با حداکثر قیمت در ده سال آینده بفروشند. تاکنون با توجه به جدول پیش بینی شده این کار به صورت ۱۰۰٪ همچنان ادامه دارد.

در اوایل سال ۱۹۹۰، من نموداری همراه با یک مقاله (تحت عنوان ترسیم یک استراتژی کوپن صفر تابلو Bond) به شرکت تحلیل تکنیکال ارسال کردم. این مقاله در مجله سراسری TECHNICAL ANALYSIS OF STOCKS AND COMMODITIES در سیاتل واشنگتن چاپ شد.

مقاله در شماره ماه آوریل ۱۹۹۰ چاپ شد. از آنجا که مقاله تحت قانون کیپی رایت است، من آن را اینجا منتشر نمی‌کنم. با این حال، تاریخ نقاط چرخش تایم فریم SLTD که منتشر شده است را به شما ارائه خواهم کرد. من درجه دقت نقاط چرخش که منتشر نشده است را نیز ارائه خواهم کرد.

BUY		AR	SELL		AR
November	1990	24	March	1991	22
April	1992	33	August	1992	29
February	1993	42	January	1994	33
June	1994	15	November	1994	15
March	1995	08	June	1995	14
July	1996	30	March	1997	28
June	1997	34	November	1997	63
July	1998	65	January	1999	28



دقت تاریخ‌های خرید یا فروش می‌تواند با استفاده از نقاط چرخش دلتا در بازار T-Bond بهبود یابد زیرا نقاط چرخش دلتا در تایم فریم SLTD همیشه در رابطه با تاریخ تایم فریم LTD می‌آید که این تاریخ نیز با تاریخ تایم فریم MTD و به ترتیب با تاریخ تایم فریم ITD در ارتباط است. البته، برای آنچه که می‌خواهم در این کتاب قرار دهم محدودیت وجود دارد، اما این اطلاعات برای اعضای دلتا در دسترس هستند. این اطلاعات برای شما که این کتاب را دارید نیز در دسترس است زیرا همان اطلاعاتی را دارید که من برای تحلیل هر بازاری در هر تایم فریمی داشتم و می‌توانید تاریخ را خودتان به دست آورید. فقط به خاطر داشته باشید، از آنجا که پدیده دلتا ثبت شده است شما باید اطلاعات را تنها برای استفاده خودتان نگه دارید.



فصل هشتم

تایم فریم کوتاه مدت دلتا یا (STD)



هم اکنون به آخرین تایم فریم دلتا رسیدیم. تا زمانی که این کتاب منتشر شود، این تایم فریم تنها برای مدیران دلتا قابل دسترس بود. هنگامی که مدیران دلتا برای یادگیری همه چیزهای درباره دلتا ۳۵۰۰۰ دلار پرداخت می‌کردند، آن‌ها این مبلغ را برای دو چیز پرداخت می‌کردند. اول) یادگرفتن راز نظم پنهان در بازارها به طوری که می‌توانستند این نظم را برای تمامی بازارها حل کنند و دوم) یادگیری تایم فریم STD.

تایم فریم STD دقیقاً مشابه سایر تایم فریم‌های دلتا کار می‌کند. هر بازاری سری‌های خودش را دارد و وارونگی دقیقاً به همان شیوه در این بازارها اتفاق می‌افتد. با این حال، تایم فریم STD دارای ۲ الی ۳ نقطه چرخش در هر روز است.



تایم فریم STD قطعاً بزرگ‌ترین تأثیر را در بازارها خواهد گذاشت. در آن زمان معامله‌گران، تایم فریم STD را در هر بازار سهام، کالا و یا هر بازار آزاد دیگری در دنیا حل می‌کردند. در آن زمان، هر کسی خواهد دانست که حداکثر و حداقل قیمتی در هر بازاری چه زمانی از روز اتفاق خواهد افتاد. من باید اعتراف کنم که حتی با دانش و تجربه شخصی‌ام از دلتا، قادر نیستم آنچه که این دانش (راه حل STD) در بازارهای آزاد انجام خواهد داد را پیش بینی کنم. در ابتدا باید بگویم، کسانی که راه حل STD را دارند یک کمی با کسانی که آن را ندارند تفاوت دارند. در نهایت، تمامی معامله‌گران میان روزی که کال مارجین نشده‌اند (متأسفانه، بیشتر آن‌ها کال مارجین می‌شوند) راه حل‌های STD را برای هر بازاری که در آن معامله می‌کنند یاد خواهند گرفت.

اینجا یک پارادوکس وجود دارد و آن این است که به دست آوردن راه حل‌های STD سخت‌تر از بقیه راه حل‌ها می‌باشد. اما علت آن را بعداً توضیح خواهیم داد. در ابتدا برای شروع می‌خواهم داستان تایم فریم STD را انتخاب کنم.

وقتی من در شیکاگو بودم، جیم گفت که مطمئن است تایم فریم STD وجود دارد. او از من پرسید که آیا بر اساس آنچه درباره تایم فریم‌های ITD و LTD می‌دانم می‌توانم آن را کشف کنم.

من فکر کردم این تایم فریم باید بر اساس حرکت چیزی حول چیز دیگری و در اطراف عدد ۴ باشد. ناگهان متوجه شدم که این تایم فریم باید ۴ چرخش زمین به دور خود باشد. جسم درگیر دیگر خورشید بود که



در چرخش زمین به دور خود شب و روز را پدید می‌آورد. جیم پاسخ داد که هرچند فکرت درست است ولی یک مشکل وجود دارد. مشکل تعطیلات آخر هفته بود. آیا نظم دلتا در روزهای تعطیل ادامه می‌یابد صرف نظر از این که در آن روز معامله‌ای انجام می‌شود و یا این که نظم دلتا در روز جمعه متوقف می‌شود و در روز دوشنبه از سر گرفته می‌شود؟ ما هر دو اعتراف کردیم که جواب سؤال را نمی‌دانیم. جیم به من گفت که درباره آن فکر می‌کند و مرا نیز از نتیجه باخبر می‌کند.

چند ماه بعد جیم از خانه جدیدش در کالیفرنیا به من زنگ زد و گفت که پاسخ سؤال را یافته است. پاسخ سؤال این بود که نظم دلتا در روزهای آخر هفته ادامه می‌یابد، بدون در نظر گرفتن این که معامله‌ای در آن روز انجام شود یا نه. به نظرم رسید که این منطقی‌ترین پاسخ است.

چند هفته بعد من به همراه تعداد انگشت شماری از نمودارهای میان روزی به کالیفرنیا رسیدم. جیم در آشپزخانه نشسته بود و شروع کرد به نگاه کردن در نمودارها. پس از مدتی، او قلم را برداشت و شروع به کار کردن بر روی راه حل‌هایش کرد. در عرض چند ساعت، جیم بر روی همه آن‌ها کار کرده بود.

باید بگویم که کاملاً شگفت زده شدم و هنوز هم برای این موضوع شگفت زده هستم که او چگونه به سرعت توانست راه حل را بفهمد؟ البته مشکل این است که داده‌ها پیوسته نیستند و جیم با یک نگاه کوتاه به تکه‌ای از نمودار و قطعه‌ای از مشکل به راه حل رسید. در آن زمان من قادر بودم راه حل STD را حل کنم اما این کار وقت زیادی می‌گرفت و اغلب



خیلی خسته کننده بود. حالا، اجازه دهید با تعریف زیر شروع کنیم.

رفتار بازارها در هر چهار روز به صورت مستقیم یا وارونه تکرار می شوند.

(در هر چهار بار چرخش زمین به دور محور خود)

همانند تایم فریم های دیگر دلتا، در این تایم فریم نیز هر کدام از بازارها تعداد نقاط چرخش خودش در سری ها و موقعیت نقطه (۱) منحصر به خودش را دارد. تا آنجائی که خطوط رنگی پیش می روند، تفاوتی نمی کند که این خطوط با کدام رنگ شروع شوند. برای مثال، در نمودار اول جیم یک تاریخ را از ابتدای دیتا انتخاب کرد و به دلخواه یک رنگ را برای آن تاریخ برداشت. از آن پس، هر روز یک رنگ داشت. راه حل های اصلی و کوتاه مدت جیم نسبت به رنگ ها در نظم تعریف شده شان قرار داشتند که به ترتیب قرمز، آبی، نارنجی، سبز هستند.

با این حال من مجبور بودم که به تاریخ رنگ های اصلی جیم برگردم و برای هر روز یک رنگ اختصاص بدهم تا تاریخی که می خواستم معامله کردن را از آنجا شروع کنم. اگر من در تعیین کردن رنگ درست هر روز داشته اشتباه کرده بودم، راه حل به سادگی کار نمی کرد.

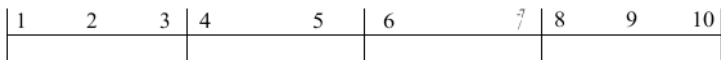
در پایان سال، من تقویم سال بعد را به دست آوردم و دنباله رنگ ها را برای سال آینده ادامه می دهم. باید برای هر روزی، تعطیلات آخر هفته و غیره یک رنگ اختصاص داده شود. به منظور معامله در تایم فریم STD، معامله گران رنگ صحیح آن روز و همچنین از راه حل دلتا برای بازاری که می خواهد در آن معامله نماید باید مطمئن شود. به خاطر داشته باشید که توالی رنگ ها همیشه: قرمز، آبی، نارنجی، سبز است.



در جدول زیر رنگ درست اولین روز از هر ماه سال ۱۹۹۱ آمده است.

Jan	Red	May	Red	Sep	Green
Feb	Green	Jun	Green	Oct	Blue
Mar	Green	Jul	Blue	Nov	Red
Apr	Orange	Aug	Red	Dec	Orange

اگر شما در حال خواندن این کتاب در پانزدهم ژوئیه ۱۹۹۵ هستید در این صورت نیاز دارید که به تاریخ یکم دسامبر ۱۹۹۱ بروید و ترتیب دنباله رنگ‌های هر روز را از تاریخ یکم دسامبر ۱۹۹۱ تا پانزدهم ژوئیه ۱۹۹۵ ردیابی کنید. رنگ هر روزی در کندل باز شده آن روز قرار داده شده است. دوره زمانی نمودار میان روزی می‌تواند از ۵ الی ۴۰ دقیقه باشد. به اعتقاد من مدت زمان مطلوب ۱۵ الی ۲۰ دقیقه در هر کندل است. همانطوریکه شما در نمودارهای ذیل خواهید دید، اولین چیزی که من انجام دادم این است که شماره سری‌های بازار را در بالای نمودار بنویسم. شماره سری‌های بازار پنبه چنین است:



توجه داشته باشید که شما به دنبال قرار دادن اعداد بین دو خط رنگی هستید. بنابراین همیشه باید خط رنگی فردا را در فاصله درست از خط رنگی باز شده امروز برای روزی که در آن معامله می‌کنید، قرار دهید. در سمت راست دو نمودار میله‌ای ۱۵ دقیقه‌ای از پنبه هستند. شماره سری‌ها در بالای نمودار با مداد کشیده شده است. یک خط رنگی در کندل باز شده آن روز کشیده شده است. باز هم ترتیب رنگ‌ها همیشه:



قرمز، آبی، نارنجی، سبز است. (RBOG)

هر صفحه تقریباً هشت روز را نشان می‌دهد. من سعی کردم نمودار STD را انتخاب کنم که یک سری کامل را در یک صفحه نشان می‌دادند. هرگونه تقاطع خطوط با دو خط رنگی مشخص می‌شود که شبیه دو خطی با رنگ‌های متفاوت هستند. هر زمانی که شما خطوط دو رنگی را دیدید این بدان معنی است که چند روز از سری گم شده است. این روزها، روزهایی هستند که در آن‌ها معامله انجام نشده است مانند تعطیلات آخر هفته و یا تعطیلات رسمی. در اینجا قوانین نشان دادن روزهای غیر معامله عبارت‌اند از:

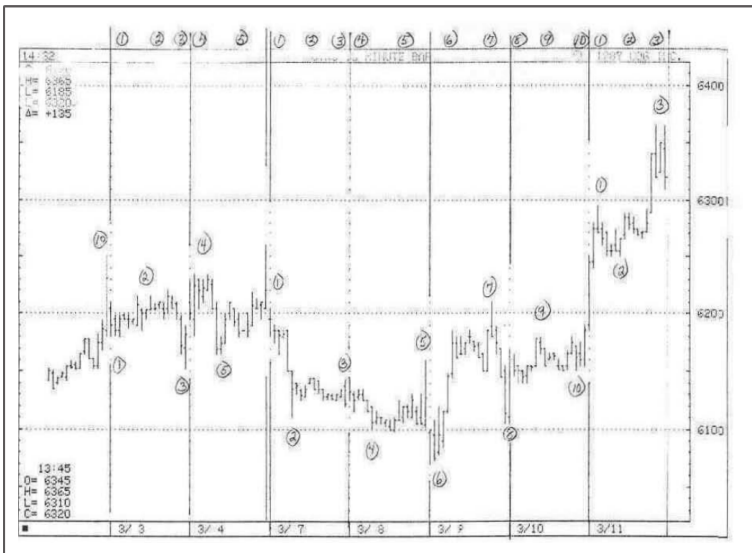
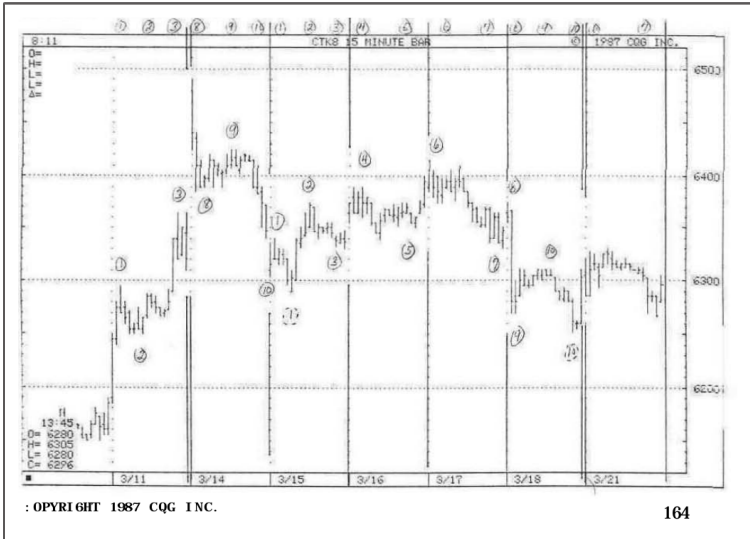
[۱] اولین خط رنگی از خطوط دورنگی، رنگ اولین روز غیرمعامله است. برای اولین روز از تعطیلات آخر هفته عادی این رنگ می‌تواند رنگ روز شنبه باشد.

[۲] دومین خط رنگی از خطوط دورنگی، رنگ اولین روز معاملاتی بعد از روز غیرمعامله است. برای روز پس از تعطیلات آخر هفته عادی آن می‌تواند رنگ روز دوشنبه باشد.

برای دومین روز از تعطیلات آخر هفته، رنگ از دست رفته رنگ روز یکشنبه است. برای روزهای تعطیل هیچ رنگی از دست نمی‌رود و رنگ اولین روز تعطیل و رنگ روز بعد از تعطیلات یک دو خطی رنگی را می‌سازد. نمودارهای نشان داده شده از کتابخانه نمودارهای STD برداشته شده که به مدیران دلتا داده شد. در واقع، فراموش کردم که آن نمودارها مال چه سالی بودند. فکر می‌کنم سال ۱۹۸۸ بود، اما اگر خواستید آن نمودار



را بررسی کنید، می‌توانید رنگ‌هایتان را در زمان گذشته ردیابی کنید و ببینید که ترتیب رنگ چه سالی با آن نمودارها مطابقت دارد.



دو نمودار بعدی نمودار Lumber است. Lumber در سری های خودش ۸ نقطه چرخش دارد. نقطه (۱) Lumber بعد از خط قرمز رنگ می آید. اولین نمودار یک سری کامل را نشان می دهد. توجه داشته باشید که موقعیت نقطه (۳) درست بر روی خط آبی رنگ قرار دارد. این بدان معنی است که احتمال آمدن نقطه (۳) در نزدیکی قیمت پایانی آن روز به اندازه آمدنش در قیمت بازشده روز بعدی وجود دارد.

همانطور که در نمودار STD نگاه کردیم. من بر روی برخی از چیزهایی که هنگام استفاده از نمودار STD در معاملات روزانه تشخیص دادن آنها را یاد گرفته ام، کامنت گذاشتم. ولی همه این چیزها در تایم فریم های دیگر نیز اعمال می شود.

هنگامی که بازار نقطه چرخش حداقلی را در موقعیت دلتا یا در نزدیکی موقعیت دلتا ساخته باشد اما پس از آن به جای حرکت به موقعیت نقطه حداکثری دلتا به سمت دیگری حرکت کند در این صورت بازار به شما می گوید یک فشار در معامله بر خلاف جهت مورد نظر وجود دارد. این فشار معامله برای حرکت به نقطه حداکثری تلاش می کند، اما فشار بیش از حد فروش بازار را به سمت پائین پیش می برد. ما این شرایط را «وضعیت نقطه فشار» خواهیم خواند. هنگامی که این اتفاق برای هر کدام از شماها می افتد شما باید انتظار داشته باشید که نقطه حداکثری به زودی اتفاق بیفتد یا این که انتظار داشته باشید حرکت نزولی به سمت نقطه حداقلی بعدی دلتا که یک حرکت قابل توجه است پیش رود.

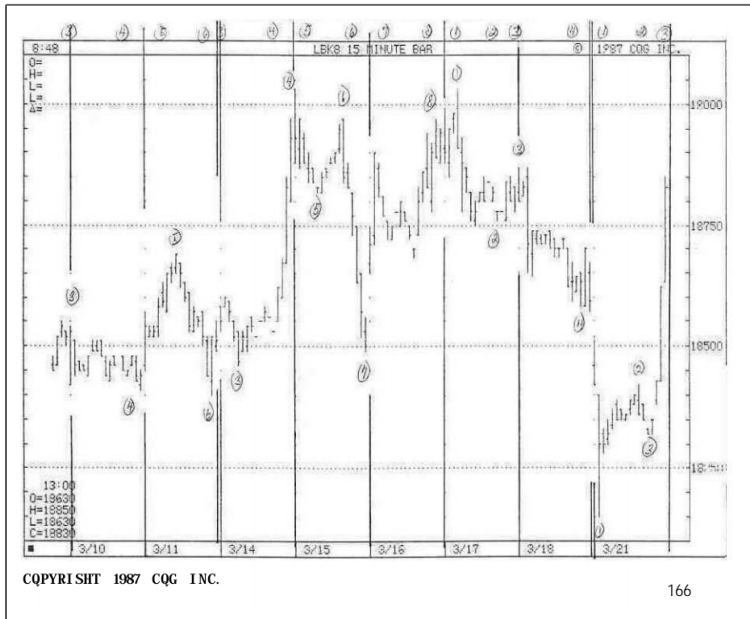
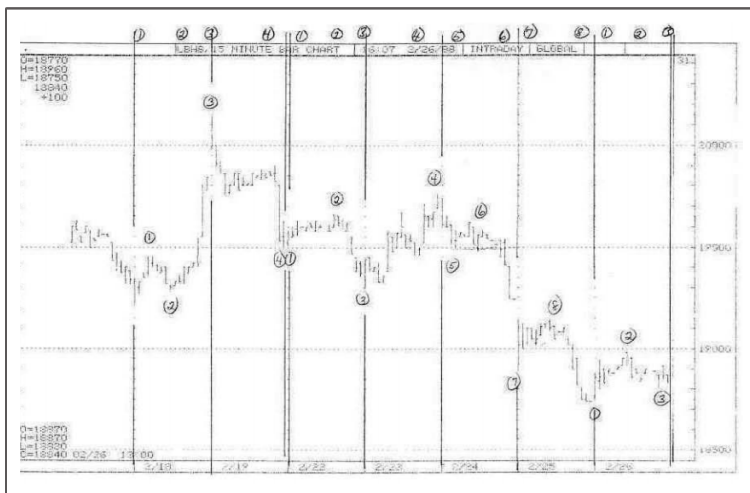
یک نمونه از این وضعیت، نقطه (۵) و نقطه (۶) در تاریخ ۲۴ فوریه



است. بازار به جای حرکت صعودی به سمت دیگری حرکت می‌کند. شما باید یک خط زیر حمایت نقطه (۵) بکشید و یک معامله کوتاه مدت را در خط حمایت انجام دهید.

حتی یک وضعیت نقطه فشار بهتر وجود دارد آن هم زمانی که حرکت نزولی از نقطه (۷) به سمت نقطه (۸) در تاریخ ۲۴ فوریه در حال حرکت است. مقاومت اکنون یک خط در بالای قیمت است. با این حال، این وضعیت شرایط را تغییر نمی‌دهد. در عوض این وضعیت دو نقطه ورود به بازار را جهت معامله کوتاه مدت پیشنهاد می‌دهد. شما باید اولین موقعیت کوتاه مدت را در اولین قیمت پایانی زیر خط مقاومت اتخاذ کنید و دومین موقعیت کوتاه مدت را زمانی که بازار به زیر نقطه (۷) حرکت می‌کند اتخاذ کنید.





COPYRIGHT 1987 CQG INC.

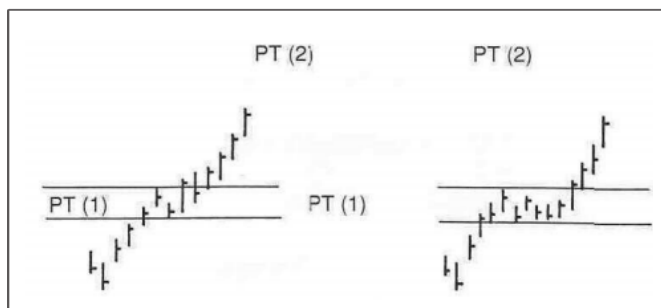


دو نمودار سمت راست، نمودارهای ۲۰ دقیقه‌ای بازار Pork Bellies هستند. همانند تمامی تایم فریم‌های دلتا، حرکت‌های بزرگ به احتمال زیاد در هر دو طرف نقطه (۱) می‌آیند. به این نکته توجه داشته باشید که نقطه (۱) و نقطه (۲) در تاریخ هشتم فوریه حرکت می‌کنند و نقطه (۱) وارونه و نقطه (۲) در تاریخ ۱۶ فوریه حرکت می‌کنند.

مثال دیگری از بازاری که در حال رسیدن به آخر سری است بازار steam در تاریخ ۱۱ فوریه است. این بازار از نقطه (۷) به سمت نقطه (۸) و به زیر خط حمایت قطعی حرکت می‌کند. سیگنال‌های خرید کوتاه مدت در زیر خط حمایت و با یک حرکت زیر نقطه (۷) پایان می‌یابند. این بار، آخرین نقطه سری گذشته در ابتدا می‌آید.

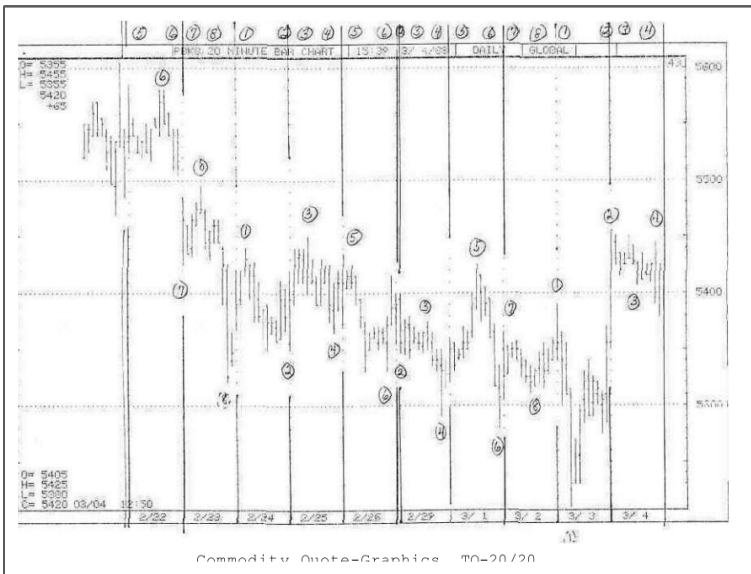
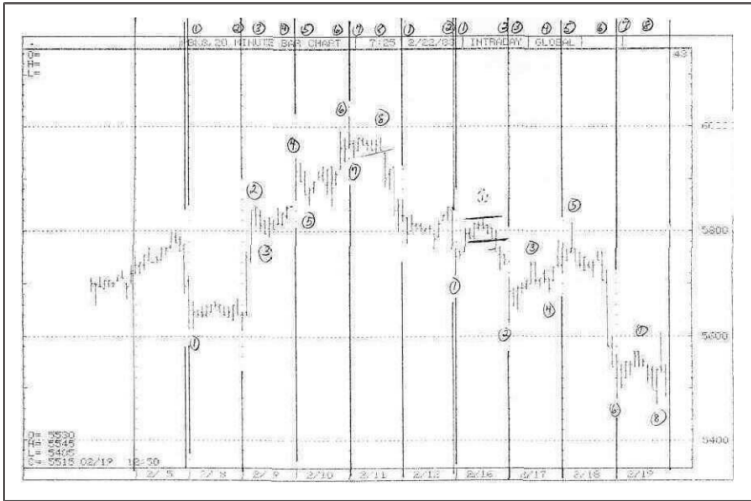
به حرکت بازار در تاریخ ۱۶ فوریه توجه کنید. این حرکت بهترین پوزیشن معامله در دلتا است. پارادوکس دلتا را به یاد داشته باشید که حرکت‌های بزرگ به احتمال زیاد در اطراف نقطه (۱) اتفاق می‌افتند اما این نقطه نیز تنها جایی است که ممکن است در آنجا وارونگی اتفاق بیفتد. در چنین شرایطی چگونه از این وضعیت استفاده می‌کنید؟ همانطوریکه بازار از نقطه (۱) به نقطه (۲) حرکت می‌کند، شما منتظر واکنش به این حرکت و پس از آن شروع حرکت صعودی باشید. بیکربندی کلی حرکت به شرح ذیل است:





اولین فرصت برای کشیدن خطوط کانال را پیدا کنید. در این مورد خط بالایی در ابتدای واکنش به حرکت بازار کشیده شده است. خط پایینی مانند مثال سمت چپ در حرکت برگشتی بازار به داخل کانال کشیده شده است یا مانند مثال سمت راست در خط حمایت تعریف شده نشان داده شده است.

زمانی که بازار به سمت بیرون از کانال حرکت می‌کند وارد معامله خرید شوید. یک حد ضرر قرار دهید و به کانال مخالف برگردید.



چیزی که ما برای انجام دادن آن تلاش می‌کنیم، این است که تردید بین نقطه (۱) و نقطه (۲) را تعریف کنیم و زمانی که سرانجام بازار تصمیم

می‌گیرد به کدام سمت حرکت کند، معامله انجام دهیم. اگر بازار یک حرکت غلط انجام دهد و سپس دور بزند و به سمت دیگر برود، در این صورت می‌خواهیم که با آن همراه شویم. این تنها وضعیت دلتا است که من آن را وارونگی می‌خوانم.

در موارد نادر، شکست قیمتی دوم نیز غلط خواهد بود و بازار دوباره در اطراف موقعیت یادشده می‌چرخد و حرکت بزرگ نهایی خود را در جهت مخالف انجام می‌دهد. اگر این حرکت اتفاق افتاد، بازار در نقطه حد ضرر شما و در سمت طرف دیگر کانال جدید وارونه می‌شود.

یک مثال از این وضعیت کانال، توسط حمایتی که در قسمت بالای نمودار Pork Bellies (صفحه قبل) در تاریخ ۱۶ فوریه است، تعریف شده است. بدیهی است که وضعیت مشابه در حرکت نزولی نقطه (۱) و (۲) اتفاق می‌افتد.

در صفحه روبرو، نمودارهای ۲۰ دقیقه‌ای سویا قرار دارند. نمودار سویا ۸ نقطه در سری دارد و نقطه (۱) قبل یا بعد از خط قرمز می‌آید. مثال دیگر از وضعیت نقطه فشار، نقطه (۲) و (۳) در تاریخ ۲۶ فوریه است. نقطه (۲) کمی دیر اتفاق افتاده است و نقطه (۳) زود اتفاق افتاد و حرکت نزولی به سمت نقطه (۳) به سختی قابل تشخیص بود. فشار خرید واضح بود. زمانی که قیمت به بالای نقطه (۲) حرکت کرد در این بازار خرید کنید و حد ضرر خود را درست زیر نقطه (۳) قرار دهید.

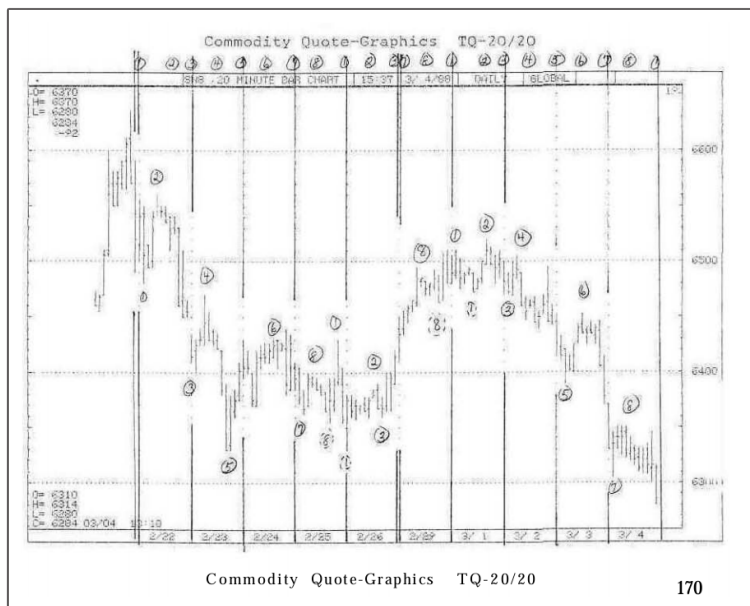
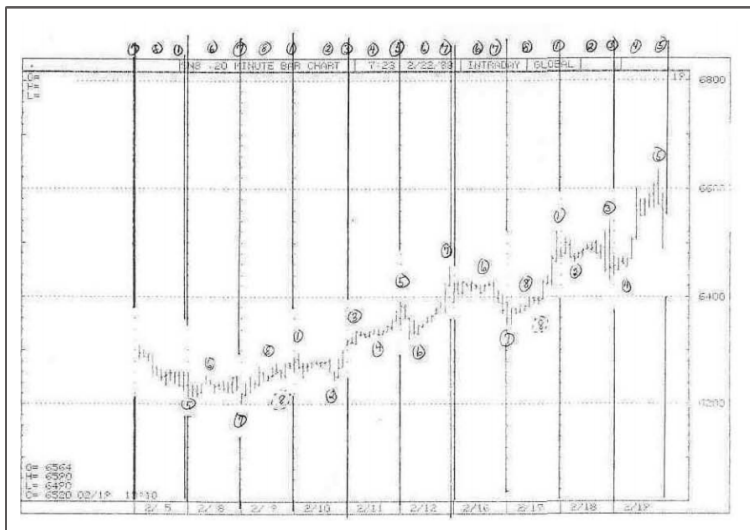
در معاملات آتی، خیلی مهم است که همیشه از حد ضرر استفاده کنید. (من تلاش نمی‌کنم به معامله گران Floor بگویم چگونه معامله کنند،



اما اگر شما معامله گر Floor هستید و می‌خواهید کال مارجین نشوید باید از حد ضرر استفاده کنید) اگر شما از حد ضرر استفاده نکنید!!! از خودتان نپرسید که آیا نابود خواهید شد؟ بلکه پرسید کی به آسانی از بین می‌روید؟

قبل از این که من وارد معامله‌ای بشوم، می‌دانم که حد ضرر من کجاست؟ (نه این که من حد ضرر نخواهم داشت)، بنابراین می‌دانم که چقدر می‌خواهم در معامله‌ای ضرر کنم؟ دانستن زمان خروج از معامله خیلی دشوار است. اگر نتوانید از حد ضرر استفاده کنید، به فکر خودتان نیستید. هنگامی که شما درباره معامله فکر می‌کنید، بنشینید، دندان‌هایتان را قرچه کنید و تا زمانی که فکر معامله از سرتان بیرون برود منتظر بمانید.

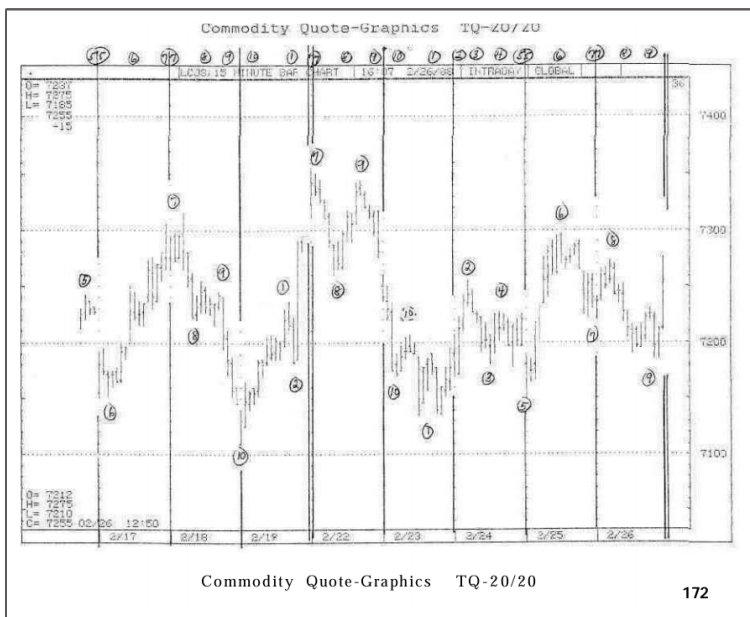
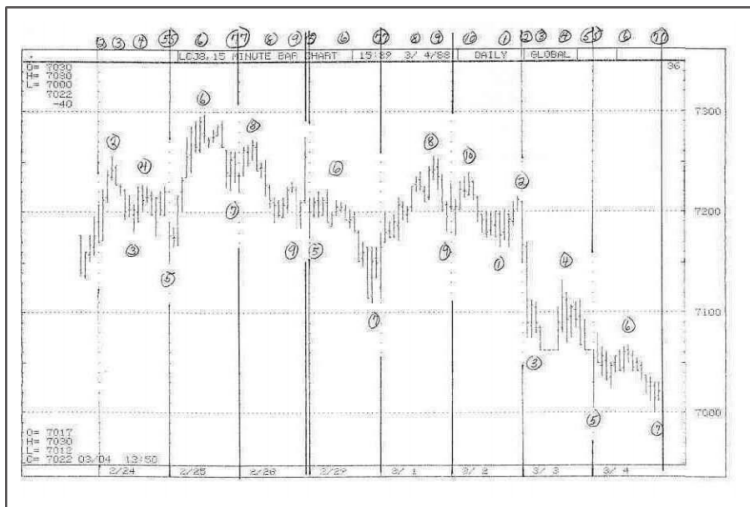




در صفحه روبرو دو نمودار ۱۵ دقیقه‌ای Live Cattle وجود دارد. نمودار Live Cattle ده نقطه چرخش دارد و نقطه (۱) قبل از خط نارنجی رنگ می‌آید. توجه داشته باشید که من نقطه (۵) را در خط سبز رنگ دوخطی و نقطه (۷) را در خط قرمز رنگ دوخطی استفاده کرده‌ام. این شماره گذاری بر این واقعیت تاکید می‌کند که این نقطه همانند سایر نقاط تنها در یک طرف خط رنگی می‌آید. توجه داشته باشید که نقطه (۲) خط نارنجی رنگ را لمس می‌کند. این بدان معنی است که نقطه (۲) بعضی اوقات بر روی خط نارنجی رنگ قرار می‌گیرد، اما اغلب اوقات فقط بعد از خط نارنجی می‌آید.

تحلیل راه حل STD در بازار Live Cattle بسیار مشکل بود، چون تا قبل از تحلیل این بازار، بازاری را که امکان داشت در یک روز ۴ نقطه چرخش را داشته باشد تا به حال ندیده بودم. در واقع من مدت چهار ساعت از یک بعد از ظهرم را بر روی این راه حل کار کردم و سرانجام پاسخ را یافتم. صبح روز بعد، من زود بیدار شدم و دوباره کارکردن بر روی راه حل را شروع کردم. پس از پنج دقیقه، من راه حل را پیدا کردم. شاید ذهن ناخودآگاهم برایم این مشکل را حل کرد. در تایم فریم STD، نقاط چرخش کمتری در سری وجود دارند، معامله کردن با این تایم فریم آسان است و پتانسیل بیشتری دارد. چرا؟ زیرا حرکت‌های بازار در تایم فریم STD به طولانی شدن تمایل دارند.





Commodity Quote-Graphics TQ-20/20



در صفحه روبرو نمودار شکر را می بینید. آنچه ما می خواهیم ببینیم یک دوره زمانی طولانی مدت بین نقاط (۱) و (۲) است زیرا دوره طولانی تر زمان بیشتری را به یک حرکت بزرگ ادامه دار می دهد. توجه داشته باشید که در نمودار شکر، نقاط (۱) و (۲) در حال اتمام هستند و محدوده آن بیشتر از شب است. این موقعیت تجاری خوبی بزرگی نیست. با این حال نقاط (۳) و (۴) و نقاط (۴) و (۵) را نگاه کنید. موقعیت نقاط (۳) و (۴) و (۵) دور روز کامل را پوشش می دهند و این منطقه جایی است که به احتمال زیاد حرکت های بزرگ در آن رخ می دهند. همچنین نقطه (۶) و (۱) مدت زمان طولانی دارند و باید مانند وضعیت وارونگی نقطه (۱) - (۲) که درباره آن بحث کردیم معامله شوند. به وضعیت نقطه (۶) و نقطه (۱) وارونه توجه کنید.

حالا من سومین موقعیت معامله را که دنبالش بودم به شما نشان خواهم داد. من آن را الگوی پرچم Pole و الگوی پرچم وارونه می نامم. اگرچه الگوهای پرچم معروف هستند اما هیچ وقت یادم نمی آید که چنین الگوی دقیق مشخصی را قبلاً دیده باشم، من آن ها را بهترین الگوهای معاملاتی پیدا کرده ام. (به استثنای الگوی مثلث)

نمونه ای از الگوی پرچم را در تاریخ یکم و دوم ماس می توان دید. این الگو از یک حرکت صعودی بسیار سریع (که می تواند شکاف نیز باشد) و به دنبال آن حرکت نزولی تشکیل شده است که الگوی پرچم را شکل می دهد. این الگو باید درست مانند وضعیت نقطه فشار معامله شود. امواج نزولی الگوی پرچم دو سیگنال خرید را پیشنهاد می دهند، در سیگنال اول قیمت پایانی بالای خط مقاومت و نوک پرچم را لمس می کند که نقطه

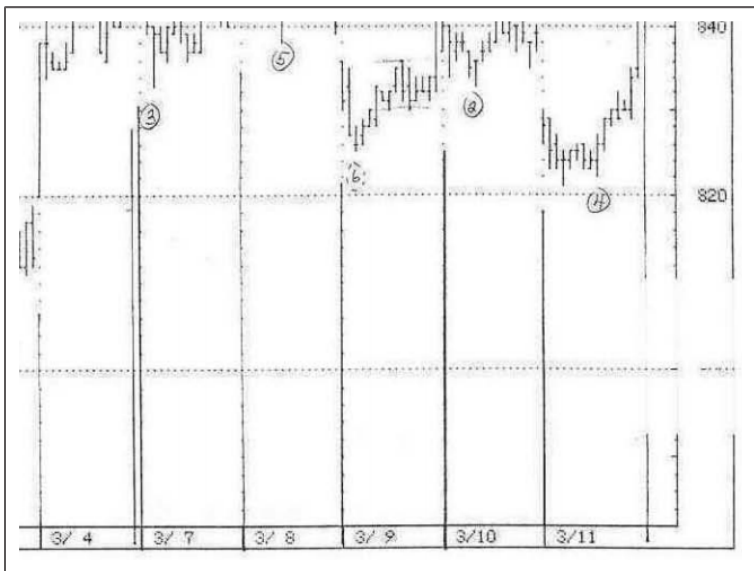
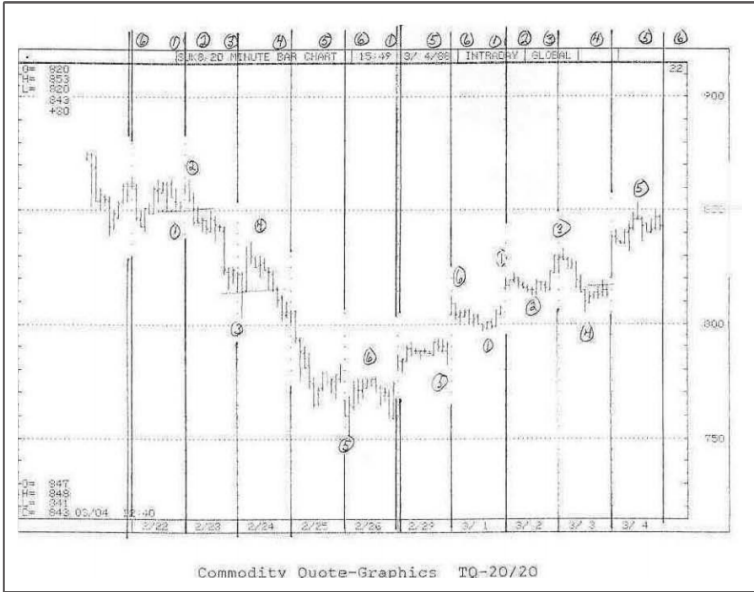


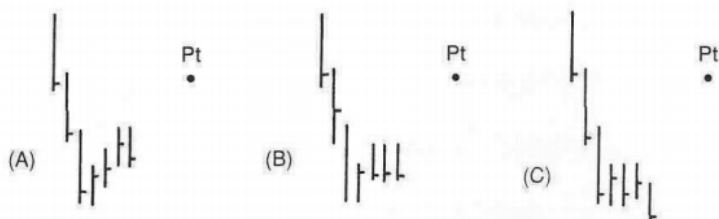
(۱) وارونه اتفاق می‌افتد. مثالی از پرچم معکوس در تاریخ هفتم و هشتم مارس نشان داده شده است. در این مثال پرچم معکوس است. نزدیکی نقطه (۶) اخطار فشار فروش در بازار است.

ما سه تا از بهترین موقعیت‌های معاملاتی بازار را پوشش داده‌ایم. ابتدا) معامله وارونه با تعریف یک کانال بین آخرین نقطه در سری و نقطه (۱) و بین نقطه (۱) و (۲). کانال به دو روش می‌تواند تعریف شود: توسط عمل و عکس‌العمل و به وسیله حمایت یا مقاومت. دوم) وضعیت نقطه فشار که به عنوان یک حرکت ضعیف به نقطه بعدی و وقوع اولیه در آن نقطه تعریف شده است.

و نهایتاً الگوی پرچم و وارونه. در ساختار الگوی پرچم Pole بازار به سمت بالا یک حرکت عمودی سریع انجام می‌دهد و پس از آن به سمت پائین حرکت کرده و نقطه حداقلی بعدی را در همان نزدیکی می‌سازد و در آخر به حرکت صعودی خودش به سمت بالا ادامه می‌دهد. من هم اکنون سه نسخه از این وضعیت را با استفاده از الگوی پرچم وارونه به شما نشان خواهم داد.







مثال (A) نسخه کلاسیک الگوی پرچم است. مثال (B) نشان می‌دهد که فشار فروش بیشتری وجود دارد که تلاش می‌کند بازار را از ساختن نقطه حداکثری جدید در آن زمان بازدارد. مثال (C) نشان می‌دهد که فشار فروش بیشتری از سایرین وجود دارد و معمولاً بزرگ‌ترین حرکت نزولی را خبر می‌دهد.

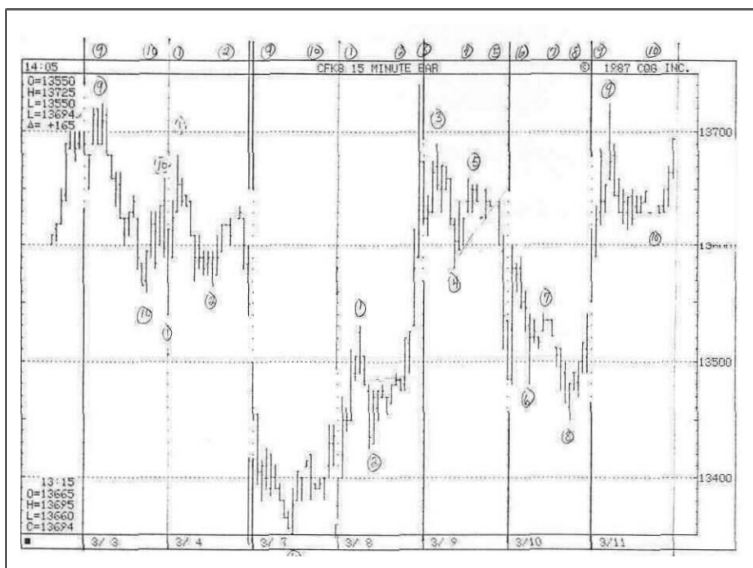
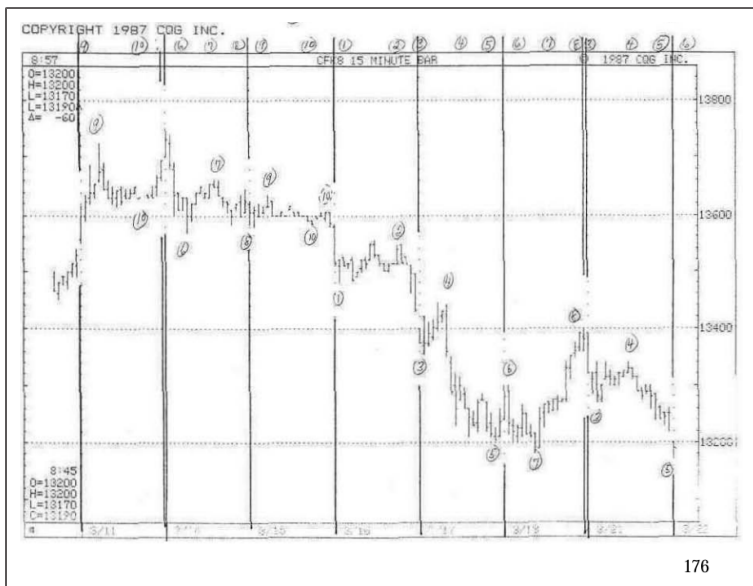
در نمودار قهوه، چند مثال وجود دارد که در یکی از این سه موقعیت معاملاتی خاص قرار می‌گیرد. باز هم تاکید می‌کنم که این سه موقعیت معاملاتی ویژه در تمامی تایم فریم‌ها دلتا به کار می‌رود.

من شنیده‌ام که معامله‌گران Floor می‌گویند بعضی اوقات به نظر می‌رسد که یک احساسی به بازار دارند. گمان می‌کنم گاهی اوقات این گفته درست است آن هم به دلیل استفاده از حجم معاملات فوری در معاملات Floor و حجم سروصدایی که معامله‌گران این بازار با آن سروکار دارند. با این حال، من به داشتن احساسات درباره بازار اعتماد ندارم. من معامله‌گران بسیاری را دیده‌ام که به خاطر پیروی از احساساتشان به دردسر افتاده‌اند. شخصاً فکر می‌کنم که آخرین احساس واقعی که یک معامله‌گر دارد زمانی است که گوشی را برمی‌دارد و سفارش خود را قرار می‌دهد.



به هر حال، بعد از چندین سال معامله در تایم فریم STD، متوجه شدم که هر کسی می‌تواند "خواندن" بازار را یاد بگیرد. نظم دلتا راهی را برای خواندن بازار میسر می‌کند و تنها برای کسانی در دسترس است که این نظم را می‌دانند. خواندن بازار شما را قادر می‌سازد تا قبل از این که بازار با فشار شروع به حرکت نماید بدانید فشار در کجای بازار وجود دارد. منظور از فشار، فشار خرید و فشار فروش می‌باشد.





سه موقعیت معاملاتی یادشده بالا از تعریف فشار فروش در حرکت رو به جلو بهره می‌برند. نظم دلتا به شما می‌گوید که بازار می‌خواهد چه کار بکند؟ قرار است چه کاری انجام دهد؟ هنگامی که بازار کار مورد انتظار را انجام نمی‌دهد، اطلاعات پتانسیل بازار یک معامله سودآور را فراهم می‌کنند، آن هم بیشتر از زمانی که بازارها تنها آنچه را که از آن‌ها انتظار می‌رود را انجام می‌دهند. صدای عجیب و غریب در ذهنتان زمانی که شما درباره آن فکر می‌کنید، چیست؟ در یک بازار متوسط، نقاط حداکثر و حداقل قیمتی در زمان صحیح اتفاق خواهند افتاد، اما یک بازار متوسط حرکات متوسط دارد.

حرکات بزرگ در بازار قوی اتفاق می‌افتند. (وقتی من از واژه قوی استفاده می‌کنم منظورم حرکت جهت دار قوی است... چه به سمت بالا و یا پائین) در بازار قوی نقاط چرخش دلتا در جهت حرکت دیرتر اتفاق می‌افتند. نقاط چرخش در عکس‌العمل به چنین بازاری (برخلاف حرکت بازار) در ابتدای حرکت جدید اتفاق می‌افتند. قرار دادن تمام این‌ها در کنار نظم دلتا یک سیگنال خرید به معامله‌گر می‌دهد که هیچ کس دیگری آن را ندارد... به درستی که این نظم سرنخی از بازار به معامله‌گر می‌دهد که هیچ چیز دیگری در این سیاره این اطلاعات را به وی نمی‌دهد.

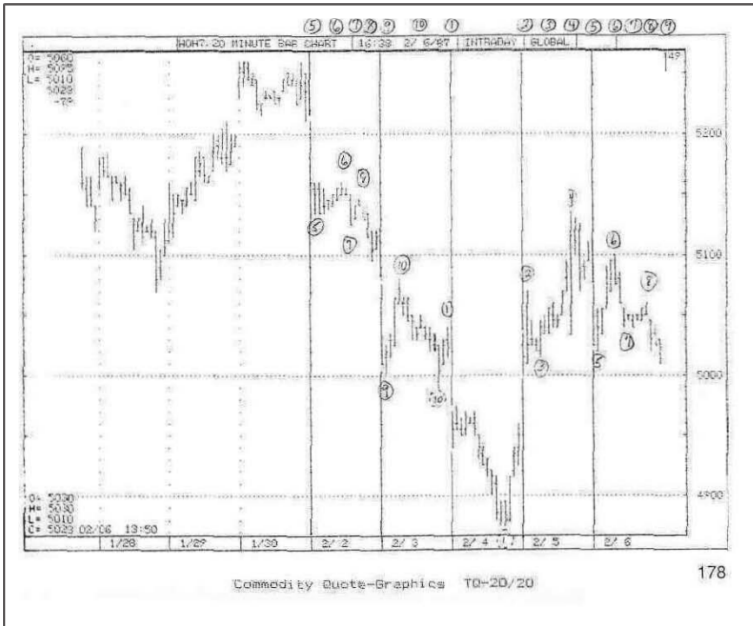
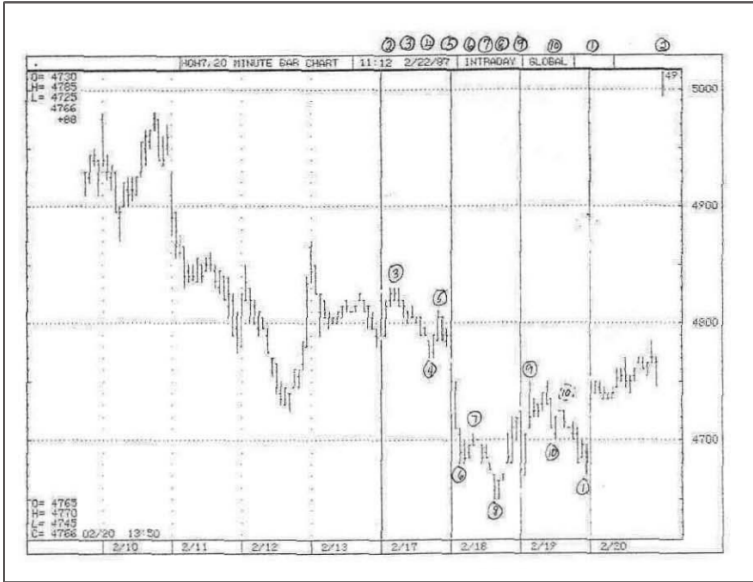
برای افراد ناآگاه، این ایده کاملاً مضحک است... که هر کسی بتواند آنچه را که بازار "قرار است" انجام دهد را بداند. چرا که معامله‌گر می‌داند بازار قرار است چه کاری انجام دهد. او می‌تواند بازار را بخواند. من برای اینکه این اطلاعات تنها در اختیار تعداد معدودی از افراد باشد تابه حال برنامه‌ای



نداشتم. با این حال، به خاطر یک سری شرایط خاص، این اطلاعات را در اختیار هر کسی که آنرا بخواهد قرار می‌دهم... بدون پرداختن ۳۵۰۰۰ دلار برای آن.

آخرین نمودار از تایم فریم STD نمودار Heating Oil است. راه حل این بازار برای بازار نفت خام نیز به کار می‌رود. بازار Heating Oil ده نقطه چرخش دارد و نقطه (۱) بر روی خط آبی رنگ می‌آید، یعنی این نقطه می‌تواند تنها قبل یا بعد از خط آبی رنگ بیاید. باز هم ما حرکات بزرگ را در دو طرف نقطه (۱) می‌بینیم. به وارونگی دوگانه در تاریخ دوم آوریل سال ۱۹۸۷ توجه کنید.





من همه راه حل‌های در تایم فریم STD را نشان نداده‌ام اما از بقیه تایم فریم‌ها به اندازه کافی راه حل نشان داده‌ام که شما بتوانید نظم کامل را حتی به صورت روزانه درک کنید. مگر این که شما یک معامله گر روزانه باشید که احتمالاً هرگز از تایم فریم STD استفاده نخواهید کرد. اما شما می‌دانید که این نظم زیبا در هر روزی و در هر بازاری کار می‌کند. تعریف تایم فریم STD را به یاد داشته باشید.

بازارها در هر چهارروز خورشیدی به صورت مستقیم و وارونه تکرار می‌شوند. این تعریف به بخش STD پایان می‌دهد و در واقع به پنج تایم فریم دلتا خاتمه می‌دهد. از آنجا که ما رسم معمول راجع به معامله دلتا را زیر پا گذاشتیم. بخش بعدی را با هر چیزی که من از هفت سال معامله با دلتا یاد گرفتم، ادامه خواهم داد و مطمئنم که بخش‌های قبلی سودمند بوده‌اند.





abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



بازنشر:

فصل نهم

معامله با نقاط چرخش دلتا



در بخش قبلی ماسه تا از بهترین موقعیت‌های معاملاتی دلتا را مطرح کردیم. این شرایط به تنهایی اتفاقی می‌افتند زیرا شما می‌دانید که نقاط چرخش دلتا در کجا قرار دارند؟ و با کدام یک از نقاط چرخش دلتا معامله کنید؟

این شرایط عبارت‌اند از:

[۱] نقاط چرخش

[۲] الگوهای پرچم

[۳] معامله با نقاط وارونه دلتا

از آنجا که این‌ها بهترین شرایط معامله هستند، یک مورد بسیار خوب برای معامله می‌تواند تنها با این سه شرایط فراهم شود. بزرگ‌ترین مشکلی که بیشتر معامله‌گران دارند «معامله بیش از سرمایه در گردش» است. معامله کردن با شرایط بالا به معامله‌گران کمک خواهد کرد تا از معامله کردن بیش از حد سرمایه در گردش یا overtrading جلوگیری کنند.



پس از گفتن موارد بالا، می‌خواهم اساسی‌ترین مفاهیم درباره معاملات دلتا را ارائه کنم. فقط به خاطر این که تاریخ متوسط نقاط چرخش دلتا را می‌دانید هرگز معامله‌ای انجام ندهید. به جای آن، منتظر بمانید تا زمانی که بازار به شما بگوید پاسخش به تاریخ دلتا چیست. اگر شما تا زمانی که بازار واقعاً در نقاط خودش بچرخد و قبل از این که وارد معامله شوید، منتظر بمانید این کار به طور قابل توجهی درجه دقت را به نفع شما افزایش می‌دهد.

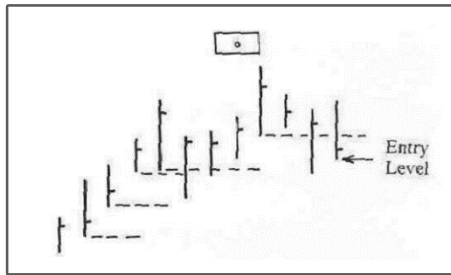
چگونه می‌توان مطمئن شد که بازار در نقطه چرخش دلتا، چرخیده است؟ هیچ کس به درستی جواب آن را نمی‌داند تا زمانی که بازار نقطه چرخش قبلی دلتا را رد کند. به عنوان مثال، آیا می‌توان مطمئن بود که یک نقطه چرخش حداکثر خاص دلتا در زمانی قرار دارد که بازار از نقطه حداکثری به پایین می‌چرخد و زیر نقطه چرخش حداکثری قبلی دلتا می‌رود. البته در آن زمان ممکن نیست که بازار پتانسیل پنهان زیادی در حرکت‌های نزولی داشته باشد. ایده بعدی این است که منتظر بمانیم تا زمانی که شانس رو کند و نقطه چرخش اتفاق بیفتد اما هنوز پتانسیل بالقوه برای حرکت بعدی وجود دارد.

در طول این سال‌ها، من معامله کردن در سه نقطه تأیید شده را توسعه داده‌ام. بیش از ده سال است که از این سه نقطه تأیید شده استفاده کرده‌ام و هیچ چیزی را به اندازه آن‌ها آسان و قابل اعتماد نیافتم. من آن‌ها را در کتابچه راهنمایی به اعضای دلتا نشان دادم. نمودارهای ذیل مستقیماً از کتابچه راهنمای اعضا برداشته شده‌اند.

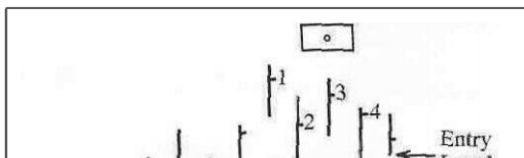


(A) سیگنال ورود شماره ۱

SELL STOP را در حداقل اولین کندلی قرار دهید که قیمت پایانی آن کندل زیر حداقل کندل صعودی قبلی باشد. هر کندلی که یک حداکثر قیمتی جدید در حرکت خود می‌سازد سیگنال آن روز تا چند روز آینده بکشید. این افقی نقطه چین از حداقل سیگنال آن روز تا چند روز آینده بکشید. این خط چین افقی، حداکثر فعلی آن روز است. زمانی که شما قیمت پایانی روزانه را زیر حداقل سیگنال آن روز (حداکثر یادشده) دارید در این صورت یک SELL STOP در حداقل آن روز یا کمی زیر حداقل آن روز قرار دهید.

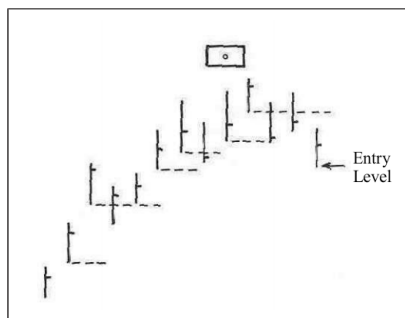
**(B) سیگنال ورود شماره ۲**

SELL STOP را در حداقل اولین روزی قرار دهید که زیر چهار کندل روزانه قبلی بسته شده است. کلمات کلیدی در این سیگنال، چهار کندل قبلی می‌باشد. این سیگنال بعید است که قبل از سیگنال شماره ۱ بیاید اما بیشتر اوقات قبل از سیگنال شماره ۳ اتفاق می‌افتد.



(C) سیگنال ورود شماره ۳

SELL STOP را در حداقل اولین کندلی قرار دهید که یک نقطه حداکثری زیر حداقل کندل صعودی قبلی دارد. باز هم هر کندلی که یک حداکثر قیمتی جدید را می‌سازد، سیگنال آن روز می‌باشد. یک خط افقی به اندازه خط افقی سیگنال شماره ۱ قبلی رسم کنید. هنگامی که محدوده یک کندل به طور کامل زیر حداقل کندل صعودی باشد SELL STOP را در حداقل آن روز یا کمی.



ممکن است و حتی احتمال دارد که دو یا بیشتر از این سیگنال‌ها بتوانند در همان روز اتفاق بیافتند. سیگنال‌های شماره ۲ و ۳ بیشتر از سیگنال شماره ۱ تأیید می‌شوند. سیگنال شماره ۳ کمی بیشتر از سیگنال شماره ۲ قابل تشخیص است. این سیگنال به معامله گر تعداد زیادی استراتژی قابل استفاده می‌دهد. به عنوان مثال، او می‌توانست سفارش خود را بر روی یک سوم از موقعیت خودش با هر سیگنالی قرار دهد، یا منتظر دو یا چند تأییدیه برای شروع موقعیت کامل خود بماند و یا از هر ترکیبی از سیگنال‌ها استفاده کند.

در معامله چه ریسکی خواهید کرد؟ باید از حد ضرر استفاده کرد. به یاد داشته باشید، معامله گران، با در نظر گرفتن حد ضررهای محاسبه شده نسبتاً کوچک از بین نرفته‌اند، اما با در نظر گرفتن یک حد ضرر بسیار بزرگ نامناسب از بین رفته‌اند. حد ضرر شما باید یک قسمتی از طرح معامله‌تان باشد و قبل از آن که بخواهید وارد معامله بشوید درباره آن تصمیم بگیرید. زمانی که شما بر روی حد ضررتان تصمیم می‌گیرید، هرگز آن را تغییر ندهید.

دو نوع متفاوت حد ضرر وجود دارد: حد ضرر تکنیکال و حد ضرر سرمایه. حد ضرر سرمایه ساده‌ترین نوع آن است. تصمیم بگیرید که با چه مقدار از سرمایه‌تان قصد دارید در معامله ریسک نمایید؟ بعضی از معامله گران از حد ضرر به نام کتاب جیبی استفاده می‌کنند یعنی با چقدر از سرمایه‌تان می‌توانید در یک معامله ریسک کنید؟

حد ضرر تکنیکال باید در جایی در بالای حداکثر (سیگنال) کندل آن روز قرار داده شود یعنی دقیقاً چقدر از حداکثر کندل آن روز بالاتر است. اغلب معامله گران حد ضررهایشان را یک یا دو تیک بالاتر از حداکثر کندل صعودی آن روز قرار می‌دهند. بازارها اغلب یک حداقل قبلی را چندین بار آزمایش می‌کنند (به نظر می‌رسد گاهی اوقات، فقط برای بالا بردن حد ضررهای بسته شده) تا یک قله دوگانه را بسازد. معامله گران با تجربه تلاش می‌کنند تا حد ضررهایشان را به اندازه کافی بالاتر از حداکثر کندل صعودی قبلی قرار دهند به طوری که حد ضررهایشان خارج از محدوده یک یا دو پیپ از حد ضرر معمول باشد اما نه بالاتر از حداکثر یاد شده که



ریسک معامله‌شان را تا حد زیادی افزایش دهد.

قبل از این که استراتژی معامله کردن با تایم فریم LTD را مطرح کنیم، می‌خواهم درباره چیزی بحث کنم که من آن را «صف کشیدن» نقاط چرخش دلنا می‌خوانم. همان طور که می‌دانید هر یک از تایم فریم‌های دلنا جدای از تایم فریم‌های دیگر دلنا حل شده‌اند. اگر نقطه حداکثر (۱) در تایم فریم ITD در همان تاریخ نقطه حداکثر (۱) تایم فریم‌های MTD و LTD و همچنین در همان تاریخ نقطه (۱۲) تایم فریم SLTD می‌آمد چه اتفاقی می‌افتاد، ممکن است فکر کنیم که قیامت می‌خواهد اتفاق بیفتد. قطعاً ما انتظار یک حرکت مهم نزولی را خواهیم داشت. من هرگز نقطه (۱) را ندیده‌ام که در بیشتر از دو تایم فریم و در همان تاریخ با یکدیگر در یک صف باشند. زمانی که چنین اتفاقی بیفتد، حرکات بعدی بازار خیلی بزرگ خواهند بود. ایده من این است، زمانی که هر یک از نقاط چرخش دلنا در همان تاریخ و یا نزدیک به همان تاریخ باشد، این اتفاق خبر یک حرکت بزرگ را می‌دهد.

اگر ما تاریخ نقطه حداکثری تایم فریم SLTD و تاریخ سه تا از نزدیک‌ترین نقاط حداکثری تایم فریم LTD را بدانیم و تاریخ سه تا از نزدیک‌ترین نقاط تایم فریم MTD را بدانیم در این صورت می‌توانیم صفر را در تاریخی قرار دهیم که انتظار داریم تا نقطه حداکثری تایم فریم SLTD در آنجا اتفاق بیفتد. اجازه دهید بگویم که محدوده انحراف استاندارد برای یک نقطه حداکثری تایم فریم SLTD شامل دو نقطه حداکثر در تایم فریم LTD می‌باشد. ما می‌دانیم که نقطه حداکثر واقعی در تایم فریم SLTD در ارتباط با یکی از



نقاط حداکثری تایم فریم LTD اتفاق افتاده است. بنابراین ما زمان حداکثر قیمتی تایم فریم SLTD را به دو تاریخ محدود کردیم. فرض کنید نقطه حداکثری تایم فریم SLTD در ارتباط با اولین نقطه حداکثر تایم فریم LTD اتفاق نیفتاد. در این صورت ما باید یک تاریخ را حذف کنیم و آن انحراف استاندارد خیلی محدودی دارد.

هم اکنون تاریخ LTD در ارتباط با یک از دو تاریخ تایم فریم MTD اتفاق خواهند داد و تاریخ هر یک از نقاط حداکثری تایم فریم MTD در ارتباط با یکی از دو تاریخ نقطه حداکثر ITD اتفاق خواهند افتاد. شما می بینید که چگونه با دانستن تاریخ هر یک از تایم فریم ها برای یک بازار خاص، زمان بندی می تواند به طور چشمگیری بهبود یابد آن هم فقط با دانستن تایم فریم های دراز مدت. راه آسان برای نگه داشتن زمان بندی این است که برای هر کدام از تایم فریم ها، تاریخ را در نمودارتان با رنگ های متفاوت قرار دهید (نسبت به این که نمودارتان تا کجا تاریخ بندی شده است؟) نقاط حداکثری را در بالای نمودار و نقاط حداقلی را در پائین نمودارتان قرار دهید و زمانی که نقاط چرخش دلتا در نمودار صف کشیدند، زمان بندی نقاط آشکار خواهد شد. حالا اجازه دهید تا به استراتژی LTD در کتابچه راهنمای اعضای دلتا نگاهی بیندازیم.

استراتژی معاملاتی درازمدت دلتا LTD

استراتژی LTD برای اولین بار است که مطرح می شود زیرا تایم فریمی است که استفاده از هر نوع تحلیل پیش بینی بازار در آن شروع می شود.



این تایم فریم اساس هر نوع تحلیل بازاری است. محدوده ای است که در آن بسیاری از معامله گران بیشترین سود را کسب می‌کنند. استانی کرول (معامله گرز دراز مدتی است که میلیون‌ها دلار به دست آورد) اغلب به جاودانه بودن نام جو کین اشاره می‌کند که به مدت بیش از پنجاه سال در بازارهای سودده معامله کرده است. اساس تحلیل کین نمودارهای هفتگی و ماهانه است. معامله گری که به درستی می‌تواند نوسانات دراز مدت بازار را پیش بینی نماید و نظم انضباط «نشستن و منتظر ماندن» را داشته باشد، راز واقعی جمع آوری ثروت در آینده را یاد گرفته است.

به اعتقاد من مهم‌ترین منظر دلتا پول درآوردن در بازارها در تایم فریم LTD است. به ویژه در بازار کالاها که نقاط چرخش در دوره‌های هفتگی داده شده است. (با این حال، معامله گرتایم فریم SLTD ممکن است نوسانات بزرگ در بازار کالاها ماهانه را ترجیح دهد) این همچنین ساده‌ترین راه معامله است. معامله گرانی که هفته‌ای یکبار به نمودارهای هفتگی خود نگاه می‌کنند با نوسانات روزانه، شایعات و نیروهای مداوم ناشی از ترس و طمع که مانع پایبندی معامله گران به استراتژی معاملاتی‌شان است از معامله باز نمی‌مانند.

تا قبل از زمانی که به طور تصادفی به پدیده دلتا برخورد نکرده بودم، مطلقاً هیچ چیزی در دست نبود تا به من اطمینان دهد و به طور یقین بدانم که روند بلند مدت در دلتا چیست و مهم تر از آن، چه مدت طول خواهد کشید؟

مطالعه متمرکز من از این پدیده در سال گذشته مرا متقاعد کرد که روند



هر کدام از بازارها چه خواهد بود و برای چه مدتی می‌تواند با درجه بسیار بالایی از یقین مشخص شود. با این اطلاعات، اکنون می‌توان هفته‌ای یکبار به بازارها نگاه کرد و معامله مطمئنی انجام داد. این تنها یکی از راه‌هایی که شما می‌توانید از دلتا استفاده کنید.

هر معامله‌گری در معاملات دراز مدت با تحلیل خودش سیگنال ورود و خروج خواهد داشت. با این حال در اینجا می‌خواهم برخی از سیگنال‌های ورود و خروج بسیار خوبی را که طی چندین سال پیدا کرده‌ام با شما به اشتراک بگذارم.

سیگنال‌های خرید تایم فریم LTD

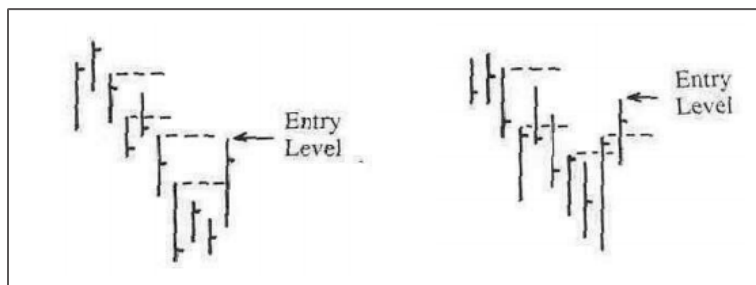
برای نشان دادن این سیگنال‌های خرید، ما فرض می‌کنیم که به دنبال یک کف در بازار هستیم و در تایم فریم برنامه ریزی شده دلتا معامله می‌کنیم. اگر به دنبال یک قله با تایم فریم LTD دلتا هستیم، روش معامله با سه نقطه تأیید شده را خیلی ساده به طرز معکوسی به کار می‌گیریم.

سیگنال خرید شماره ۱

BUY STOP را در حداکثر اولین کندل هفتگی قرار دهید که قیمت پایانی آن کندل بالای حداکثر کندل نزولی قبلی باشد. هر کندلی که یک حداقل قیمتی جدید در حرکت خود می‌سازد سیگنال آن روز می‌شود. یک خط افقی نقطه چین از حداکثر سیگنال آن روز تا چند هفته آینده بکشید. این خط چین افقی، حداقل فعلی آن هفته است. هنگامی که شما قیمت پایانی هفتگی را بالای حداکثر سیگنال آن روز (حداقل یاد شده) دارید در

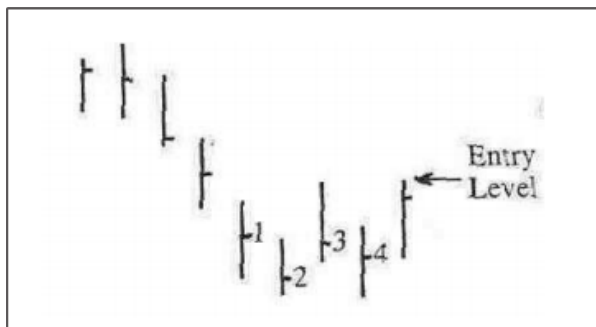


این صورت یک BUY STOP در حداکثر آن روز یا کمی بالاتر از حداکثر آن هفته قرار دهید.



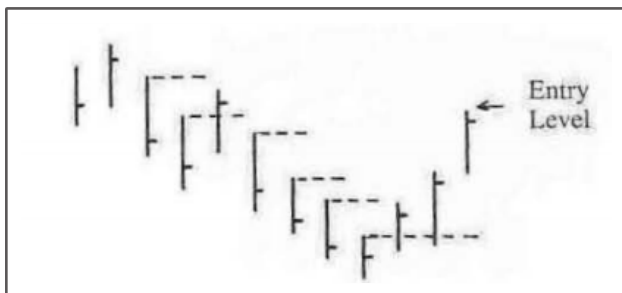
سیگنال خرید شماره ۲

BUY STOP را در حداکثر اولین هفته‌ای قرار دهید که بالای چهار کندل هفتگی قبلی بسته شده است. کلمات کلیدی در این سیگنال، چهار کندل قبلی می‌باشد. این سیگنال بعید است که قبل از سیگنال شماره ۱ بیاید اما بیشتر اوقات قبل از سیگنال شماره ۳ اتفاق می‌افتد.



سیگنال شماره ۳

BUY STOP را در حداکثر اولین کندلی قرار دهید که یک نقطه حداقلی بالای حداکثر کندل نزولی قبلی دارد. بازهم، هر کندلی که یک حداقل قیمتی جدید را می‌سازد، سیگنال آن هفته می‌باشد. یک خط افقی به اندازه خط افقی سیگنال شماره ۱ قبلی رسم کنید. هنگامی که محدوده یک کندل به طور کامل بالای حداکثر کندل نزولی باشد BUY STOP را در حداقل آن کندل یا کمی بالاتر از حداکثر کندل آن هفته قرار دهید.



ممکن است و حتی احتمال دارد که دو یا بیشتر از این سیگنال‌ها بتوانند در همان هفته اتفاق بیافتند. سیگنال شماره ۲ و ۳ بیشتر از سیگنال شماره ۱ تأیید می‌شوند. سیگنال شماره ۳ کمی بیشتر از سیگنال شماره ۲ قابل تشخیص است. این سیگنال به معامله گر تعداد زیادی استراتژی قابل استفاده می‌دهد. به عنوان مثال، او می‌توانست سفارش خود را بر روی یک سوم از موقعیت خودش با هر سیگنالی قرار دهد، یا منتظر دو یا چند تأییدیه برای شروع موقعیت کامل خود بماند و یا از هر ترکیبی از سیگنال‌ها استفاده کند.

حد ضرر

حد ضرر همیشه باید استفاده شود. معامله گران، با در نظر گرفتن حد ضررهای محاسبه شده نسبتاً کوچک از بین نرفته‌اند، اما با در نظر گرفتن یک حد ضرر بسیار بزرگ نامناسب از بین رفته‌اند. حد ضرر شما باید یک قسمتی از طرح معامله‌تان باشد و قبل از آن که بخواهید وارد معامله بشوید درباره آن تصمیم بگیرید. هنگامی که شما بر روی حد ضررتان تصمیم می‌گیرید، هرگز آن را تغییر ندهید.

دو نوع متفاوت حد ضرر وجود دارد... حد ضرر تکنیکال و حد ضرر سرمایه. حد ضرر سرمایه ساده‌ترین نوع آن است. تصمیم بگیرید که با چه مقدار از سرمایه‌تان قصد دارید در معامله ریسک نمایید؟ بعضی از معامله گران از حد ضرر به نام کتاب جیبی استفاده می‌کنند یعنی با چقدر از سرمایه‌تان می‌توانید در یک معامله ریسک کنید؟ سایر معامله گران، با یک درصد سرمایه موردنیاز برای یک معامله ریسک می‌کنند. برای مثال اگر شما با ۷۵٪ مارجین تان در یک معامله ریسک کنید در این صورت شما یک نقشه راهی دارید که نسبت به ارزش و نوسانات آن کالا است.

حد ضرر تکنیکال، باید در جایی در پائین حداقل کندل (سیگنال) نزولی آن هفته قرار داده شود یعنی دقیقاً چقدر از حداکثر کندل آن هفته پائین تراست. اغلب معامله گران حد ضررهایشان را یک یا دو تیک پائین تر از حداقل کندل نزولی آن هفته قرار می‌دهند.

بازارها اغلب یک حداقل قبلی را چندین بار آزمایش می‌کنند و یک کف دوگانه را می‌سازند و معامله گران ترسو حد ضررهایشان را چند پیپ زیر



حداقل کندل نزولی قبلی قرار می دهند. معامله گران با تجربه تلاش می کنند تا حد ضررهایشان را به شکل «مخفی کردن» قرار دهند به طوری که خارج از محدوده یک یا دو پیپ از حد ضرر معمول باشد اما نه بالاتر از حداکثریاد شده که ریسک معامله شان را به طور قابل توجهی افزایش دهند.

همیشه همیشه همیشه از حد ضرر استفاده کنید! این سؤال شما از خودتان که آیا من آنرا به کار خواهم برد؟ باعث بزرگترین نابودی سرمایه تان است.

قبل از این که به استراتژی بعدی برویم، دیدگاه دیگر این است. شخصی که همه چیز را درباره معاملات آتی می داند می تواند استراتژی بالا را در کمتر از یک ساعت در هفته با استفاده از اطلاعات دراز مدت دلتا تنها در بازار کالاهای هفتگی پیاده سازد. نتیجه چایی تایم فرمی LTD اغلب بیشتر از یک بار در ماه تولید نشده است. من هنوز هم معتقدم که «برای آدم تنبل راهی برای ثروتمند شدن» وجود ندارد. اما نظم دلتا راهی است که با آن می توان به چیزهای زیادی دست یافت.

تا الآن درباره معامله در نقاط چرخش صحبت کردیم اما به نظر من، باید بر روی زمان و جهت حرکت بازار تاکید کنیم. نقاط چرخش دلتا، در واقع، تلاشی برای انتخاب قله و کف بازار می باشد. این کار اغلب سرگرم کننده و هیجان انگیز است. اما جایی نیست که در آن بیشترین پول را به دست آورد. بیشترین پول در کجای بازار به دست می آید؟ این پول در یک سوم میانی بازار یا تا حد زیادی در خارج از حرکت بازار به دست می آید.

سؤال این است: کف و سقف بازار در کدام نقطه بازار تأیید شده است؟



پاسخ این سؤال به تایم فریمی بستگی دارد که معامله گراز آن به عنوان مرجع استفاده می‌کند. به همین دلیل است که من بر روی تایم فریم LTD به عنوان بهترین تایم فریم برای معامله کردن پافشاری می‌کنم. این تایم فریم ابعاد زمان و جهت حرکت را به ما می‌دهد. این اطلاعات بهترین اطلاعات تجاری است که نظم دلتا در اختیار ما قرار می‌دهد. پاسخ سؤالات این است:

جهت حرکت بازار کدام است؟

ادامه حرکت بازار چقدر زمان می‌برد؟

چند سال پیش، من کتابی با عناوین «نظریه ADAM در بازارها» یا «عناصر سود چیست» نوشتم. این کتاب اولین بار «تقارن داخلی» بازارها را فاش کرد. تئوری آدام درباره تقارن داخلی بازار و نظم دلتا درباره تقارن خارجی بازار است. جیم اسلومان هر دو آن‌ها را کشف کرد. مطابق با نظریه آدام، هر معامله‌گری باید برای شروع حرکت بازار منتظر بماند و سپس سوار قطار در حال حرکت شود. آیا این نظریه در تضاد با دلتا نیست؟ اگر معامله گر قصد دارد تا کف و سقف بازار را انتخاب نماید، بلی در تضاد است. ولی اگر معامله گر یک دیدگاه بلند مدت را نسبت به بازار داشته باشد و در زمان و جهت حرکت بازار تمرکز کند، در این صورت نظم دلتا و نظریه آدام با یکدیگر همکاری دارند و زمان همکاری این دو همان جایی است که در آنجا پول به دست می‌آید. تاکنون این بحث به بازارهای آتی پرداخته گرویده است که معمولاً معاملات آن‌ها در مدت زمان کوتاه‌تری از معاملات سهام و اوراق قرضه انجام می‌شود. نظم دلتا باعث می‌شود تا معاملات



سهام در مقایسه با معاملات کالاها آسان تر انجام شود زیرا معاملات سهام واقعاً در تایم فریم‌های LTD و SLTD قابل اجرا هستند و می‌تواند به طور نامحدود اجرا شود در حالی که معاملات آتی کالاها تاریخ انقضا دارند. معاملات سهام در مقایسه با معاملات آتی کالاها، بازی فوتبال متفاوتی است. اجازه دهید این موضوع را از منظر دلتا بررسی کنیم.

در معاملات آتی زمان‌بندی معاملات باید دقیق باشد. هنگامی که معامله‌گر وارد بازار می‌شود او باید فوراً یک حد ضرر در پوزیشن معامله‌اش قرار دهد. معامله‌گر ممکن است قراردادهای را در پوزیشن خودش اضافه کند اما باید این کار را تنها زمانی انجام دهد که بازار به سمت مطلوب در جهت خودش در حال حرکت است. او باید قرارداد خرید یا فروش را کمتر از تعداد قراردادهای اصلی اضافه کند. بازار سهام و اوراق قرضه می‌توانند به صورت نامحدودی معامله شوند و زمان بندی معاملات در آن‌ها دقت بسیار کمتری دارد. معامله‌گر می‌تواند حتی در خریدهای خود میانگین کم کند. او حتی می‌تواند در افزایش قیمت نیز میانگین کم کند. او نیازی ندارد تا از حد ضرر استفاده کند و می‌تواند پوزیشن‌اش را تا زمانی که بخواهد، نگه دارد.

یکی از جالب‌ترین استراتژی‌های معاملاتی، خریدن اوراق قرضه بدون کوپن را در کف قیمتی تایم فریم LTD و فروش آن در اوج قیمتی این تایم فریم می‌باشد. اوراق قرضه بدون کوپن معوقه، پتانسیل زیادی برای کسب سود دارد. رشد ۲ یا ۳ درصدی اقتصادی می‌تواند پول شما را دو یا سه برابر کند. بالاتر از همه این‌ها، مهم نیست که کدام یک از اوراق



قرضه را می‌خرید، حتی در بالاترین قیمت از سابقه معاملاتی اوراق قرضه، در بدترین شرایط اگر معامله گر اوراق قرضه را تا تاریخ سررسید نگه دارد می‌تواند در هر سال حدود ۱۰ درصد سود کسب کند.

تنها راهی که معامله گر ممکن است با استراتژی اوراق قرضه بدون کوپن سرمایه‌اش را از دست بدهد این است که اوراق قرضه‌اش را در قیمتی پایین تر از قیمتی که آن‌ها را خریده، بفروشد. تنها دلیلی که او می‌تواند برای انجام این کار داشته باشد این است که سرمایه‌اش را برای مقاصد دیگر لازم داشته باشد. نگاهی به نقاط خرید/فروش SLTD ارائه شده در قسمت تایم فریم SLTD اوراق قرضه این گفته ما را تأیید می‌کند که طولانی‌ترین مدت زمان از نقطه خرید تا نقطه فروش در تایم فریم SLTD مدت ۲۵ ماه است. این بدان معنی است که سه سال طولانی‌ترین دوره معامله خواهد بود که حتی به نقطه خرید اجازه می‌دهد تا زودتر از موعد برسد و زمان نقطه فروش دیر شود.

من فهمیدم که بهترین راه برای خرید و فروش اوراق قرضه بدون کوپن این است که سهام صندوق اوراق قرضه را خرید و فروش نمایم که به شما اجازه می‌دهد تا تعداد اوراقی را که می‌خواهید بخرید انتخاب کنید. برخی از این صندوق‌ها، صندوق‌های دیگری دارند که کلاً در بازارهای ۹۰ روزه T-Bill دولت سرمایه‌گذاری می‌کنند. در واقع می‌توان یک حساب T-Bill باز کنید و T-Bill موردعلاقه را گردآوری کرده (احتمالاً در نهایت امنیت) و سپس یک حساب اوراق قرضه بدون کوپن باز کنید. سپس با تماس تلفنی اوراق قرضه را توسط انتقال وجه از یک حساب به حساب دیگری خرید و فروش نمایید.



برای کسی که به دنبال پتانسیل بزرگ سودآوری با استفاده از دلتا در شرایط بدون ریسک می باشد، این بهترین بازی در شهر است.

**در صورت تمایل و به منظور حمایت از اثر و تشویق مترجم
می توانید مبلغ دلخواه خود را به شماره حساب زیر
بنام بهنام حسین نژاد واریز نمایید.
۸۷۰۵-۰۱۹۰-۳۳۷۹-۶۱۰۴ (بانک ملت)**

